

زندگی سالم مسیحی

چگونه رابطہی سالمے با
خدا داشته باشیم؟

نویسنده: تری رابرتس

فهرست

۹	—	فصل اول: خدا چگونه شخصیتی دارد؟	—
۲۸	—	فصل دوم: چگونه می‌توانیم درباره‌ی خدا...؟	—
۴۴	—	فصل سوم: چگونه باید با خدا ایجاد ارتباط کنیم؟	—
۵۸	—	فصل چهارم: چگونه در ایمان رشد کنیم؟	—
۹۶	—	فصل پنجم: من که هستم؟	—
۱۰۴	—	فصل ششم: آیا خدا شفا می‌بخشد؟	—
۱۱۳	—	فصل هفتم: آیا خدا مهیا می‌کند؟	—
۱۲۲	—	فصل هشتم: حقیقت چیست؟	—
۱۳۸	—	ضمیمه‌ی اول	—
۱۴۲	—	ضمیمه‌ی دوم	—
۱۵۱	—	ضمیمه‌ی سوم	—
۱۶۲	—	ضمیمه‌ی چهارم	—

«در طریق فرمان‌های تو می‌دوم، زیرا تو دل مرا وسعت می‌بخشی.»

- مزامیر ۱۱۹:۳۲ -

تقدیم به عیسای مسیح که راه‌نمایی‌هایش دل مرا راه‌یابی بخشید

باید اشتی از نویسنده

من در بستری روحانی، در محیط کلیسا رشد کرده‌ام. من داستان‌های بسیاری از کتاب مقدس شنیده‌ام و از طریق همین داستان‌ها با مفهوم خدا آشنا شدم؛ اما تا دوره‌ی جوانی، هرگز او را نشناخته بودم. در دوره‌ی جوانی، زندگی من دچار بحران-هایی جدی شد و همین امر باعث شد تا عمیقاً به جستجوی خدا بپردازم و ایمان خود را به کار بگیرم. امیدوار بودم پاسخ ابهامات و معنای دنیای پیرامون و آنچه در من می‌گذرد را بیابم. من او را به روشی جدید و زنده کشف کردم که تغییرات قابل توجهی را در زندگی من به ارمغان آورد. با کمال تعجب، کتاب مقدس راه‌حل‌های بسیار عالی برای چالش‌هایی داشت که من با آنها روبرو بودم. حتی با این که کتاب مقدس تقریباً ۲۰۰۰ سال پیش نوشته شده است، اما عیسی برای من شکل واقعیت به خود گرفت و توانستم از طریق کتاب مقدس به او ایمان بیاورم و با او وارد یک رابطه‌ی شخصی شوم.

واقعیت عیسی مسیح به من انگیزه داد تا در دانشگاه الهیات تحصیل کنم و زندگی خود را در بزرگسالی، وقف خواندن و مطالعه‌ی کتاب مقدس بنمایم. هرچه بیشتر یاد می‌گرفتم، بیشتر متوجه می‌شدم که چقدر کم می‌دانم. بارها وسوسه شدم تا از ادامه‌ی این مسیر منصرف شوم، و به جستجوی خود، برای شناخت حقیقت و پیروی از آن، ادامه ندهم، اما می‌دانم که گناه و آموزه‌های نادرست، ما را به زندگی ناسالم مسیحی می‌رساند، پس بر آن شدم تا این کتاب را بنگارم.

ثمربخشی ما به عنوان یک مسیحی، به سلامت روحانی ما بستگی دارد. وقتی ما در مسیر زندگی خود، از مواعی که بیماری‌های روحانی می‌توانند در ما ایجاد کند، پرهیز می‌کنیم، خود خداوند با فیض بی‌کرانش بستر رشد ما را فراهم می‌کند. وقتی زندگی خود را با خوراک‌های مغذی از کلام‌خدا، تغذیه دهیم، رشد می‌کنیم. همانطور که یک خوراک سالم، باعث رشد فیزیکی ما می‌گردد، به همان گونه با تغذیه درست از حقیقت و واقعیت کلام‌خدا، روح ما نیز تغذیه می‌شود و باعث رشد ما می‌گردد.

سوم یوحنا آیه‌ی دو می‌گوید: «ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، همچنان که جانت نیز کامیاب است.» واژه‌ی اصلی - ای که اینجا " تندرستی " ترجمه شده، در تیتوس ۱:۹ تعریف شده است. این سلامتی، درباره‌ی تعلیم جامعی صحبت می‌کند که با ایمانی قوی و پیغامی قابل اعتماد، ارایه می‌شود. تعلیم تیتوس باید دیگران را تشویق می‌کرد و به افرادی که بر خلاف آن عمل می‌کردند، نشان می‌داد که در مسیر اشتباهی هستند.

کلمه‌ی سالم، ارتباط نزدیکی با کلمات بهداشت و سلامت دارد. آموزه‌ی سالم، شما را از لحاظ روحانی سالم نگاه می‌دارد. به همین ترتیب یک سیستم اعتقادی ناسالم، می‌تواند شما را بیمار کند. وقتی به حفاظت از فیضی که خداوند در هنگام تولد تازه در ما قرار داده است، وفادار بمانیم، این باعث می‌شود که سالم بمانیم و رشد کنیم.

عیسی در مرقس ۴:۲۶ نقش خدا را در رشد شما بیشتر آشکار می‌کند. او همچنین می‌گوید: «پادشاهی خدا مردی را ماند که بر زمین بذر می‌افشاند. شب و روز، چه او در خواب باشد چه بیدار، دانه سبز می‌شود و نمو می‌کند. چگونه؟ نمی‌داند. زیرا زمین به خودی خود بار می‌دهد: نخست ساقه، سپس خوشه‌ی سبز و آنگاه خوشه‌ی پر از دانه. چون دانه برسد، برزگر بی‌درنگ داس را به کار می‌گیرد، زیرا فصل درو فرا رسیده است.» واژه‌ی اصلی " به خودی خود، " همان

واژه‌ی اتوماتیک در زبان انگلیسی است. این به معنای "بدون هیچ دلیل بیرونی آشکار" می‌باشد. نکته این است که خداوند کار خود را انجام می‌دهد و همانطور که او برای بدن فیزیکی شما حیات را مهیا می‌کند، شرایط رشد و حیات روحانی شما را نیز فراهم می‌سازد.

پزشکان و دانشمندان نمی‌توانند حیاتی ایجاد کنند. آنها فقط می‌توانند شما را در مدیریت زندگی و سالم ماندن کمک کنند. رشد ما ممکن است اتوماتیک به نظر برسد، اما خدا است که با فیض خود این کار را انجام می‌دهد. اگر از گناه و بیماری - های روحانی دور بمانیم، رشد ما متوقف نخواهد شد، چون سلامت روح، تضمین - کننده‌ی رشد ماست.

گویی الهیات نظام‌مند در حیطه‌ی تخصص متألّهین و دانشجویان خلاصه می‌شود. بنا بر تعریف ویکی‌پدیا، الهیات نظام‌مند عبارت است از: «رشته‌ای از الهیات مسیحی که گزارشی منظم، منطقی و منسجم از ایمان و باورهای مسیحی را تدوین می‌کند.» این کتاب نیز به همین گونه گردآوری شده است. ایمان‌داری که هرگز در هیچ درس الهیاتی شرکت نکرده است نیز می‌تواند آموزه‌های کتاب مقدس را کشف کند و آن را در زندگی خود به کار گیرد. آموزه‌ی سالم، فقط برای مطالعه نیست، بلکه برای این است که در زندگی ما به کار گرفته شود.

کتاب زندگی سالم مسیحی، هم اکنون در دسترس هر کسی است که بخواهد حقایق کتاب مقدسی را درک کند و به کار بگیرد. فیض خداوند هم اکنون به عنوان یک مسیحی بر شما قرار دارد، بنابراین حقایقی که می‌تواند شما را در او پر قوت و سالم نگاه دارد، بیاموزید و آن را در زندگی خود به کار بگیرید. تلاش من همواره این بوده که حقیقت کلام خدا را کشف کنم و آن را به دیگران آموزش دهم. هدف این کتاب نیز ترویج سلامت مسیحی در زندگی شما است و برای سلامتی شما نگاشته شده است.

- کشیش تری رابرتس

فصل اول خدا چگونه شخصیتی دارد؟

«بچشید و ببینید که خداوند نیکوست؛
خوشابه حال آنکه در او پناه گیرد.»
مزامیر ۸:۳۴

«یا اینکه مهربانی، شکیبایی و تحمل عظیم او را خوار می‌شماری و
غافلی که مهربانی خدا از آن روست که تو را به تو به رهنمون شود؟»
رومیان ۴:۲

«و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که
به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او
هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.»
عبرانیان ۶:۱۱

متألهین (کسانی که به مطالعه‌ی علوم الهی می‌پردازند)، اصطلاحات و صفات
بی‌شماری را برای توصیف ویژگی‌های خدا فهرست می‌کنند. این صفات، خدا را از
بقیه‌ی مخلوقات متمایز می‌گرداند.

خدا نیکوست

شخصی بودن رابطه‌ی هر فرد با خدا، بزرگترین و قانع‌کننده‌ترین دلیل برای
پیروی از او است. او شما را دوست دارد و این علاقه را با مرگ عیسی بر صلیب

اثبات نمود. دانستن اینکه خدا یک پیرمرد کینه‌توزی نیست که دائماً در پی جمع-آوری شواهدی بر علیه‌ی ما، برای روز واپسین باشد، بسیار تسلی‌دهنده است. قلب‌های ما بیشتر به سمت پدری که با محبت فراوان فرزندان خود را دوست دارد، تمایل داشته و از پذیرش تصویر خدا به عنوان یک قاضی انتقام‌جو، بیزار است.

سه کلمه‌ی نیکو، مهربان و پاداش‌دهنده که در کتاب‌مقدس برای توصیف او به کار رفته، به خوبی بیانگر شخصیت و خصایص او است، چیزی که کاملاً با تصویری که ادیان دروغین، شیطان، دریافت‌ها و درک قدیمی ما از خدا در اذهان ما ترسیم کرده‌اند در تضاد است. تا زمانی که ایمان نیابرد و او خدای شخصی شما نگشته است، نمی‌دانید که او همیشه مراقب شما است؛ بنابراین مقاومت کردن و ترسیدن از او امری بسیار طبیعی خواهد بود.

همه‌ی ما با مشکلاتی مربوط به عزت‌نفس و آنچه که از محکومیت اولیه‌ی آدم نشأت گرفته و دامنگیر بشریت شده است، روبه‌رو هستیم. آن‌قدر این مسئله جزء لاینفکی از وجود ما گشته است که می‌خواهیم از خدا فرار کنیم و مانند آدم و حوا پس از نافرمانی از دستور الهی، خود را از چشم او در باغی پنهان کنیم. نقطه‌ی شروع برای ایجاد ارتباط با خدا این است که واقعاً باور کنید که خدا از دست شما عصبانی نیست. مانند پدری که فرزندان خود را دوست دارد، او شما را عمیقاً دوست می‌دارد. من در زمان به دنیا آمدن فرزندانم در بیمارستان حاضر بودم و اولین لحظه‌ای که هر کدام از ایشان را دیدم برای همیشه در خاطر حک شده است. خدا نیز با چنین دید پدران‌ای به شما می‌نگرد. شما صنعت‌دستان او هستید؛ عامدانه و به دلیلی اینجا هستید. فرق نمی‌کند که در زمان تولدتان چه اتفاقی افتاده و یا گذشته‌ی شما چه بوده است، زیرا شما خلقتی هستید که خدا با قصد و تصمیم قبلی خود، شما را آفریده است. او شخصاً اراده فرموده که شما بخشی از دنیایی که او آفریده؛ و آینده‌ای که در نظر داشته است، باشید.

ابراهیم و ساره بعد از اینکه به سن پیری رسیدند، صاحب فرزند شدند. آن زمان رحم ساره خشک شده بود، اما آنها به خدایی که فرموده بود این اتفاق در هر صورت رخ خواهد داد، اعتماد کردند.

«به ایمان بود که ابراهیم توانایی یافت نسلی داشته باشد، با اینکه

سارا نازا و خود او نیز سالخورده بود؛ چرا که

وعده‌دهنده را امین شمرد.»

عبرانیان ۱۱:۱۱

ساره و ابراهیم به این دلیل شاهدین این معجزه‌ی خدا شدند، که به ماهیت وجودی خدا ایمان داشتند. تصمیم آنها بنا بر اعتمادی بود که به خدا داشتند و این اعتماد بر اساس شناختی حاصل شده بود که از شخصیت او پیدا کرده بودند. از آنجایی که ایمان داشتند او وفادار و نیکو است، توانستند این برکت را دریافت کنند.

بعد از شنیدن موعظه‌ای درباره‌ی نیکویی و محبتی که خدا بی‌دریغ بر من داشته است، در دل خود تصمیم گرفتم از او پیروی کنم. در تمام زندگی‌ام هرگز چنین سخنی را نشنیده بودم که من برای خدا مهم هستم و او حاضر است مرا مدد کند. داشتن این طرز فکر که او برای آینده‌ی من برنامه‌ای از پیش تعیین شده دارد، عالی‌تر از آن بود که بتوانم باور کنم. محبت او آن قدر عمیق است که ما را به سوی خود می‌کشاند و ما را مجاب می‌سازد تا به او و اراده‌ی او برای زندگی‌هایمان لبیک بگوییم. نیکویی او ما را به روی زانوانمان برای توبه می‌کشاند و به پیروی از او امرش ترغیب می‌کند.

خدا وجودی فوق طبیعی است

خدا ماوراءالطبیعی است زیرا ذات او به قوانین فیزیکی محدود نمی‌شود. در واقع او بود که در ابتدا طبیعت و قوانین طبیعی را آفرید. در فرهنگ لغات واژه‌ی فراطبیعی، به معنای: "فاصله داشتن با آن چیزی است که معمول و یا عادی است، به ویژه به شکلی که به نظر برسد فراتر از قوانین طبیعی، اتفاقی افتاده است." جهان مادی توسط قوانین طبیعی و فیزیکی کنترل می‌شود. خدا به عنوان خالق این قوانین، محدود به این قوانین نمی‌باشد، و می‌تواند بر اساس اراده‌اش معجزاتی انجام دهد و از آن قوانین فراتر برود.

خدا روح است

«خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی پرستند.»

یوحنا ۴:۲۴

از آنجایی که او روح است، بنابراین از واقعیت مادی ما فراتر بوده و نامرئی است.

«به ایمان بود که موسی هنگامی که بزرگ شد، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود. او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد. و رسوایی به خاطر مسیح را با ارزشتر از گنج‌های مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود. به ایمان بود که او بی آنکه از خشم پادشاه بهر اسد مصر را ترك گفت، زیرا آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت.»

عبرانیان ۱۱:۲۴-۲۷

به شکلی که هنوز بر ما مشخص نیست، موسی با خدایی که ما توانایی دیدنش را نداریم، ملاقاتی واقعی داشت. قبل از جسم پوشیدن عیسی، خدا هیچ ماهیت فیزیکی‌ای نداشته است.

به عنوان یک مسیحی این بدان معنا است که ما باید یاد بگیریم تا از طریق روح‌مان با خدا ارتباط برقرار کنیم. ذهن‌مان این توانایی را دارد تا رابطه‌ی ما با خدا را تفسیر کند، اما از آنجایی که خدا وجودی روحانی است، تنها می‌تواند با روح ما ایجاد ارتباط کند.

یوحنا ۶:۶۳ می‌فرماید: «روح است که زنده می‌کند؛ جسم را فایده‌ای نیست. سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است.»
به ما گفته شده است که وجود خدا را حتی با وجود اینکه برای چشمان‌مان نامرئی است باور کنیم؛ حتی کتاب‌مقدس نیز می‌فرماید: «خوشابه‌حال آنان که نادیده، ایمان آورند.»

خدا واحد است و در عین حال، در سه شخص تجلی یافته است

«بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست. یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن.»

تثنیه ۶:۴-۵

تثلیث یا همانطور که به آن خدای سه‌گانه نیز می‌گویند، سر بزرگ ایمان مسیحی ما و موضوع مباحثه‌های فراوان است. کلیسای اولیه در ارتباط با چگونگی تثلیث چنین نتیجه گرفت:

"زیرا که یک شخص پدر، شخص بعد پسر و دیگری روح‌القدس می‌باشد. همچنین الوهیت پدر، پسر و روح‌القدس یکسان بوده، جلال برابر، و عظمت نیز ابدی است. هر سه نه مخلوق، بلکه خالق. پدر، پسر و روح‌القدس هر سه فرای درک بشری ما بوده، هر سه ازلی و ابدی هستند. با این حال آنها سه اصل ابدی نبوده، بلکه یک ذات جاودانه‌اند. به همین منوال سه ذات ماورای درک بشر وجود ندارد بلکه یک، و فقط یک وجودی فرای درک ما انسان‌ها! بنابراین پدر قادرمطلق، پسر قادرمطلق،

و روح القدس هر سه قادر مطلق هستند. با این حال نه سه، بلکه یک قادر مطلق می‌باشند. در نتیجه پدر خدا، پسر خدا و روح القدس خداست. ولی آنها سه خدا نیستند، بلکه یک خدای واحد می‌باشند. به همین شکل پدر خداوند، پسر خداوند و روح القدس خداوند است. لیک نه سه خداوند، بلکه تنها یک... و در تثلیث اقدس هیچ‌یک بر دیگری برتری نداشته، هیچ‌کدام از دیگری بزرگتر و یا صغیرتر نبوده، هر سه شخص با هم ابدی و برابر هستند. بنابراین همان طور که گفته شد، در همه چیز وحدت در تثلیث، و تثلیث در وحدت باید پرستیده شود.^{۱۱}

– اعتقادنامه‌ی آتاناسیوس^۱ ۵۰۰ میلاد

مثالی که اغلب برای تفهیم این اصل ذکر می‌شود، مثال آب است. آب به عنوان یک ماده‌ی ساده به شکل مایع، بخار آب حالت گازی آن، و یخ که جامد است در طبیعت یافت می‌شود. یک ماده به سه صورت کاملاً متفاوت. این مقایسه در بیان کامل تثلیث در کاربردهای دیگر ناکافی و عاجز می‌نماید، اما برای اینکه به ما بفهماند که تثلیث چیزی فرای درک اذهان مادی ما می‌باشد، کافی است. بهترین تمثیل را در عهد جدید در زمان تعمید گذفتن عیسی می‌توان یافت.

«چون عیسی تعمید گرفت، بی‌درنگ از آب برآمد. همان دم آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر وی قرار گرفت. سپس ندایی از آسمان در رسید که: 'این است پسر محبوبم که از او خشنودم.'»

متی ۱۶:۳-۱۷

در این مثال ما هر سه شخص را در یک مکان واحد، حاضر داریم. روح القدس در حالی نزول می‌کند که پسر در حال تعمید است و صدای سخن گفتن پدر از

^{۱۱}. اعتقادنامه‌ی مسیحی است که برای اولین بار به صراحت بر آموزه‌های تثلیث و شناخت مسیح متمرکز شد.

آسمان به گوش می‌رسد. لازم است که این واقعیت را قبول کنیم که خدا فرای جای گرفتن و محدود شدن در اذهان محدود ما است، و با اینکه کتاب مقدس پیچیدگی‌ها و رموز چگونگی تثلیث اقدس را برای ما توضیح نمی‌دهد، اما تثلیث همچنان یک واقعیت کتاب مقدسی است که باید با ایمان پذیرفته شود. بخشی از مفهوم ایمان این است که بپذیریم همه‌چیز توضیح داده نشده است و خدا عمداً ما را با مفهوم راز، روبرو ساخته است (به تثنیه ۲۹:۲۹ مراجعه کنید).

خدا ازلی است

خدا آغاز و پایانی ندارد. او از دل ابدیت کلامش را صادر کرد تا دنیای فانی‌ای را که در آن زندگی می‌کنیم، بیافریند. دنیای ما آغاز و پایان دارد، اما خدا همیشه بوده، هست و خواهد بود. در دوران کودکی درک مفهوم ابدیت برای من یک چالش واقعی بود.

«و هر چیز را در وقتش زیبا ساخته است. نیز ابدیت را در دل‌های ایشان نهاده است، بی آنکه بتوانند آغاز و انجام کار خدا را دریابند.»
جامعه ۱:۳

«پیش از آنکه کوه‌ها زاده شوند، یا تو زمین و جهان را به وجود آوری، از ازل تا به ابد تو خدایی.»
مزامیر ۲:۹۰

خدا قادر بر هر چیزی است

متألّهین این صفت را قادر مطلق می‌نامند. کلمه‌ی مطلق همه‌چیز را در بطن خود دارد.

تنها خدا قدرت نامحدود دارد. هیچ چیزی برای او غیرممکن نیست.

«آن قدوس می گوید: مرا با که قیاس می کنید، تا با او برابر باشم؟ چشمان خود را به اعلی برافرازید و ببینید: کیست که اینها را آفرید؟ کیست که لشکر اینها را به شماره بیرون می آورد، و آنها را جملگی به نام می خواند؟ به سبب کثرت قوت و عظمت قدرتش هیچ يك از آنها گم نخواهد شد.»
اشعیا ۴۰:۲۵-۲۶

خدا تنها خالق جهان است. در آغاز آسمانها و زمین با قدرت کلام او ساخته شد. خدا قدرتی نامحدود دارد، اما با استفاده از آن قدرت بی انتهای خویش بر ما حکومت نمی کند. محبت او، اعمالش را هدایت می کند.

خدا محبت است

«آنکه محبت نمی کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبت است.»

اول یوحنا ۴:۸

ذات و خمیرمایه وجودی خدا محبت است. قدرت و حیات او از شریانهای محبت تغذیه می شوند. عیسی به سبب محبتش کمر به شفا دادن و کمک به دیگران بست. محرک و انگیزه‌ی خدا محبت است.

قلب من حتی قبل از علم به حقایق کتاب مقدس، به سوی این پیغام پر محبت از جانب خدا جذب شد و لبیک گفت. دل انسان به شدت محتاج به دانستن این مهم است که خالق ما به ما اهمیت می دهد.

محبتی که خدا در حق ما روا می دارد نه تنها حس می شود، بلکه در اعمال او نیز در طول تاریخ مشاهده می شود. محبت لایزال او با اعمال بالفعل و به موقع او به خوبی ابراز می شود.

«اما خدا محبت خود را به ما این گونه ثابت کرد که وقتی ما
هنوز گناه کار بودیم، مسیح در راه ما مرد.»
رومیان ۸:۵

زمانی که خدا ما را محبت می‌کند، محبت او نیز خارج از جهان مادی و
فوق طبیعی است، زیرا بر اساس شخصیت و ماهیت خود محبت می‌کند، نه آنکه
صرفاً بر اساس عمل یا بی‌عملی کسی که دوستش دارد، پاسخ دهد. «ما محبت
می‌کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد.»

خدا حاضر مطلق است

خدا به طرفه‌العینی در همه جا حضور دارد. الهی‌دانان این ویژگی را
"حضور مطلق" می‌نامند. خدا را می‌توان مافوق طبیعت دانست زیرا که
محدودیت‌های زمانی و مکانی‌ای که ما انسان‌ها را در حصار خود نگاه می‌دارد،
شامل حال او نمی‌شود.

«از روح تو کجا بروم؟ از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان فرا روم، تو
آنجایی، و اگر در هاویه بستر بگسترم، تو آنجا نیز هستی!»
مزامیر ۷:۱۳۹-۸

هیچ چیز از روح قدوس خدا، پنهان نیست. فرشته‌ها این توانایی را ندارند که
در همه جا یکباره حاضر شوند. حاضر مطلق بودن صفتی است که تنها مختص خدا
است.

خدا همه چیز را می‌داند

متألهین به این صفت خدا، دانای مطلق می‌گویند. این خصلت به این معنا است که علم خدا بر همه چیز احاطه دارد.

«چشمان خداوند همه جا هست، بر بدان و نیکان دیدبانی می‌کند.»

امثال ۱۵:۳

هیچ چیز از نظر خدا پوشیده نیست. او همه چیز را تنها در لحظه‌ای به یکباره می‌بیند. او گذشته، حال و آینده را می‌بیند. بیایید به حکایات و روایاتی که در کتاب مقدس آمده است، فکر کنیم. به عنوان مثال به کتاب مکاشفه‌ی یوحنا، که در مورد آینده پیشگویی می‌کند، توجه کنید. تنها خدا است که آینده را به عینه دیده و از آن باخبر است.

درباره‌ی صفات و شخصیت خدا بیشتر از آنچه گفته شد، می‌توان صحبت کرد. چندین هزار جلد توسط نویسندگانی مجرب تنها برای توصیف و تعریف ماهیت کبریایی او به ثبت رسیده است. خدا نیکو است و مافوق طبیعت است. اما وصف او در همین جا متوقف نمی‌شود. خوشبختانه او خود دست یاری به سمت انسان دراز کرده است. او خدایی است که خود را آشکار می‌سازد.

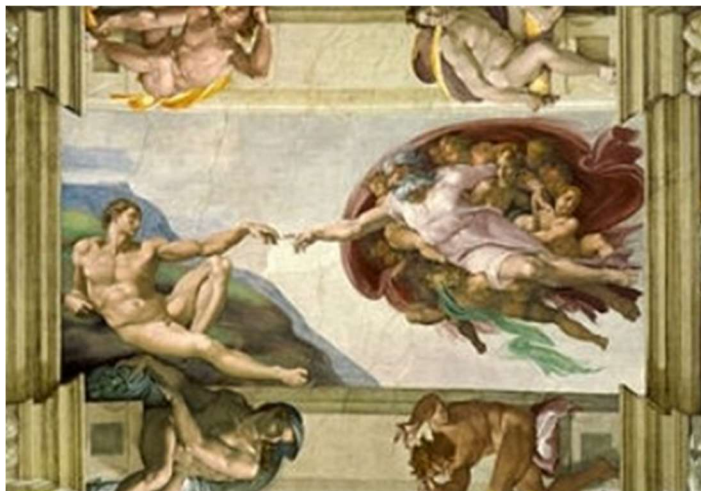
خدا ما را فرا می‌خواند

پس از آنکه آدم و حوا در باغ عدن مرتکب گناه گشتند، خدا از پس آنها آمده ندا در داده و ایشان را فراخواند. او در پیدایش ۳:۹ می‌فرماید: «ولی پهوه خدا آدم را ندا در داده، گفت: 'کجا هستی؟' حتی زمانی که آدم متمرّد و عاصی بود، خدا دستش را به سوی او دراز کرد.

خدا به دنبال برقراری رابطه با شما است. عیسی مرد تا ذات قدوس خدا بتواند با طبیعت گناه‌آلود انسان ارتباط گیرد. عهد جدید می‌فرماید که ما خدا را انتخاب نکردیم، بلکه این خدا بود که ما را انتخاب کرد. حتی ذکر می‌کند که خدا از تعداد موهای سر ما نیز آگاهی دارد. تصویری که کتاب مقدس در ذهن ما از خدا می‌سازد، تصویر خدایی دلسوز است که مانند والدی فداکار، فرزندانش را دوست دارد.

«کدام يك از شما اگر پسرش از او نان بخواهد، سنگی به او می‌دهد؟ یا اگر ماهی بخواهد، ماری به او می‌بخشد؟ حال اگر شما با همه‌ی بدسیرتی‌تان، می‌دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیش‌تر پدر شما که در آسمان است به آنان که از او بخواهند، هدایای نیکو خواهد بخشید.»

متی ۷: ۹-۱۱



در نقاشی میکل آنژ^۲ بر سقف کلیسای سیستاین^۳ انگاره و ایده‌ی خدایی که خود را به انسان می‌رساند، به تصویر کشیده است. خدا احتمال رد شدن از جانب انسان گناه‌کار را می‌پذیرد، اما همچنان در "همان نزدیکی" مانده، شما را به نام صدا زده در پی ایجاد رابطه است؛ زیرا که او محبت است.

خدا خود را در خلقتش آشکار می‌کند

«آسمان جلال خدا را بیان می‌کند، و فلک از عمل دست‌هایش سخن می‌گوید. روز تا روز، کلام را جاری می‌سازد، و شب تا شب، معرفت را اعلان می‌دارد. نه سخنی است و نه کلامی، و آواز آنها شنیده نمی‌شود. با این‌همه، آوازشان در سرتاسر زمین منتشر می‌گردد، و کلام‌شان تا به کران‌های جهان می‌رسد.»

مزامیر ۱۹:۱-۴

«زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت

سرمدی و الوهیت او را می‌توان با ادراک از امور جهان

مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست.»

رومیان ۱:۲۰

دیدن آسمان، کوه‌ها و دره‌ها و اقیانوس‌ها، همگی ما را ترغیب می‌کنند تا به خدا و شگفتی قدرت‌ش در خلق این اجرام بی‌نظیر، فکر کنیم. شما می‌توانید از مکنونات قلب یک شخص؛ از طریق نگاه کردن به آنچه که او خلق کرده است، خواه یک ترانه یا یک شعر باشد، باخبر شوید. این در مورد خدا نیز صادق است!

^۲. Michelangelo

^۳. Sistine Chapel

خدا خود را در خلقت انسان آشکار می‌کند

وقتی خدا آدم را آفرید، او را به صورت خود آفرید. او نمونه‌ی اولیه و اصیل و آن قالب نخستینی بود که انسان‌ها از روی آن آفریده شدند. خدا در آدم دمید و او نفس زنده گشت. انسان و خدا از این سبب توانستند با هم رابطه برقرار کنند که انسان‌ها به صورت و شبیه خدا آفریده شده‌اند.

زمانی که اولین مرد و زن گناه کردند، قدم به تاریکی گذاشتند و صفاتی که آنها را شبیه خدا می‌ساخت رو به افول نهاد. با این حال، هر فیض و موهبت نیکو و کامل از جانب خدا است، و خلاقیتی که در هر شخص وجود دارد، حاصل خلقت خدا می‌باشد. اختراعات و ایده‌های بی‌مانند، نتیجه و حاصل خلقت بشر به صورت خداوند خالق است.

در پیدایش باب ۱۱، انسان‌ها را مشغول ساختن برج بابل می‌یابیم، بنای یادبودی که آنها بتوانند با آن، اسم و رسمی برای خود دست‌وپا کنند. آنها جامعه‌ای بودند که از خدا پیروی نمی‌کردند، بنابراین خدا دست به عمل زد تا آنها را متوقف کند، زیرا به عنوان نژادی که هوای عصیان در سر می‌پروراندند، قدرت تخیل و توانایی‌های باورنکردنی‌ای در آنها وجود داشت.

«اما خداوند فرود آمد تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می‌کردند، ببیند. و خداوند گفت: 'اینک آنان قومی یگانه‌اند و ایشان را جملگی يك زبان است و این تازه آغاز کار آنهاست؛ و دیگر هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان بازداشته نخواهد شد.'»

پیدایش ۱۱:۵-۶

حتی افرادی که خدانا باور هستند نیز تا حدودی منعکس‌کننده‌ی این حقیقت هستند که به صورت خدا آفریده شده‌اند.

خدا خود را در کلامش آشکار می‌کند

کتاب مقدس مرجعی بی‌نظیر برای درک خدا است. همچنان که آن را خوانده و دوباره مرور می‌کنید، درک شما از شخصیت و ذات خداوند گسترش یافته عمیق‌تر می‌شود. کتاب مقدس صرفاً مکاشفه‌ی خدا است. خدا خود را از طریق کلامش به انسان می‌شناساند.

تمامی کتاب مقدس دم الهی است، بنابراین می‌توان گفت ذات و خمیرمایه‌ی خداوند در بین صفحات کتاب یافت می‌شود. با خواندن داستان‌ها و متون کتاب می‌توانیم نحوه‌ی تعامل و رابطه برقرار کردن خدا با انسان‌ها را بهتر درک کرده تصویر ذهنی بهتری از ماهیت خدا به دست آوریم.

زمانی که می‌بینیم او چگونه به کرات با اشخاص خاص، قوم اسرائیل و جهان رابطه برقرار می‌کند، برقراری ارتباط متقابل آسان‌تر می‌گردد.

اعمال و کلام او، دل او را برای ما آشکار می‌سازد. اگر به سخنان کسی به اندازه‌ی کافی گوش دهیم، می‌توانیم به خوبی حدس بزنیم که نحوه‌ی تفکر و ذهنیت او از چه قرار است. کتاب مقدس می‌فرماید که افکار او شبیه‌ی افکار ما نیست، اما از آنجایی که از نعمت داشتن این کتاب بهره‌مند گشته‌ایم، می‌توانیم با مطالعه‌ی آن، افکار و طریق‌های او را درک کنیم. درست است که افکار او مانند ما نیست، اما با مطالعه و تعمق بیشتر، افکار ما نیز می‌تواند متبدل شود.

خدا خود را از طریق القاب آشکار می‌سازد

با درک و فهمیدن داستان کتاب مقدس در طی تاریخ، ما شاهد مثال‌ها و موارد بیشتری از خدا هستیم و می‌بینیم که او خود را از طریق نام‌هایش آشکار می‌کند. او خدایی واحد است اما نام‌های بسیاری دارد. این القاب هر کدام جنبه‌ی متفاوتی از شخصیت او را نمایان می‌سازند.

در فرهنگی که من از آن می‌آیم، خانواده معمولاً برای ادای احترام و یا نشان دادن علاقه‌ی خود به یکی از اقوام، و یا تنها به این دلیل که نام آن شخص را دوست دارند، کودکان خود را نام‌گذاری می‌کنند. در فرهنگ عهدعتیق، اسم‌ها معمولاً به دلیل معنا و مفهوم به‌خصوصی که داشتند بر افراد گذاشته می‌شدند. به عنوان مثال: ابراهیم-پدر قوم‌ها، اسرائیل-غالب شده بر خداوند، حنا-مرحمت و فیض.

به همین شکل، القاب الهی مملو از معنا می‌باشند. هر بار در هنگام تعامل بین خدا و انسان، او جنبه‌ی دیگری از ذات قدوس خود را بر بشر آشکار می‌کرد و در نتیجه نام جدیدی را مکشوف می‌ساخت. گاهی اوقات افراد در عهدعتیق نام جدیدی به خدا نسبت می‌دادند تا نشان دهند که خدا چگونه آنها را یاری رسانده است. پس از آنکه ابراهیم در تقدیم فرزندش اسحاق از دستور خدا اطاعت کرد و خدا در پاسخ این اطاعت قربانی دیگری را فرستاد، ابراهیم نام آن مکان را یهوه‌یری گذاشت (یهوه‌یری به معنای "خداوند مهیا می‌کند" است).

«فرشته گفت: 'دست بر پسر دراز مکن و کاری با او نداشته باش! اکنون می‌دانم که از خدا می‌ترسی، زیرا پسرت، آری یگانه پسرت را، از من دریغ نداشتی.' ابراهیم سر بلند کرد و پشت سرش قوچی را دید که با شاخ‌هایش در بوته‌ای گرفتار شده بود. ابراهیم رفته، قوچ را گرفت و آن را به جای پسرش، چون قربانی تمام‌سوز تقدیم کرد. پس ابراهیم آن مکان را 'خداوند فراهم خواهد کرد' نامید. و تا امروز نیز گفته می‌شود: 'بر کوه خداوند، فراهم خواهد شد.'»

پیدایش ۲۲:۱۲-۱۴

سایر مثال‌ها:

الوهیم - برای اشاره به قدرت خدا به عنوان خالق استفاده می‌شود.

ادونای - برای اشاره به خداوندی و سرمدی بودن خدا.

یهوه - کسی که خلق نشده و خود را مکشوف می‌سازد.

ال‌الیون - خدای رفیع، والا مقام و بلند مرتبه.

آل‌روئی - خدای قادری که می‌بیند.

آشادای - خدای کوه‌ها، خدای قادر مطلق.

آل‌علام - خدای ابدی.

یهوه ره - خداوند شبان من است.

یهوه شمه - خداوند اینجاست.

یهوه روفکه - خداوند شفا دهنده.

یهوه صدقینو - خداوند عدالت ما.

یهوه نسی - خداوند نشان (پرچم، علامت) من است.

یهوه شالوم - خداوند صلح و سلامتی است.

خدا واحد است، اما او از طریق نام‌هایش و نحوه‌ی آشکار ساختن خود به انسان‌ها به ما کمک می‌کند تا شخصیت و ماهیتش را بهتر درک کنیم. خصوصیات و صفات شخصی و ذات واقعی او در نام‌هایش بیان شده است.

خدا خود را در یگانه پسرش مکشوف می‌سازد

عیسای مسیح مکاشفه‌ی کامل خدا است. استفاده از نام‌ها و حکایات شروعی عالی بود، اما عیسای مسیح اراده‌ی خاص خدا در پیکر انسانی، در عمل بود. عیسی نیت دل و خواست خداوند تثلیث را به بهترین نحو برای انسان آشکار ساخت. عیسی از جانب خدای پدر سخن گفت و عمل کرد.

«در گذشته، خدا بارها و از راه‌های گوناگون به واسطه‌ی پیامبران با پدران ما سخن گفت، اما در این ایام آخر به واسطه‌ی پسر خود با

ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و
به واسطه‌ی او جهان را آفرید. او فروغ جلال خدا و مظهر
کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه
می‌دارد. او پس از پاك کردن گناهان، به دست راست
مقام کبریا در عرش برین بنشست.»
عبرانیان ۱:۱-۳

مکاشفه‌ی نهایی و اینکه خدا چگونه است را می‌توان در شخص عیسی مسیح،
یافت. عیسی پیغامی از جانب خدا است که جسم بر تن کرد. او آنچه که در گذشته
پیشگویی شده بود را زندگی کرده و به تحقق رساند.

«در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛ همان در آغاز با خدا بود.
همه چیز به واسطه‌ی او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او
پدیدار نگشت. در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود. این نور در
تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت. مردی آمد که از جانب خدا
فرستاده شده بود؛ نامش یحیی بود. او برای شهادت دادن آمد، برای شهادت بر
آن نور، تا همه به واسطه‌ی او ایمان آورند. او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر
آن نور شهادت دهد. آن نور حقیقی که به هر انسانی روشنایی می‌بخشد، براستی
به جهان می‌آمد. او در جهان بود، و جهان به واسطه‌ی او پدید آمد؛ اما جهان او
را نشناخت. او به ملك خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند. اما به همه‌ی
کسانی که او را پذیرفتند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، یعنی به هر کس
که به نام او ایمان آورد؛ آنان که نه با تولدی بشری، نه از خواهش تن و نه از
خواستهای يك مرد، بلکه از خدا تولد یافتند. و کلام، انسان شد و در میان ما
مسکن گزید. ما بر جلال او نگرستیم، جلالی شایسته‌ی آن پسر یگانه که از
جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی. یحیی بر او شهادت می‌داد و
ندا می‌کرد که «این است کسی که درباره‌اش گفتم: "آنکه پس از من

می‌آید بر من برتری یافته، زیرا پیش از من وجود داشته است." از پری او ما همه بهره‌مند شدیم، فیض از پی فیض. زیرا شریعت به واسطه‌ی موسی داده شد؛ فیض و راستی به واسطه‌ی عیسای مسیح آمد.»

یوحنا ۱: ۱-۱۸

عیسی نه تنها به این دلیل به این جهان آمد تا مقصود خدا برای انسان را بر جهان آشکار کند، بلکه آمد تا خود خدا را نیز بر جهانیان آشکار سازد. در حالی که عیسی تولد یافت، زندگی کرد، نیازمندان را شفا داده در نهایت بر صلیب جان داد، او بر ما روشن ساخت که خدا نیکو بوده موجودی فوق‌بشری است و همواره در حال دعوت انسان‌ها به سوی خود است.

اولین قدم در جهت زندگی سالم مسیحی، کشف حقیقت در مورد خدا است. کتاب مقدس به عنوان مکاشفه‌ی پیش‌رونده از ذات و شخصیت خداوند برای شناخت او، به ما عطا شده است. همچنان که حقایق الهی را در مورد او شناخته و کشف می‌کنیم، به خود ما نیز در این پروسه کمک می‌شود تا به حقایق درباره‌ی خود و سایرین پی ببریم.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- بر حسب عبرانیان ۱۱: ۶، خدا چگونه است؟
- درباره‌ی این جمله تعمق کرده آن را به بحث بگذارید: "خدا مشکل شما نیست، بلکه راه‌حل شما است!"

• خدا خود را از طریق نام‌های متعددی (به عنوان مثال یهوه‌یری) آشکار می‌سازد. کدام‌یک از این نام‌ها برای شما برجسته‌تر است؟

• آیا خدا می‌خواهد در زندگی شما دخیل باشد؟ شما در کدام بخش از زندگی‌تان به مشارکت بیشتر با او نیاز دارید؟

فصل دوم

چگونه می‌توانید درباره‌ی خدا بیشتر بدانید؟

«و همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن برای نجات
نمو کنید، اگر به راستی چشیده‌اید که خداوند مهربان است.»

اول پطرس ۲:۲-۳

«چگونه مرد جوان راه خود را پاك نگاه دارد؟ با نگاه داشتن کلام تو! تو را به
جان و دل می‌جویم؛ مگذازانم فرمان‌های تو منحرف شوم. کلام تو را در دل خود
ذخیره کرده‌ام، تا به تو گناه نوزم! خداوندا تو مبارکی فرایض خود را به من
بیاموز. به لب‌های خویش باز می‌گویم، همه‌ی قوانینی را که از دهان تو صادر
شده است. از پیروی قوانین تو شادمان می‌گردم، چنانکه از به دست آوردن
ثروتی عظیم! در احکام تو تأمل می‌کنم، و راه‌هایت را در نظر خود می‌دارم. از
فرایض تو لذت می‌برم؛ کلامت را از یاد نخواهم برد.»

مزامیر ۱۱۹:۹-۱۶

برای اینکه به یک مسیحی کامل تبدیل شویم، قدم اول شناخت خدا است و
دومین قدم این است که او در مورد ما چگونه فکر می‌کند! برای اینکه در ایمان مان
راسخ بمانیم، باید در مکاشفه‌ی مستمر و فزاینده‌ی او، پیوسته قدم برداریم. همان
طور که در یک ازدواج زن و شوهر نمی‌توانند تنها با تکیه بر خاطرات عاشقانه‌ی
اولین ملاقات‌شان زندگی کنند، به همین سان رابطه‌ی ما با خدا نیز باید پویا و در
حال رشد باشد.

در فصل قبل به اولین قدمی که باید برای ایجاد رابطه با خدا بردارید پرداختیم،
و آن چیزی نیست جز علم به اینکه او نیکو است. حال که نیکویی او را چشیده و
دریافته‌اید که او برای شما اهمیت بسیاری قائل است، قدم بعدی این است که

درباره‌ی او و خصوصیات او شناخت واقعی و عمیقی پیدا کنید، اما چگونه می‌توان خدا را شناخت؟

مطالعه‌ی کتاب مقدس

همچنان که در حال مطالعه‌ی کلام خدا هستید، مهم است که آن را نامه‌ای از طرف خدا برای خود بدانید. او به ما اجازه می‌دهد تا افکارش را بشنویم، و بدانیم که او چگونه در طول تاریخ با انسان‌ها در تعامل بوده است. این به ما کمک می‌کند تا بیاموزیم او چگونه با نسل بشر رفتار می‌کند. مطالب درون کتاب مقدس، با این هدف نوشته شده است تا راهنمای ما در برقراری رابطه با او باشد.

«زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می‌بخشد، امید داشته باشیم.»
رومیان ۴:۱۵

گناه شما را از کتاب مقدس دور می‌کند، و کتاب مقدس نیز شما را از گناه دور می‌سازد. همچنان که شما کلام خدا را می‌خوانید، کلام نیز به بررسی و تفتیش شما می‌پردازد. آن موقع است که همگی ما می‌توانیم زندگی خود را در مقایسه با استانداردهای کتاب مقدس، مشاهده کنیم. همان طور که در زندگی خود تغییرات و اصلاحاتی ایجاد می‌کنیم تا با آنچه که می‌خوانیم مطابقت داشته باشد، در نتیجه هر روز بیشتر و بیشتر به شباهت تصویر مقدس عیسی در می‌آییم. اساس و بنیان زندگی مسیحی شما باید خواندن مرتب کتاب مقدس باشد.

شما می‌توانید آن را مطالعه کنید و یا بشنوید، اما کلام خدا باید به بخشی جدانشدنی از زندگی شما تبدیل شود. بدون دریافت تغذیه‌ی مناسب در زندگی ایمانی جدیدتان، درک اراده و هدف او برای شما دشوارتر می‌شود.

قوم اسرائیل هرروز صبح از چادرهایشان خارج می‌شدند و به دنبال من سماوی می‌گشتند تا بتوانند برای آن روز غذای کافی داشته باشند. کتاب مقدس برای ایمانداران به مسیح، من سماوی است. کلام خدا به ایشان تغذیه‌ی مورد نیاز و قدرت لازم برای روزشان را می‌بخشد.

عیسی در متی ۴:۴ می‌فرماید: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود.»

هر روز زمان مشخصی را برای مطالعه‌ی کتاب مقدس در نظر بگیرید، و همچنان که مشغول مطالعه هستید، در خاطر داشته باشید که خود خدا در حال صحبت با شما است. کتاب مقدس هدیه‌ای از آسمان به زمین است تا به انسان‌ها کمک کند تا فهم و درک بهتری از صفات و شخصیت خدا پیدا کنند، تا بدین‌گونه به او فرصت دهند که آنها را محبت کرده، راهنمایی کند.

کتاب مقدس را با دقت و به درستی مطالعه و تفسیر کنید

در طی تاریخ فرقه‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوتی تنها به دلیل تفسیر نادرست کتاب مقدس، به وجود آمده‌اند. قبل از شروع مطالعه‌ی جدی کتاب مقدس، چند اصل کارآمد و کلیدی لازم وجود دارد که دانستن آنها برای درک روشن از پیام و مفهومی که خدا قصد انتقالش را دارد، حیاتی است.

«به علاوه، کلام بس مطمئن انبیا را داریم که نیکوست بدان توجه کنید، چرا که همچون چراغی در مکان تیره و تاریک می‌درخشد تا آنگاه که سپیده برآمد و ستاره‌ی صبح در دل‌هایتان طلوع کند. قبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحی کتاب مقدس زائیده‌ی تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچ‌گاه به اراده‌ی انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.»

دوم پطرس ۱: ۱۹-۲۱

اولین قدم انتخاب ترجمه‌ای مناسب از کتاب مقدس است که برای شما قابل درک باشد. کتاب مقدس در اصل به زبان عبری، بخشی از آن آرامی و همچنین یونانی نوشته شده است. ترجمه‌های دقیق بسیاری به زبان انگلیسی و همچنین زبان‌های دیگر وجود دارد، به شکلی که دیگر برای درک مفاهیم این کتب نیازی به درک زبان‌های اصلی نیست. ترجمه‌ای که انتخاب می‌کنید باید به نحوی صحیح بودن و نگارش شما نزدیک باشد. نمونه‌های خوبی که به زبان فارسی وجود دارند عبارتند از: ترجمه‌ی قدیم؛ ترجمه‌ی هزاره نو؛ ترجمه‌ی مژده و ترجمه‌ی تفسیری. به یاد داشته باشید که قبل از خرید می‌توانید هر یک را در وبسایت‌های اینترنتی به صورت رایگان، مطالعه کنید. نرم‌افزارهای کتاب مقدس نیز به شما این امکان را می‌دهد تا از بسیاری از نسخه‌های متفاوت، بدون نیاز به پرداخت هیچ هزینه‌ای استفاده کنید. خوب است در صورت امکان ترجمه‌ها را با هم مقایسه کنید تا ببینید که چگونه ممکن است یک متن به چند روش متفاوت اما با دقتی یکسان، نوشته شود.

قبل از نتیجه‌گیری به متن زیر توجه کنید:

- ✓ کتاب مقدس کلام خدا به زبان بشری است.
- ✓ کتاب مقدس مکاشفه‌ای پیش‌رونده‌ای است که با پیشرفت دانست‌اش در تاریخ، حقایق بیشتری را آشکار می‌کند.
- ✓ کتاب مقدس هم الهی است و هم انسانی. خداوند آن را از طریق انسان‌ها مکتوب ساخته است.
- ✓ برای درک آن، باید بین حقیقت ماورایی و ابدی، و زمینه‌ی فرهنگی محدود به تاریخ ثبت آن توسط کاتبین آن دوره، تمایز قائل شوید.
- ✓ پیام خدا تنها به این دلیل محدود به تاریخ و زمان خود نشده است که خدا ۲۰۰۰ سال پیش تصمیم گرفت در خاورمیانه خود را بر جهانیان ظاهر کند.

✓ اینکه در زمان حال و محل زندگی مان کتاب مقدس چه معنایی دارد را باید از دل زمان نگارش و فرهنگ آسیای میانه‌ی نویسندگان خارج کنیم. قبل از استخراج معنا از متن، هرگز مرتکب بیش از حد تمثیلی کردن محتوا نشوید.

✓ انجیل کلام خدا است که در فرایندی تاریخی ملبس به کلمات انسانی شده است.

✓ کتاب مقدس بیانگر افکار و اهداف خدا برای نسل بشر است.

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»
دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷

بعضی از ترجمه‌ها از عبارت «تمامی کتب مقدس الهام خداست» استفاده می‌کنند، اما کلمه‌ی اصلی که در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ استفاده شده «theopneustos» می‌باشد. ریشه‌ی این کلمه از theos به معنای خدا گرفته شده است، که بعد از ترکیب شدن بار معنایی "نفس کشیدن و یا دمیدن" را دارد. در نسخه‌ی هزاره‌ی نو این کلمه با دقت تمام "دم خدا" ترجمه شده است. کتاب مقدس نمونه‌ای از گوهره‌ی وجودی و ذات خدا است. دم الهی، مکاشفه‌ی شخص خدا برای انسان‌ها است. از کتاب پیدایش تا مکاشفه، کتاب مقدس مکاشفه‌ی پیش‌رونده‌ی خداست که به ما تعلیم می‌دهد او کیست و این فرصت را می‌بخشد تا او را بهتر بشناسیم. رابطه‌ی شما در صورتی که شخص مقابل‌تان را بیشتر بشناسید و درباره‌ی او بیشتر بدانید، قوی‌تر و عمیق‌تر می‌گردد.

زمانی که مقاله‌ای را در روزنامه می‌خوانیم محتوای خبر را مانند متن یک کتاب مصور و یا نامه‌ای به سردبیر تفسیر نمی‌کنید. هرکدام از این بخش‌ها به روشی متفاوت و منحصربه‌فرد موضوع مورد نظر خود را به خواننده ابلاغ می‌کنند.

با توجه به این که هر یک از این بخش‌ها به روش به‌خصوص و خاص خود، موضوع مورد نظرشان را بیان می‌کنند، پس این امر درباره‌ی کتاب مقدس نیز صادق است، یعنی این کتاب در طی صدها سال توسط نویسندگان مختلف در شکل ۶۶ کتاب ثبت شده است. هر کدام از این کتب بستر، زمینه و مخاطب‌های متفاوتی داشتند. همه‌ی این کتاب‌ها حاوی یک ژانر ادبی نیستند. بعضی تاریخی، برخی شاعرانه و تعدادی نمادین هستند. داشتن قوانین تفسیری در زمان مطالعه امری لازم و مهم است، در غیر این صورت معنای مورد نظری که هدف اصلی خدا از آن آیات بوده را از دست خواهید داد.

قوانین تفسیری زیر را بیاموزید:

(۱) به مسائل اصلی و حائز اهمیت دقت بیشتری داشته باشید زیرا همه‌ی آیات کتاب مقدس از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. به عنوان مثال، روش تقدیم قربانی که در کتاب لاویان آمده است، به اندازه‌ی دلیل تقدیم قربانی مهم نیست. (۲) همیشه آن بخشی از کتاب مقدس را که مشغول به مطالعه‌اش هستید، در کل متن قرار دهید. کلام در قسمت‌های قبلی و بعدی آیه چه می‌گوید؟ (۳) به نحوه‌ی تفسیر کردن عهدعتیق توسط عیسی، پولس و سایرین توجه کنید. (۴) سعی کنید هدف و تصویر بزرگ کتاب مورد نظر خود را در سایه‌ی کل کتاب مقدس درک کنید. کتاب جامعه را با امثال مقایسه کنید. کتاب جامعه حکمت را از دیدگاه انسان شرح می‌دهد (زندگی زیر آفتاب) در حالی که امثال حکمت الهی را توضیح می‌دهد. لازم به یادآوری است که هر دو کتاب توسط سلیمان نوشته شده‌اند.

(۵) برای هر اصل استخراج شده دو یا چند شاهد بیابید. دوم قرنتیان ۱:۱۳ می‌فرماید: «...به گواهی دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت خواهد شد.» به عبارتی دیگر، کافی است متون مقدسی را که پیامی مشترک دارند، در کنار هم قرار دهید، تا اینکه بخواهید یک اصل کتاب مقدسی از یکی از کتب، به شکلی مستقل استخراج کنید.

۶) از آنجایی که کتاب مقدس مکاشفه‌ای پیش‌رونده‌ی خدا است، پس عهدجدید در قیاس با عهدعتیق، مقصود و نظر خدا را واضح‌تر به تصویر می‌کشد. عهدعتیق سایه و یا تصویری بصری به جوابی است که در آینده مجسم می‌شود، و پرسش مطرح شده چیزی نبود جز این که عیسی کیست؟

مثالی که در این باره می‌توان آورد، سربازی است که در زمان جنگ عکس همسرش را با خود به همراه دارد. پس از جنگ او نیز به خانه‌اش فرستاده می‌شود، اما به عوض اینکه به منزل برگشته و همسرش را که اینک در فاصله‌ی کمی از او ایستاده است، در آغوش بگیرد، همچنان به نشان دادن عکس همسرش به دیگران ادامه می‌دهد. هدف غائی و نهایی عکس، تنها اشاره به آن فرد حقیقی و واقعی است. به همین ترتیب شریعت از طریق موسی عطا شد، اما دریافت فیض و حقیقت از طریق عیسی مسیح میسر شد و به جهانیان رسید. (به کولسیان ۲:۱۶-۱۷، رومیان ۱:۱۴-۴، و غلاطیان ۳:۱-۱۴)

سه مهارت مورد نیاز برای مطالعه‌ی دقیق کتاب مقدس عبارت است از: مشاهده، تفسیر و کاربرد. هدف از خواندن و مطالعه‌ی کتاب مقدس رسیدن به زندگی‌ای متحول شده از طریق استفاده کردن و به کار بردن آن است. هدف آن است آنچه خوانده‌اید را جامه‌ی عمل بپوشانید. اما قبل از انجام این کار لازم است که پیام را روشن و واضح درک کنید.

قدم اول مشاهده است. این کار شما به این پرسش پاسخ می‌دهد: این پاراگراف چه می‌گوید؟ فرایند مشاهده می‌پرسد: چه کسی، چه چیزی، کی، کجا، چرا و چگونه. چه کسی در مورد چه چیزی، با چه کسی صحبت می‌کند؟ رویداد یا موضوع مورد بحث چه زمانی رخ داده است؟ کجا و چرا اتفاق افتاده است؟ در زمان مشاهده، شما به متن این اجازه را می‌دهید تا خود آنچه را که دارد، عیان سازد. تفسیر^۴

^۴. Exegesis

خواندن متن کتاب مقدس است، اما تعبیر^۵ خوانشی جهت‌مند به سمت و سوی دریافت آن چیزی است، که شما باید آن را انجام دهید. به یاد داشته باشید که کتاب مقدس از آرایه‌های ادبی برای بیان آنچه خدا تصمیم دارد بگوید استفاده می‌کند. به عنوان مثال: مبالغه، مقایسه، ضرب‌المثل، معما، استعاره، کنایه و سایر آرایه‌ها. به خاطر داشته باشید که متن را در غالب و سبکی که در ابتدا برای بیان مطلب استفاده شده نگاه دارید و در آن تغییری ایجاد نکنید. قبل از اینکه از خود بپرسید در مکان و زمان فعلی شما، متن چه بار معنایی دارد، باید بپرسید در آن مکان و زمانی که نوشته شد برای نگارنده و خواننده چه معنایی داشته است؟ برای اولین افرادی که دریافت‌کننده‌ی این پیغام بودند، چه معنایی داشته است؟

پس از اتمام مرحله‌ی مشاهده، قدم بعدی تفسیر آن چیزهایی است که مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌ایم. این کار پاسخ پرسش‌های زیر را به ما می‌دهد: سبک ادبی مورد استفاده‌ی نویسنده چه بوده است؟ آیا تاریخی، زندگی‌نامه، نامه‌نگاری و یا تعلیمی است؟ معنای واحدی که نویسنده برای قسمت مورد مطالعه‌ی ما در نظر گرفته بوده، چیست؟ هدف نهایی یا نکته‌ی مورد نظر نویسنده چه بوده است؟ این کتاب از کتاب مقدس برای کسانی که در زمان نویسنده می‌زیستند، چه معنایی داشته است؟

و در نهایت سعی کنید تا بفهمید که چگونه می‌توانید این متن را در زندگی‌تان به کار ببندید. برای دریافتن این موضوع این پرسش را بپرسید: این متن برای من چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ چگونه باید افکار و اعمال خود را در جهت‌ی تغییر دهم که با خواسته‌های خدا مطابقت داشته باشد؟ آیا احساس می‌کنید که با خواندن آیات می‌آموزید، تأدیب می‌شوید، در نیکویی تعلیم یافته، توبیخ و یا تشویق می‌شوید؟ خدا شخصاً از طریق این کتاب مقدس به شما چه می‌گوید؟

° . Eisegesis

مشاهده، تفسیر، و استخراج کاربرد متن باید منجر به دگرگونی فرد شود. به عبارت دیگر باید کم‌کم شروع به تجربه کردن یک زندگی دگرگون شده، بکنید. کتاب مقدس یک پیغام بسیار قدرتمند، واضح و شفاف برای همه‌ی ما دارد. در استخراج، درک و به عمل بستن حقیقت مورد نظر با دقت بسیار عمل کرده و امین باشید.

«سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمت‌کاری که او
را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را
به‌درستی به کار می‌بندد.»
دوم تیموتائوس ۱۵:۲

سروکله زدن و برخورد با افرادی که آشنایی زیادی با کتاب مقدس ندارند، و رسیدن به تفسیری صحیح و درست، کاری طاقت‌فرسا است. از آنجایی که قوانین اولیه‌ی مطالعه‌ی کتاب مقدس به آنها آموزش داده نشده است، ایشان اغلب اشتباهات فاحشی مرتکب می‌شوند. یکی از اشتباهات بسیار رایج این است که عهدعتیق را به شکلی مطالعه کنیم که گویی عهدجدید و عهدعتیق هر دو یک کتاب هستند، و از دستورات و فرامین عهدعتیق به طرز پیروی کنیم گویی ارزش و بار یکسانی در مقایسه با عهدجدید دارد؛ در حالی که به‌هیچ‌وجه این طور نیست. عبرانیان می‌فرمایند اینک ما از عهد بهتری برخوردار هستیم، عهدی که بر وعده‌های بهتری بسته شده است. اگر مطالعه‌ی کتاب مقدس را از عهدعتیق بدون داشتن هیچ آگاهی و دانشی از عهدجدید شروع کنید، با دوره زمانی‌ای قبل از وقتی که عیسای مسیح تصویر واقعی خدا را آشکار کرد، روبه‌رو خواهید شد. عهدعتیق به بررسی یک دوره‌ی ۴۰۰۰ ساله در تاریخ قبل از آمدن عیسی در قامت انسان بر روی زمین می‌پردازد.

فردريك سی. ان. هیگز^۶ می‌گوید: "زیرا عهدعتیق - و یا به بیانی دقیق‌تر، تمامی تجربیات افراد منتخب، قبل از میلاد مسیح - مشکل مربوط به حیات را حل نمی‌کند. وظیفه‌ی این کتب پیدا کردن مشکل و اشاره به آن است." (قربانی کامل، لندن، ۱۹۴۶، صفحه‌ی ۱۱۷)

به عبارتی دیگر هدف از شریعت این است که مشکل را به ما نشان دهد. سپس عهدجدید جوابی که به دنبالش هستیم را در مسیح عیسی، پیام صلیب و تولد تازه به ما می‌دهد.

هدف از انتخاب بنی‌اسرائیل این بود که از طریق این قوم، مسیح که از نسل آدم، ابراهیم، داود و ذریت زنی به نام مریم بود، به دنیا عرضه شود. او آمد و برنامه‌ی نجات با موفقیت به انجام رسید! یهودیان در حفظ اصل و نسب عیسی‌ای مسیح ماشیح موفق شدند. قوم بنی‌اسرائیل اما نتوانست هدف واقعی از منتخب بودن خود، و اینکه خدا آنها را در واقع برای برکت دادن تمامی اقوام و ملل روی زمین به کار گرفته است، تشخیص دهد. کتب عهدعتیق نقشی حیاتی در تاریخ بشر دارند.

تلاش بیهوده

در سفرهایم به خارج از کشور، بعضاً با مسیحیانی روبه‌رو می‌شوم که پیام موسی را با پیام عیسی اشتباه گرفته‌اند. به عبارت دیگر آنها تمایزی بین عهدجدید و عتیق قائل نیستند. یوحنا ۱: ۱۷ می‌فرماید: «زیرا شریعت به واسطه‌ی موسی داده شد؛ فیض و راستی به واسطه‌ی عیسی‌ای مسیح آمد.»

غلاطیان نیز با این ایده که عهدجدید می‌تواند با عهدعتیق تناسب و هم‌خوانی داشته باشد، در کشمکش بودند. یهودیان همان طور که انتظار می‌رفت از پی پولس روانه شدند تا شریعت را بر امت‌ها موعظه کرده بار احکام خدا را بر روی دوش

^۶. F.C.N. Hicks

اقوامی بگذارند که خدا در برنامه‌ی الهی‌اش هیچ‌گاه چنین اتفاقی را برای آنها در نظر نداشته و فیض لایتناهی او چنین بار گرانی را هیچ‌وقت ایجاب نمی‌کند. چنین موقعیتی یکی از معدود دفعاتی است که می‌توانید صدای فریادهای خشمگین پولس را از پشت جملاتش در غلاطیان بشنوید!

«در شگفتم که شما بدین زودی از آن که شما را به واسطه‌ی فیض مسیح فرا خوانده است رویگردان شده، به سوی انجیلی دیگر می‌روید. البته انجیلی دیگر وجود ندارد، اما کسانی هستند که شما را مشوش می‌سازند و برآنند که انجیل مسیح را تحریف کنند. اما حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد!»

غلاطیان ۱: ۶-۹

مسیحیانی که از امت‌ها بوده و در گذشته یهودی نبوده‌اند، به قوانین حلال و حرام و اعیاد مذهبی یهودی بازگشته بودند. پولس به آنها گفت حتی تصور اینکه یک ایماندار یهودی از کسی که ایماندار غیریهودی است بهتر می‌باشد، بسیار مضحک و خنده‌دار است. در مسیح یهودی و یونانی، مرد و زن هیچ تفاوتی با هم ندارند. اهل ختنه بودن نیست که حائز اهمیت است، بلکه داشتن تولد دوباره. این جملات از دهان یک یهودی که به معنای کامل حلال و حرام و شریعت را در زمان ایمان یهودی‌اش رعایت می‌کرد، خارج شدند! اگر تنها یک نفر وجود داشت که شریعت موسی و سنت‌های علمای یهودی را می‌توانست درک کند، آن یک نفر پولس بود.

کلیسای اولیه کاملاً یهودی بود. عیسی، مریم، پولس و پطرس یهودیانی واقعی و سنتی بودند. تصمیم‌گیری برای ادغام کردن نوایمانان غیریهودی برای کلیسای اولیه یک چالش محسوب می‌شد. کدام بخش از شریعت شامل حال ایشان می‌شد؟

چگونه ممکن بود ایمانداران یهود و غیریهود در کنار هم به هم‌زیستی بپردازند؟ سرانجام در اعمال باب ۱۵ زمانی که پولس به اورشلیم سفر کرد تا پیام فیضی را که در بین امت‌ها موعظه می‌کرد به رهبران کلیسا برساند، این مسئله به فرجام و نتیجه رسید.

«او در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان، دل‌های‌شان را ظاهر ساخت. پس حال چرا خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن شاگردان می‌نپید که نه ما قادر به حملش بودیم، نه پدران ما؟ زیرا ما ایمان داریم که به فیض خداوند عیسی است که نجات یافته‌ایم، چنانکه ایشان نیز.»
اعمال رسولان ۹:۱۵-۱۱

از تمامی نوشته‌های اولیه‌ی کلیسا آشکار و مبرهن است که هیچ‌گاه از امت‌ها خواسته نشده است تا یهودی شوند. عیسی شخصاً تمام غذاها را پاک اعلام کرد. غذای حلال احتمالاً از سایر غذاها سالم‌تر است، اما مصرف آن اجباری نیست. شریعتی که در عهدعتیق آمد سایه‌ی عیسی در عهدجدید بود. عیسی‌ای تجسم‌یافته و پیغام انجیل نجات‌بخش او، حقیقت و تحقق شریعت به کمال است.

«شریعت فقط سایه‌ی چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها...»
عبرانیان ۱:۱۰

کولسیان ۲:۱۶-۱۷ از کلمه‌ای مشابه استفاده می‌کند:
«پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می‌خورید و می‌آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شَبَّات، محکوم‌تان کند. اینها تنها سایه‌ی امور آینده بود، اما اصل آنها در مسیح یافت می‌شود.»
کولسیان ۲:۱۶-۱۷

شریعت سایه‌ای بود که به آن شخص اشاره می‌کرد. حقیقت عیسی را دریافت کرده در آغوش بگیرید و خود را درگیر "تلاشی بیهوده" نکنید.

کتاب ایوب مثالی عالی در کتاب مقدس است، این کتاب سخنان کسانی را که به اشتباه سخن می‌گویند، در پس تار و پود خود ثبت و ضبط کرده است. خدا بعدها این افراد را مورد سرزنش قرار می‌دهد. با این حال جملات این افراد حذف نشده است بلکه بخشی از کتاب مقدس است و شما به راحتی می‌توانید آنها را در دل متن پیدا کرده باور داشته باشید که اظهاراتی واقعی هستند. در مراسم ختم اغلب از آیه‌ی «خداوند داد و خداوند گرفت» در کتاب ایوب استفاده می‌شود. با اینکه این جمله در کتاب مقدس ثبت شده است، اما از نظر الهیاتی جمله‌ای نادرست است. ایوب در زمانی که این جملات را بیان کرد، گمراه گشته بود. در کتاب مقدس حتی سخنان شیطان نیز ثبت شده است، اما طبیعتاً نباید از آنها پیروی کرد... با این حال این جملات همگی در کلام خدا قرار دارند. تلاش کنید که حقیقت را تشخیص داده یاد بگیرید که کتاب مقدس را به درستی تفسیر کنید.

بر آنچه کتاب مقدس می‌گوید تعمیق کنید

«این کتاب تورات از دهان تو دور نشود. روز و شب در آن تأمل کن

تا مطابق هر آنچه در آن نوشته شده، به دقت عمل نمایی. آنگاه

راه خود را فیروز خواهی ساخت و کامیاب خواهی شد.»

یوشع ۱:۸

«خوشابه‌حال کسی که در مشورت شیرین گام نزند و در راه گنهکاران نایستد و در محفل تمسخرگران ننشیند؛ بلکه رغبتش در شریعت خداوند باشد و شبانه‌روز در شریعت او تأمل کند. او بسان درختی است نشانده بر کناره‌ی جویبار، که

میوه‌ی خویش در موسمش آرد به بار، و برگش نیز پژمرده
نشود، و در هر آنچه کند کام یابد.»

مزامیر ۱: ۱-۳

شخصی گفت تعمق کردن مانند گاوی است که نشخارش را می‌جود. علف‌ها را ابتدا بلعیده و بعد شروع به جویدن می‌کند. عیسی وعده داد که روح‌القدس تمامی آنچه را که فرموده بود را به خاطر ما خواهد آورد. تفاوت بسیار عمیقی بین مطالعه و تعمق وجود دارد. تعمق یعنی:

حفظ کردن

شخصی‌سازی

تجسم

در گفتار و کردار

تکرار و بررسی تا حدی که ناخالصی‌ها را از طلا جدا کنید

فرهنگ لغات وبستر^۷ تعمق را به معنای؛ "تمرکز افکار بر روی: ایده و یا اندیشیدن به منظور برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی در ذهن" تعریف کرده است. به معنای فکر کردن و ریز شدن بر روی هرچیز، تأمل، مطالعه، دوباره مرور کردن هر موضوعی در ذهن می‌باشد. به عبارتی دیگر، همچنان که در حال تصمیم‌گیری برای چگونه انجام دادن کاری هستید، به عملی که می‌خواهید انجام دهید نیز فکر کنید.

^۷ در فرهنگ لغات عمید: "کنجکاو و دقت بسیار کردن در امری، غور کرد" تعریف شده است.

یک بار برای همیشه تصمیم بگیرید که آیا باور دارید در کتاب مقدس این خدا است که با شما صحبت می‌کند

اکثر مردم بیلی گراهام^۸ را می‌شناسند. در اوایل دوران خدمتش او در این کشمکش بود که آیا خدا از طریق کتاب مقدس با انسان سخن می‌گوید، یا کتاب مقدس فقط کتابی است برای مطالعه در باب خدا چند افسانه و کمی حقیقت در گوشه و کنار آن؟ در سال ۱۹۴۹ او درگیر کشمکشی درونی بر سر این موضوع بود که کتاب مقدس می‌باید از چه جایگاهی در زندگی او برخوردار باشد.

"بیلی احساس کرد که مجبور است به زودی یک بار برای همیشه تصمیم بگیرد، که آیا باید تمام عمر خود را صرف مطالعه‌ی این موضوع کند که آیا خدا در کتاب مقدس سخن می‌گوید، و یا زندگی‌اش را به عنوان سفیر خدا سپری کند، و پیغامی را که ممکن است حتی خود تا پس از مرگ به کمال درک نکند را همانند سفیر خداوند به سایرین برساند."^۹

او متوجه شد که هوش و عقل به تنهایی نمی‌توانند جواب این پرسش را بدهند. او باید برای حل این مشکل بر چیزی فرای عقل خود توسل می‌جست. "بنابراین برگشته کتاب مقدس را به زیر بغل زده در دل شب از خانه بیرون رفتم. به نزدیکی کنده‌ی درختی رسیده انجیلیم را روی آن گذاشته، زانو زده و گفتم: خداوندا، اثبات بعضی مسائل از توانایی من خارج است...، اما این کتاب را به عنوان کلام خدا به ایمان می‌پذیرم." (کتاب پالاک صفحه‌ی ۸۱)

قلب و فکر خود را بر خواندن کتاب مقدس متمرکز کنید، و آنچه را که او به شما می‌گوید انجام دهید. او مایل است تا شما را همچنان که در روح نمو می‌کنید، مدد رسانده، یاری دهد تا از بعد روحانی رشد کنید.

^۸ Billy Graham

^۹ Pollock, J. ۱۹۶۶. Billy Graham. London: Hodder & Stoughton, p ۷۹.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- چرا خواندن کتاب مقدس از اهمیت بالایی برخوردار است؟
- تفاوت بین خواندن و مطالعه‌ی کتاب مقدس در چیست، و چرا علم به این تفاوت، از اهمیت بالایی برخوردار است؟
- آیا نیاز است زمان بیشتری را به مطالعه‌ی روزانه‌ی کتاب مقدس اختصاص دهید؟ آیا باید زمان تعمق بر روی آیه‌ای خاص را افزایش دهید؟ چگونه و از چه زمانی می‌توانید شروع به انجام این تغییرات بکنید؟

فصل سوم

چگونه باید با خدا، ایجاد ارتباط کنم؟

شناخت خدا آغاز برقراری رابطه با او است، اما به خاطر داشته باشید که خیلی ساده ممکن است این شناخت، در همان نقطه‌ی شروع متوقف شود. شناخت و دوست داشتن خدا فرای دانش و تجربه‌ی واقعی ما است. رابطه‌ای سالم از طریق گوش دادن، صحبت کردن با شخص مقابل، و دل‌جویی در زمان سوءتفاهم یا وقوع رفتاری ناراحت‌کننده، رشد می‌کند. دقیقاً همانطوری که یک رابطه‌ی انسانی رشد می‌کند، شما نیز باید برای رابطه‌ی خود با خدا از همین ابزار ایجاد رابطه، استفاده کنید. اگر می‌خواهید که رابطه‌ی شما با خدا رشد کند، باید تصمیم بگیرید که برای مدتی طولانی به او متعهد و متصل بمانید.

بزرگترین معجزه

اگر از شما پرسند که در نظر شما بزرگترین معجزه چیست، ممکن است بگویید شفا یافتن، برخاستن از مردگان و یا راه رفتن بر روی آب! اما بزرگترین معجزه‌ای که در کل کتاب مقدس از زمان نوشته شدن کتاب رخ داده است، همان معجزه‌ای است که در قلب انسان‌ها اتفاق می‌افتد. عظیم‌ترین معجزه، تغییر زندگی افراد است.

خوشبختانه شما نیز این معجزه را تجربه کرده‌اید. بسیاری از مسیحیان به زمان قبل و بعد از ایمان آوردن در زندگی‌شان اشاره می‌کنند. ایشان به مقایسه کردن زندگی قبل و بعد از ایمان‌شان، اشاره می‌کنند. آنها آنچه قبل از پذیرفتن عیسای مسیح در زندگی‌شان دیده‌اند را، با آنچه که برای آنها و درون دل‌های‌شان در زمان ملاقات با او اتفاق افتاد، قیاس می‌کنند و از آن به عنوان تغییر و دگرگونی یاد می‌کنند.

پولس رسول نمونه‌ی بارز چنین اتفاقی بود. در عهدجدید می‌خوانید که او بر این باور بود که وظیفه‌اش یافتن و کشتن پیروان مسیح است. عیسای مسیح زمانی با او ملاقات کرد و به گناهانش خاتمه داد که او در حال سفر برای یافتن مسیحیان بود تا آنها را شکنجه کند و بکشد. پولس به عیسی لبیک گفت. او غیرت بی‌نظیری در دعوت سایرین برای پیروی از عیسی داشت. او دقیقاً با همان تعصبی که زمانی به سایرین می‌گفت که از او دوری جویند، حال به او بشارت می‌داد.

علامت زندگی‌ای که کاملاً متحول شده، پیروی واقعی از عیسی است. این تغییر به قدری عمیق است که به معنای واقعی کلمه ماهیتی جدید و انگیزه‌هایی جدید پیدا می‌کنید. این اتفاق چگونه رخ می‌دهد؟ اولین قدم روبرو شدن با من حقیقی‌تان، قبل از آشنایی با عیسی است.

دور افتاده از خدا

همه‌ی ما عکس‌های کسانی که وزن بالایی را از دست داده‌اند، دیده‌ایم. آنها عکس‌های خود مربوط به زمانی که ۱۸۰ کیلو بوده‌اند را نشان می‌دهند و بعد از آن تصویر خود را در حالی که ۸۰ کیلو وزن دارند را به اشتراک می‌گذارند. اگر نمی‌دانستیم در گذشته آنها چه شکلی بودند و اینک چقدر وزن کم کرده‌اند، تصویر دوم برای‌مان چندان مهم نمی‌بود.

دقیقاً به همین شکل، شناخت ماهیت‌تان در زمانی که تلاش می‌کردید به تنهایی و بدون کمک خدا زندگی کنید از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد. اسارت-های متفاوتی از قبیل اعتیاد به الکل، سرکشی و عصیان در اشکال مختلف، و یا داشتن حس ناامیدی عمیق همانند من، که افراد بسیاری به طور روزانه با آن در کشمکش هستند، مثال‌های بارز از این مشکلات هستند.

«پس این را می‌گوییم و در خداوند تأکید می‌کنم که رفتار شما دیگر نباید همانند اقوام دور از خدا باشد که در بطالت ذهن خود رفتار می‌کنند. عقل آنها تاریک شده است، و به علت جهالتی که نتیجه‌ی سخت‌دلی ایشان است، از حیات خدا به دور افتاده‌اند.»

افسیان ۴: ۱۷-۱۸

«که زمانی از مسیح جدا، از تابعیت اسرائیل محروم و با عهدهای شامل وعده، بیگانه بودید، و بی‌امید و بی‌خدا در این جهان به سر می‌بردید.»

افسیان ۲: ۱۲

آدم و حوا با خدا صمیمانه قدم می‌زدند اما آنها تصمیم گرفتند بر ضد او قیام کنند، و به خاطر گناهی که مرتکب شدند از او جدا گشتند. آنها همچنان در نزد خدا محبوب بودند، بنابراین خدا راهی موقتی و در نهایت ابدی برای بازگرداندن آنها و نسل‌شان، مهیا کرد. رومیان ۳: ۲۳ می‌فرماید: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند.»

اولین قدمی که باید برداریم این است که به یاد آوریم گناه کرده‌ایم، و تصویر اولیه‌ی ما نیاز به تغییر دارد. ما این توانایی را نداریم که خود به تنهایی خودمان را تغییر دهیم، پس باید قبول کنیم که به خدا نیاز داریم تا ما را تغییر دهد.

چرا عیسی از چنین اهمیتی برخوردار است؟

زیرا همه‌ی انسان‌ها گناه‌کارند و در دنیا حتی یک نفر بی‌گناه نیست که صلاحیت پرداخت مزد گناه را داشته باشد. تمامی انسان‌ها به دلیل گناهی که مرتکب شده‌اند، محکوم به موت هستند. عیسی با دیگران فرق داشت از آنجایی که از باکره به دور از ذات گناه متولد شد و زندگی‌ای به دور از گناه داشت. او به

دلیل ماهیت بری از گناهش، می‌توانست کفاره ما بگردد. داستانی در کتاب مکاشفه وجود دارد که می‌گوید در آسمان به دنبال کسی می‌گشتند که بتواند مهر طوماری را که حاوی نقشه‌ی الهی برای بشریت بود، بگشاید.

«آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مَهر مَهور بود. و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به بانگ بلند ندا می‌داد: "کیست که سزاوار برداشتن مَهرها و برگشودن طومار باشد؟" و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند. من زار زار می‌گریستم زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد. آنگاه یکی از پیران به من گفت: "گریان مباش. اینک آن شیر قبیله‌ی یهودا، آن ریشه‌ی داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مَهر آن را بگشاید." آنگاه بره‌ای دیدم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند. او پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن ۲۴ پیر پیش پای بره بر خاک افتادند. آنها هر يك چنگی در دست داشتند و جامی زرین آکنده از بخوری که همان دعا‌های مقدسین است. و سرودی تازه بدین‌سان می‌سرودند که: "تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مَهرهای آن، چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت، برای خدا خریدی؛ و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و ایمان بر زمین سلطنت خواهند کرد." آنگاه نظر کردم و صدای فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تخت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و گُرورها گُرور بیشتر بود. و با صدای

بلند چنین می گفتند: "آن برهی ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش."

مکاشفه ۱:۵-۱۲

طومار مهر و موم گشته تصویری از برنامه‌ی خدا برای انسان‌ها است، اما از آنجایی که «هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد.» این نقشه متوقف گشت. عیسی از خصوصیات منحصر به فردی برخوردار بود که با قربانی شدنش، می‌توانست نقشه‌ی خدا را برای انسان‌ها، محقق کند. عیسی خدا بود، اما امتیازات الهی خود را غنیمت نشمرد و انسان گشت.

«همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت: او که هم‌ذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره‌ن جست، بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد. و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید. پس خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه‌ی نام‌ها بدو بخشید، تا به نام عیسی هر زانوئی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح خداوند است، برای جلال خدای پدر.»

فیلم بیان ۲:۵-۱۱

او از یک باکره‌ی اسرائیلی متولد شده، بزرگ شده و در هیئت انسانی بری از گناه رشد کرد. پس از سه سال خدمت آشکار به سایرین، تسلیم مرگ صلیب شد، جان داد، خون خود را بریخت تا بهای گناهان انسان‌های عاصی را بپردازد. هنگامی که از مردگان قیام کرد، بخشیده شدن گناهان بشریت را تضمین کرد، و این بخشش شامل حال کسانی می‌شود که او را می‌پذیرند.

شنیده‌ایم که بسیاری می‌گویند: "همه‌ی راه‌ها به خدا می‌رسد." و یا "تا وقتی که انسان درست و صادقی باشید، مهم نیست که به چه چیزی اعتقاد دارید." عیسی صراحتاً این ادعا را رد می‌کند. او می‌فرماید:

«من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز به واسطه‌ی من، نزد پدر نمی‌آید.»
یوحنا ۱۴:۶

عیسی راهی به سوی خدا نیست، بلکه تنها راه رسیدن به خدا است. تصور کنید که من شما را برای شام به منزلم دعوت کنم و شما نیز دعوت مرا بپذیرید. اما زمانی که از من آدرس خانه‌ام را می‌پرسید در جواب به شما بگویم: "تا زمانی که آدم درستکار و صادقی باشید، مهم نیست از کدام راه بیاید!" خنده‌دار نیست؟! قابل درک نیست که انسان‌ها چگونه می‌توانند فکر کنند که ابدیت بر اساس افکار و تخیلات آنها شکل می‌گیرد. آیا ممکن است حقایق مربوط به ابدیت تنها بر اساس ذهنیت اشخاص شکل بگیرد؟ حتی اگر آنها خیلی جدی باور داشته باشند که آخرت به این شکل خواهد بود؟! آیا همه تنها با باور جدی داشتن به موضوعی می‌توانند یک حقیقت برای خود بسازند؟ طبیعتاً خیر! حقیقت مطلق است و غیرقابل تغییر. تنها یک راه درست و یک راه غلط وجود دارد، و عیسی فرمود که او تنها راه راست به سوی خدا است.

چند لحظه فکر کنید که در خیابان از افرادی پرسید که چگونه می‌شود به بهشت رسید؟ احتمالاً بسیاری در جواب خواهند گفت: "من آدم خوبی هستم. من هیچ‌کس را نکشته‌ام. کارهای خوب من بر کارهای بدم برتری دارند، بنابراین فکر کنم خدا مرا در بهشت می‌پذیرد." متأسفانه این طرز تفکری بسیار رایج است. از آنجایی که همه گناه کرده‌اند، این الهیات ناقص است. معیار حقیقت و عدالت

بی‌نقصی و کاملیت است و تنها عیسی واجد شرایط برای برآورده کردن چنین معیاری می‌باشد. فرق نمی‌کند چه مقدار تلاش و کار نیک انجام دهید، زیرا اعمال شما نمی‌تواند پذیرش شما را در پیشگاه خداوند ممکن بگرداند. تنها عیسی صلاحیت کفاره‌ی گناهان ما را دارد.

اگر ۱۰۰ نفر در مقابل مجسمه‌ی آزادی در شهر نیویورک صف کشیده شروع به شنا کردن به سمت انگلستان بکنند، مسلماً برخی بیشتر از دیگران شنا خواهند کرد. بعضی سه تا چهار کیلومتر و بعضی خواهند توانست ۳۰ کیلومتر شنا کنند. اما مشکل این است که هیچ‌کس نمی‌تواند تمام مسیر را شنا کند. به همین ترتیب ممکن است ما در مقایسه با بقیه در ظاهر عملکرد خوبی داشته باشیم، اما در مقایسه با عدالت کاملی که در عیسی است، دچار نقصان هستیم.

دریافت زندگی ابدی و پارساشمردگی از جانب خدا، تنها از طریق عیسی و نه به خاطر اعمال؛ نیازمند فروتنی خالصانه‌ای است. قوم یهود در زمان عیسی برای درک این مسئله با مشکلات بسیاری روبه‌رو شدند، زیرا فکر می‌کردند در رعایت شریعت، بسیار موفق بوده‌اند. فروتنی یعنی بتوانید آن چیزی را که لایقش نیستید، بپذیرید.

« ای برادران، آرزوی قلبی و دعای من به درگاه خدا برای قوم اسرائیل این است که نجات یابند. زیرا دربارہ‌ی ایشان می‌توانم شهادت دهم که برای خدا غیرت دارند، اما نه از روی معرفت. زیرا به سبب ناآگاهی از آن پارسایی که از خداست، و از آن رو که در پی اثبات پارسایی خویش بودند، در برابر آن پارسایی که از خداست، سر فرود نیاوردند. زیرا مسیح غایت شریعت است تا هر که ایمان آورد، پارسا شمرده شود. موسی آن پارسایی را که بر پایه‌ی شریعت است چنین توصیف می‌کند: «کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطه‌ی آنها حیات خواهد داشت.»

اما پارسایی مبتنی بر ایمان می گوید: «در دل خود مگو "کیست که به آسمان صعود کند؟" - یعنی تا مسیح را فرود آورد یا "کیست که به جهان زیرین نزول کند؟" - یعنی تا مسیح را از مردگان بازآورد و در مقابل، چه می گوید؟ اینکه «این کلام نزدیک تو، در دهان تو، و در دل توست. این همان کلام ایمان است که ما وعظ می کنیم، که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. زیرا در دل است که شخص ایمان می آورد و پارسا شمرده می شود، و با زبان است که اعتراف می کند و نجات می یابد. چنانکه کتاب می گوید: «هر که بر او توکل کند، سرافکنده نشود.» (رومیان ۱۰:۱۱-۱۱)

«اما اکنون جدا از شریعت، آن پارسایی که از خداست به ظهور رسیده است، چنانکه شریعت و پیامبران بر آن گواهی می دهند. این پارسایی که از خداست از راه ایمان به عیسای مسیح است و نصیب همه ی کسانی می شود که ایمان می آورند. در این باره هیچ تفاوتی نیست. زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. اما به فیض او و به واسطه ی آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می شوند. خدا او را چون کفاره ی گناهان عرضه داشت، کفاره ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل می شود. او این را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهانی که بیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود.»

رومیان ۳: ۲۱-۲۵

عیسی چیزی را به رایگان به ما بخشید که هرگز نمی‌توانستیم با تلاش و یا تکیه بر اعمال نیک خود به آن دست بیابیم: هدیه‌ی پارساشمردگی!

خلقت جدید

دلیل بزرگترین معجزه‌ی خدا در درون انسان، عمل روح‌القدس است. روح-القدس باعث می‌گردد که شخص بخشش و پارساشمردگی را از طریق عیسای مسیح دریافت می‌کند. نام این معجزه، تولد تازه است. عیسی به مرد بسیار دیندار یهودی فرمود تا زمانی که دوباره متولد نشود، نمی‌تواند ملکوت خدا را ببیند:

«مردی بود از فریسیان، نيقوديموس نام، از بزرگان يهود. او شبی نزد عیسی آمد و به وی گفت: "استاد، می‌دانیم تو معلمی هستی که از سوی خدا آمده است، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند آیاتی را که تو به انجام می‌رسانی، به عمل آورد، مگر آنکه خدا با او باشد." عیسی در پاسخ گفت: "آمین، آمین، به تو می‌گویم، تا کسی از نو زاده نشود، نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند." نيقوديموس به او گفت: "کسی که سالخورده است، چگونه می‌تواند زاده شود؟ آیا می‌تواند دیگر بار به رحم مادرش بازگردد و به دنیا آید؟" عیسی جواب داد: "آمین، آمین، به تو می‌گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد." آنچه از بشر خاکی زاده شود، بشری است؛ اما آنچه از روح زاده شود، روحانی است. "عجب مدار که گفتم باید از نو زاده شوید! باد هر کجا که بخواهد می‌وزد؛ صدای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. چنین است هر کس نیز که از روح زاده شود.»

این تولد، تولدی روحانی است. حتی می‌توان گفت به اندازه‌ی وضع‌حملی فیزیکی پرشور و هیجان‌انگیز است. زمانی که یک کودک به دنیا می‌آید، همه‌چیز تازه، نو و بکر بوده و فقط آینده‌ی او، در پیش رویش می‌باشد. گذشته‌ای وجود ندارد که از آن شرمگین باشد. عیسی از چنین تصویر ذهنی‌ای استفاده می‌کند تا به ما نشان دهد که بعد از تولد تازه، تغییرات درونی ما تا چه حد کامل و جامع است. اولین لحظه‌ای که تجربه‌ی مسیحی شدن را می‌چشید، آن لحظه به شکلی باورنکردنی و معجزه‌آسا آغاز زندگی ابدی شما است. عیسی فرمود اگر کسی به او ایمان آورد هرگز هلاک نگردد بلکه به خاطر ایمانش به وی حیات ابدی یابد.

«عیسی گفت: "قیامت و حیات مَنَم. آنکه به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد،

زنده خواهد شد. و هر که زنده است و به من ایمان دارد، به یقین تا به ابد

نخواهد مرد؛ آیا این را باور می‌کنی؟"»

یوحنا ۱۱: ۲۵-۲۶

تأثیر زندگی ابدی بیش از حد تصور ما است، زیرا قادر به تغییر همه‌چیز می‌باشد. باور مسیحیت بر این نیست که با تلاش زیاد، خدا را می‌توان خشنود ساخت، بلکه برعکس در فروتنی، تکیه‌ی کامل بر قدرت او در انجام آنچه خود قادر به انجامش نیستیم، نجات حاصل می‌شود.

از این تغییر در کتاب‌مقدس به عنوان خلقت تازه یاد می‌شود. نامی که بر طبیعتی جدید گذاشته شده است که به تمامی کسانی که تصمیم می‌گیرند با تمام دل عیسی را پیروی کنند، عطا می‌شود. نباید آن را با برگی جدید از دفتر زندگی اشتباه گرفت، بلکه خود زندگی جدیدی است. این یک اصطلاح نیست، بلکه تغییری کامل و جامع است. دقیقاً به همان صورت که خصوصیات پدر و مادر زمینی

خود را به ارث می‌برید، هنگامی که در خداوند تولد تازه می‌یابید، ویژگی‌های پدر آسمانی خود را نیز به دست می‌آورید.

«پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است! اینها همه از خداست که به واسطه‌ی مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است.»

دوم‌قرنتیان ۵:۱۷-۱۸

«ای عزیزان، اینک فرزندان خداییم، ولی آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. اما می‌دانیم آنگاه که او ظهور کند، مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید.»

اول یوحنا ۳:۲

پیامدهای درونی این معجزه بسیار قابل توجه است. در نتیجه‌ی اعتمادی که به خدا در نجات‌مان داریم (خلقت تازه از انسانیت کهنه)، اینک می‌توانیم زندگی را نه تنها از بُعد انسانی، بلکه از دیدگاهی الهی نیز تجربه کنیم.

رابطه‌ای مداوم

تجربه‌ی تولد تازه تنها آغاز معجزه است. به همان شکل که زندگی یک نوزاد از بدو تولد او آغاز می‌شود، شما نیز به عنوان یک نوایمان به تازگی وارد ابدیت می‌گردید. در چنین زمانی زیستن در عیسی، برای شما بسیار مهم می‌گردد. «پس همان‌گونه که مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در او سلوک کنید: در او ریشه گیرید و بنا شوید، و همان‌گونه که تعلیم یافتید، در ایمان استوار شده، لبریز از شکرگزاری باشید.» کولسیان ۲:۶-۷

برای من کشف اینکه به عنوان یک مسیحی می‌توانم همچنان رشد کنم، بسیار هیجان‌انگیز بود و این تصمیمی است که من باید آن را اتخاذ کنم؛ پیشرفت کنم یا در همان وضعیتی که هستم، باقی بمانم. تصمیماتی کلیدی و مهمی وجود دارند که عادات به‌خصوصی را در زندگی شما شکل خواهند داد، خواه برای یک هفته ایمان آورده باشید، یا خواه ۳۰ سال از ایمان‌تان گذشته باشد. به راه‌کارهای زیر توجه کنید:

- ✓ روزانه با خدا در گفت‌وگو باشید. نام دیگر این عمل، دعا است. او مانند هر دوست دیگری از شما می‌خواهد تا با او رابطه‌ی دوستی ایجاد کنید. هرچه بیشتر با او قدم زده و صحبت کنید، به او نزدیک‌تر می‌شوید.
- ✓ به خدا این فرصت را بدهید که هر روز با شما صحبت کند. این کار از طریق خواندن کتاب‌مقدس انجام می‌شود. بعد از اینکه چند مرتبه عهدجدید را مطالعه کردید، عهدعتیق را نیز می‌توانید در برنامه‌ی مطالعه‌ی خود بگنجانید. برای داشتن مطالعه‌ای مؤثر، داشتن دفتری روزانه، الزامی است. زمانی که به مطالعه‌ی کلام می‌پردازید، آنچه را که برای‌تان از سایر قسمت‌ها جالب‌تر و یا تأثیرگذارتر است، یادداشت کنید. روح‌القدس به کلامی که مطالعه کرده‌اید جان بخشیده در فکر و اندیشه‌ی شما به آن وضوح و شفافیت می‌بخشد. سپس نظرات و مشاهدات خود را از معنای متن، یادداشت کنید و در آخر برای آنچه که باید به انجام برسانید، دعا کنید. این روش زندگی شما را منضبط و مرتب نگاه می‌دارد و در حالی که شما مشغول به مطالعه‌ی کلام‌خدا هستید، کلام نیز قلب شما را می‌کاود.
- ✓ درباره‌ی رابطه‌ی خود و خدا با سایرین صحبت کنید. این کار شما، در قلب ایشان را نیز به روی خدا می‌گشاید، تا خدا با آنها نیز ارتباط برقرار کرده، ایمان شما را نیز در همین حین مستحکم‌تر سازد.

درباره‌ی اهمیت معجزه‌ی خدا در شما و زندگی‌تان در زمان تولد تازه، تأمل کنید و بیشتر مطالعه کنید. خلقت دوباره‌ای که او در درون شما از نو سرشته است، شاه‌کاری بی‌نظیر است.

«زیرا همان خدا که گفت: 'نور از میان تاریکی بتابد،' نور خود را در دل‌های ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهره‌ی مسیح، ما را منور سازد. اما این گنجینه را در ظروفی خاکی داریم، تا آشکار باشد که این قدرت خارق‌العاده از خداست نه از ما.» دوم‌قرن‌تین ۴: ۶-۷

«زیرا ساخته‌ی دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم.»
افسیسیان ۲: ۱۰

کلمه‌ای که در زبان یونانی (که این رساله به آن نوشته شده است) برای «ساخته‌ی دست» به کار رفته است، Poima می‌باشد. این کلمه را می‌توان به یک استادکار و یا شاعر نسبت داد. به بیانی دیگر می‌توان گفت زندگی جدید شما شعری نوشته شده با دستان خدا است.

زندگی سالم مسیحی، زندگی‌ای است که همواره رو به رشد و در حال پیشرفت است. خدا ما را به شکلی ساخته است تا رشد کنیم و به بلوغ برسیم. زمانی که شناخت خود از خدا را به شکلی واضح و زنده شخصاً تجربه می‌کنید، رابطه‌ی شما با او عمیق‌تر می‌شود. این خواست خدا برای تمام فرزندان است.

ما دعوت شده‌ایم تا با خواندن نامه‌ای که او برای ما فرستاده است، با خدایی نادیدنی ایجاد ارتباط کنیم. عیسی فرمود: «گوسفندان من به صدای من گوش فرا

می دهند.» او با ما از طریق کلام و روح قدوس خود سخن گفته، ما را راهنمایی می فرماید.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- بزرگترین معجزه‌ای که توسط خدا به انجام می‌رسد، چیست؟
- بعد از دریافت تولد تازه، برای ادامه‌ی رابطه‌ی خود با خدا باید چه کاری انجام دهید؟ چه چیزی ممکن است رشد این رابطه را متوقف سازد؟ (افسیان ۴: ۱۷- ۱۸)
- آیا تا زمانی که انسانی درست کار و صادق هستید، اینکه به چه چیزی اعتقاد دارید حائز اهمیت است؟ (یوحنا ۱۴: ۶)
- در مورد معنای خلقت جدید در مسیح فکر کرده، آن را به مباحثه بگذارید.
- آیا نیاز دارید که هر روز بیشتر با خدا به گفت‌وگو بپردازید؟ آیا باید به خدا فرصت بیشتری بدهید تا هر روزه با شما صحبت کند؟ آیا درباره‌ی رابطه‌ی خودتان با خدا، با دیگران صحبت می‌کنید؟

فصل چهارم چگونه در ایمان رشد کنیم؟

حال که رابطه‌ی خود را با خدا از طریق اعتماد به عیسی‌مسیح آغاز کرده‌اید، تدوام در آموختن درباره‌ی وی و رشد در او، از اهمیت بالایی برخوردار است. الحال، در اولین مراحل زندگی ابدی خود به سر می‌برید. همچنان که زندگی خود را در کنار او ادامه می‌دهید، در می‌یابید که مسایل بسیاری برای یادگیری و تجربه کردن وجود دارند. تمایل شما به سالم ماندن؛ رشد و نمو؛ پیشرفت؛ شکوفا شدن یا در جا زدن، رابطه‌ی مستقیمی به ارتباط شما با خدا دارد.

«و همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن برای نجات نمو کنید، اگر براستی چشیده‌اید که خداوند مهربان است.»

اول پطرس ۲:۲-۳

«زیرا سخنان تکبر آمیز و باطل می‌گویند و با بهره‌جویی از تمایلات نفس و شهوت‌انگیزی، کسانی را که به‌تازگی از چنگ گمراهان رسته‌اند، اغوا می‌کنند.»

دوم پطرس ۳:۱۸

از تلاش دست بردارید

اغلب مردم دریافت تولد تازه را مهر پایانی بر تجربیات مسیحی خود می‌دانند، در صورتی که آنها در مرحله‌ی آغازین قرار دارند. اگر دیدگاهی که نسبت به نجات‌تان دارید به چشم سنگ بنا باشد و نه سنگ سِطاق، دلگرمی‌ای که احساس خواهید کرد چند برابر خواهد بود. برای اینکه ایمان جدیدتان تازه و سالم بماند، باید به رشد و پیشرفت خود ادامه دهید.

نویسنده‌ی رساله‌ی عبرانیان به خوانندگانش می‌فرماید به جای اینکه فقط به میزان پیشرفتی که به دست آورده‌اند فکر کنند، بهتر است خیال خود را آسوده کرده، دست از تلاش بردارند و در قدم‌های بعدی‌ای که باید در ایمان مسیحی‌شان بردارند، تفکر کنند. متأسفانه مخاطبین عبرانی پولس در زندگی ایمانی‌شان بی‌حرکت و راکد مانده و دست از پیشرفت و تلاش کشیده بودند.

«در این باره، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوش‌های شما سنگین شده است. براستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را دیگر بار از آغاز به شما بیاموزاند. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین!»

عبرانیان ۵: ۱۱-۱۲

«پس بیا بید تعالیم ابتدایی درباره‌ی مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار توبه از اعمال منتهی به مرگ، و ایمان به خدا، و آموزش تعمیدها، و دستگذاری‌ها، و رستاخیز مردگان و مجازات ابدی را بنیان ننهیم.»

عبرانیان ۶: ۱-۲

نویسنده خوانندگان را تشویق می‌کند تا به سوی کمال و بلوغ روحانی پیش بروند. آنها باید از شیر، به غذای افراد بالغ روی بیاورند. کودک به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر می‌تواند غذای جامد خورده، آن را هضم کند و از طریق انرژی آزاد شده از غذا، رشد خود را سرعت ببخشد. اما آنها هنوز در حقایق ابتدایی ایمان توقف کرده و پیشرفتی حاصل نکرده بودند. مانند شخصی که برای مصاحبه‌ی کاری رفته است و به مصاحبه‌کننده گفته که ۲۰ سال سابقه‌ی کار دارد. اما مصاحبه‌کننده بعد از مطالعه‌ی سوابق او در جواب به او می‌گوید که بیشتر به نظر می‌رسد که تجربه‌ی

کاری شما فقط یک سال است و بقیه ۱۹ سال، آن کار را تکرار کردید! طریقه‌ی رشد چنین شخصی همانند الگویی است که عبرانیان در پیش گرفته بودند، زیرا آنها نیز کماکان در اصول پایه، گیر کرده بودند.

لازم است اصول اولیه و تعالیم ابتدایی در رابطه‌ی با عیسی را در زمره‌ی آن مسائلی قرار دهیم که تا به اینجا تا سر حد ممکن به انجام رسیده‌اند. برای رسیدن به بلوغ روحانی، شش نکته به عنوان پایه و اساس هر آن چیز دیگری که در زمان رسیدن به بلوغ رخ می‌دهد، ذکر شده است.

۱) توبه از اعمال مرده

اولین اصل مهمی که ذکر شده است توبه و یا رویگرداندن از اعمال مرده است. افعال موت در بهترین حالت، اعمال مذهبی یا تمام تلاش انسانی برای نزدیک شدن به خدا با تکاپوی بشری تعریف شده است. مذهب تصوراتی است که انسان از خدا انتظار دارد. افراد بسیاری مذهبی هستند، اما صرف مذهبی بودن به هیچ‌وجه تضمین نمی‌کند تلاش‌هایی که انجام می‌دهند بر اساس حقیقت باشد. شخصی گفت: می‌توان از نردبان موفقیت بالا رفت و بعد از رسیدن به بالاترین نقطه، متوجه شد که تمام مسیر آن را به ساختمانی اشتباه تکیه داده‌اید.

یهودیان قومی به شدت مذهبی و غیور بودند، اما باور آنها از حقیقت بسیار فاصله داشت. توبه کردن از اعمال مرده به معنای دور شدن از ناراستی و افعال باطل است. اعمال بر سه قسم می‌باشند:

✓ اعمال شیطانی - اعمالی که به جهت گناه و عصیان علیه‌ی خدا انجام می‌شوند. ماهیت آنها به هیچ‌وجه پنهان نبوده و آشکار است. چنین اعمالی شیطانی، ناقض کتاب مقدس و حتی وجدان‌های ما می‌باشند.

✓ اعمال نیک - کارهایی که مسیحیان از طریق الهام و نیروی محرکه‌ی روح القدس انجام می‌دهند. چنین اعمالی نتیجه‌ی دریافت نجات بوده و مبنای رستگاری نمی‌باشند. رفتار و کردار خوب شما دلیل مسیحی بودن تان نیست،

اما رفتار و کردار درست نتیجه‌ی داشتن نخستین باورهای نیکو و درستکارانه است.

✓ اعمال مرده- اعمال مرده، ریشه در دین دارند. آنها در تلاشی ناموفق برای خشنود ساختن خدا انجام می‌شوند، اما در واقع ریشه در خودبرتربینی دارند. «پس بیایید تعالیم ابتدایی درباره‌ی مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار توبه از اعمال منتهی به مرگ (رسوم بی‌فایده) (در متن یونانی nekronergon به معنای انرژی مرده آمده است) (این اصطلاح دوباره در عبرانیان ۱۴:۹ آمده است و در هر دو مورد برای ارجاع به اعمال نیکی که تصور می‌شود به نجات می‌انجامد، استفاده شده است)، و ایمان به خدا...» عبرانیان ۶:۱

«پس چه گوئیم؟ غیریهودیانی که در پی پارسایی نبودند، آن را به دست آوردند، یعنی آن پارسایی را که از ایمان حاصل می‌شود؛ چرا؟ زیرا نه از راه ایمان، بلکه از طریق اعمال در پی آن بودند. آن 'سنگ لغزش' موجب لغزیدن آنها شد.»
رومیان ۹:۳۰، ۳۲

«زیرا درباره‌ی ایشان می‌توانم شهادت دهم که برای خدا غیرت دارند، اما نه از روی معرفت. زیرا به سبب ناآگاهی از آن پارسایی که از خداست، و از آن رو که در پی اثبات پارسایی خویش بودند، در برابر آن پارسایی که از خداست، سر فرود نیاوردند. زیرا مسیح غایت شریعت است تا هر که ایمان آورد، پارسا شمرده شود.»
رومیان ۱۰:۲-۴

کلیساهای مسیحی برای قرون متمادی درگیر مذهب‌محوری بودند. افراد عادی نمی‌توانستند کتاب مقدس را بخوانند. در آن دوران برای اینکه بتوانید مسیحی شوید، باید در مراسم و اعمال غیرکتاب‌مقدسی مانند خرید 'کفاره‌ی گناهان' برای

دریافت بخشش شرکت می‌کردید، و بعد از آن تنها راه ورود به درگاه الهی از طریق یک کشیش یا فردی مقدس میسر می‌گشت. فضای 'حراج رستگاری' به‌هیچ‌وجه کمک حال کسی نبود و برای کسانی که تمایل داشتند خدا را شخصاً بشناسند، حتی مضر و آسیب‌زننده بود.

مارتین لوتر^{۱۰} و افراد بی‌شماری از مذهب و عدم وجود ارتباط واقعی با خدا فرسوده و ناامید بودند. ضربه‌ی نهایی وقتی فرود آمد که مارتین لوتر بعد از مطالعه‌ی کتاب مقدس دریافت که انسان نه از اعمال، بلکه به واسطه‌ی فیض نجات می‌یابد. بنیان این اصلاحات مسیحی از رومیان ۱۷:۱ شروع شد و شکل گرفت. «زیرا در انجیل، آن پارسایی که از خداست به ظهور می‌رسد، که از آغاز تا به انجام بر پایه‌ی ایمان است. چنانکه نوشته شده است: "پارسا به ایمان زیست خواهد کرد."»

در ۳۱ اکتبر ۱۵۱۷، اساس‌نامه ۹۵ ماده‌ای^{۱۱} خود را بر در کلیسای ویتنبرگ^{۱۲} در زاکسونی آلمان^{۱۳} چسپاند. او توسط کلیسا فراخوانده شد تا در حضور سایرین اعلام کند که ادعاهایش را پس می‌گیرد، اما او نپذیرفت. بسیاری دیگر نیز مانند او به کتاب مقدس به عنوان مبنای اصلی نجات و ایمان بازگشت نمودند که در نتیجه‌ی چنین اتفاقی کلیسا جان تازه‌ای گرفته، روحی نو در آن دمیده شد. زندگی بر پایه‌ی ایمان در تضاد کامل با مذهب‌گرایی و تلاش در جهت خشنود ساختن خدا از طریق اعمال است. بسیاری از ادیان به پیروان‌شان لیستی از اعمالی را می‌دهند تا ایشان بتوانند رضایت خدای‌شان را کسب کنند. بنیان و پایه‌ی مسیحیت بر این اصل بنا شده است که ایمانداران نباید هیچ عملی جز ایمان به کاری که عیسای مسیح خود به اتمام رسانید، انجام دهند.

^{۱۰}. Martin Luther

^{۱۱}. ۹۵ Theses

^{۱۲}. Wittenberg

^{۱۳}. Saxony Germany

« آنگاه از او پرسیدند: 'چه کنیم تا کارهای پسندیده‌ی خدا را انجام داده باشیم؟' عیسی در پاسخ گفت: 'کار پسندیده‌ی خدا آن است که به فرستاده‌ی او ایمان آورید.'
یوحنا ۶: ۲۸-۲۹

در مسیر ایمان، نقطه‌ی شروع گام برداشتن با خدا و درک و پی بردن به بیهوده بودن اعمال نیکو، کفایت می‌کند. عیسی هنگامی که بر صلیب بود، فرمود: «تمام شد.» دیگر فعلی باقی نمانده است که بتوانیم به آنچه او انجام داده است بیافزاییم.

یکی از سختگیرانه‌ترین اصلاحات و تأدیبهایی که تاکنون در کتاب مقدس دیده شده است، مربوط به کلیسای غلطیه می‌باشد، زمانی که ایشان تلاش کردند پس از ایمان آوردن و دریافت نجات عیسای مسیح، دوباره به دین و شریعت بازگردند.

«ای غلطیان نادان، چه کسی شما را افسون کرده است؟ زیرا در برابر چشمان خود شما عیسای مسیح به روشنی چون کسی که بر صلیب شد، ترسیم گردید. فقط می‌خواهم این را بدانم: آیا روح را با انجام اعمال شریعت یافتید یا با ایمان به آنچه شنیدید؟ آیا تا این حد نادانید که با روح آغاز کردید و اکنون می‌خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟»
غلطیان ۳: ۱-۳

برای برقراری ارتباط با عیسی، اولین قدم فروتنی است. به این معنی که خود را برای دریافت چیزی که به هیچ‌وجه لیاقتش را نداریم، آماده کنیم. این کار را

می‌توانیم با نادیده گرفتن اعمال خوب و بدمان در گذشته و حال شروع کرده، و آنچه را که خود هیچ‌گاه نمی‌توانستیم به انجام برسانیم، از خدا دریافت کنیم.

«زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود ببالد. زیرا ساخته‌ی دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم.»
افسیان ۲: ۸-۱۰

۲) ایمان به خدا

اصل بنیادین و اولیه‌ای که بعد از توبه از اعمال مرده می‌آید، ایمان به خدا است. این در حقیقت نگرشی متفاوت در ارتباط با مسئله‌ای واحد است. پس از درک و قبول اینکه اعمال‌مان هرگز قادر به نجات دادن ما نیستند، قدم بعدی دریافت آن فیضی است که خدا خود برای ما تدارک دیده است: عمل نجات‌بخش عیسی بر صلیب! عیسی از طریق مرگ بر روی صلیب و رستخیزش از مردگان، هر چیزی را که برای داشتن زندگی ابدی نیاز داشتیم، فراهم نمود. زمانی که بالاخره از تلاش کردن ناامید شده از ادامه دادن دست برداشتید، باید کاری که او در جهت نجات ما برای انجامش مجاهده نمود را با تمام قدرت بچسبید. با ایمان به عیسای مسیح و عمل او، می‌توانیم آنچه را که از طریق اعمال انسانی دست‌نیافتنی و غیرممکن بود، به دست بیاوریم.

«نیز به یهودیان و یونانیان هر دو، اعلام داشته‌ام که باید با توبه به سوی خدا بازگردند و به خداوند ما عیسای مسیح ایمان آورند.»

اعمال رسولان ۲۱: ۲۰

«زیرا در انجیل، آن پارسایی که از خداست به ظهور می‌رسد، که از آغاز تا به انجام بر پایه‌ی ایمان است. چنانکه نوشته شده است: 'پارسا به ایمان زیست خواهد کرد.'
رومیان ۱: ۱۷»

زمانی که از اعمال مرده توبه می‌کنیم، در می‌یابیم که نباید به چه چیزهایی باور داشت در حالی که ایمان داشتن به خدا ما را آگاه می‌سازد که به چه چیزهایی باید اعتماد و اعتقاد داشته باشیم. این مراحل از طریق دریافت نجات شروع می‌شود، اما در ادامه‌ی زندگی و تجربیات مسیحی‌مان نیز ادامه می‌یابد. یک مسیحی با ایمان به حاکم بودن خدا در تک‌تک زوایا و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، زندگی می‌کند. محقق شدن تمامی برنامه‌ها و تمهیدات خدا برای زندگی‌تان از طریق توکل کردن شما به او ممکن می‌گردد. این شامل پاسخ به دعاها، شفا، تمهیدات لازم برای زندگی‌تان و هر وعده‌ی دیگر می‌باشد.

«عیسی پاسخ داد: 'به خدا ایمان داشته باشید.'
مرقس ۱۱: ۲۲»

«به امانت خدا قسم که سخن ما با شما 'آری' و 'نه' نبوده است. زیرا پسر خدا، عیسی‌ای مسیح، که من و سیلاس و تیموتائوس به او در میان شما موعظه کردیم، 'آری' و 'نه' نبود، بلکه در او همیشه 'آری' است.»
دوم‌قرنتیان ۱: ۱۸-۲۰»

اعتماد داشتن به تحقق وعده‌های کتاب‌مقدس توسط خدا، ایمان است. ایمان پاسخ قلب، به فیض خدا است. خدا تنها کسی است که مایحتاج و نیازهای

فرزندانش را پاسخ داده، برآورده می‌کند. تنها چیزی که به عوض از آنها انتظار دارد، اعتماد داشتن و ایمان بلاعوض ایشان است.

در گذشته، تعریف رابطه‌ی با خدا، داشتن رفتاری صحیح با او معنا می‌شد. حقیقت مستند بر پایه‌ی کتاب مقدس این است که رفتار درست از ایمانی صحیح سرچشمه می‌گیرد. هدیه‌ی پارسایی، نتیجه‌ی نگاه داشتن ادب و صحیح زندگی کردن نیست، بلکه از ایمان حاصل می‌گردد.

«موسی آن پارسایی را که بر پایه‌ی شریعت است چنین توصیف می‌کند: "کسی که اینها را به عمل آورد، به واسطه‌ی آنها حیات خواهد داشت." اما پارسایی مبتنی بر ایمان می‌گوید: "در دل خود مگو کیست که به آسمان صعود کند؟" - یعنی تا مسیح را فرود آورد- یا "کیست که به جهان زیرین نزول کند؟" - یعنی تا مسیح را از مردگان باز آورد. و در مقابل، چه می‌گوید؟ اینک "این کلام نزدیک تو، در دهان تو، و در دل توست." این همان کلام ایمان است که ما وعظ می‌کنیم، که اگر به زبان خود اعتراف کنی عیسی خداوند است و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.»

رومیان ۱۰:۵-۱۰

این دو قاعده و اصل، نقطه‌ی شروع سفر ما و رابطه‌ی ما با خدا را نشان می‌دهند. کنار زدن و روی‌گرداندن از عادات و افعال گذشته و اعتماد به او و اعمالش، نقطه‌ی عطف تمام ابعاد زندگی مسیحی ما است. اصل اولیه‌ی بعدی با جزئیات بیشتری این تغییر دورنی در زندگی پیروان عیسی را توضیح می‌دهد.

۳ دریافت تعمید

نویسنده‌ی کتاب عبرانیان «آموزش تعمیدها» را اصل بنیادین بعدی در زندگی مسیحی می‌داند. توجه داشته باشید که از حالت جمع کلمه یعنی تعمیدها استفاده شده است. بنابراین بیش از یک تعمید وجود دارد.

توضیح این قاعده گاهی اوقات مشکل است زیرا کلمه‌ی "تعمید" واژه‌ای نیست که در خارج از کتاب مقدس زیاد مورد استفاده باشد. تعمید به معنای: پوشاندن، غوطه‌ور کردن، در زیر فرو بردن، هلاک کردن به شکلی که کسی زیر آب خفه بشود و یا کشتی‌ای در زیر آب غرق گردد، است. ساده‌ترین معنی آن پوشاندن چیزی به وسیله‌ی چیز دیگری است. مثلاً اگر بگوییم در احساساتم تعمید گرفتم، به این معنی است که در احساساتم غوطه‌ور شده‌ام. یا اگر کسی کاملاً توسط برف پوشانده شده باشد، می‌توانیم بگوییم که او در برف تعمید گرفته است. با نوری که این تعریف بر دانش و درک ما می‌تاباند، باید به دفعات و جاهایی که کلمه‌ی تعمید در کتاب مقدس آمده است رجوع کنیم و به کتاب مقدس فرصت دهیم که معنی هر موقعیت را برای ما تفسیر کند. در عهدجدید حداقل چهار نوع متفاوت از غسل تعمید وجود دارد. همه‌ی آنها به غیر از یک مورد در زمان حال نیز در دسترس بوده و به زندگی شما نیز مرتبط می‌باشند.

تعمید دادن یحیی

یحیای تعمیددهنده دعوت منحصر به فردی داشت، او باید راه را برای آن مسیحی که قرار بود بیاید باز کرده، از او پیروی می‌نمود. او زمانی بر روی سن تاریخ آمد که پرده‌ی آخرین صحنه‌ی عهدعتیق فرو افتاده و اولین پرده از عهدجدید در حال اجرا بود. درباره‌ی خدمت یحیی، حتی قبل از زمان تولد او نیز صحبت شده بود.

«صدایی ندا می‌کند: 'راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و طریقی

برای خدای ما در صحرا هموار کنید.»

اشعیا ۴:۳

همچنین مراجعه شود به ملاکی باب‌های ۳ و ۴

وسعت و دامنه‌ی تعمید یحیی و حتی دعوت او محدود به دوره‌ای خاص بود، و از آن زمان به بعد دیگر ادامه نیافت و کاربردی نداشت، زیرا هدف از برگزیدگی او اشاره به عیسی بود - و عیسی مجسم گشته آمد - یحیی فرمود که دوست داماد است، و عیسی داماد می‌باشد. خدمت او می‌باید روز به روز کوچک‌تر و عیسی روز به روز بزرگ‌تر می‌گردید.

«تورات و انبیا تا زمان یحیی بود. از آن پس، به پادشاهی خدا بشارت داده

می‌شود و هرکس به جبر و زور راه خود بدان می‌گشاید.»

لوقا ۱۶:۱۶

در اعمال ۴:۱۹ پولس می‌فرماید: «تعمید یحیی، تعمید توبه بود. او به قوم می‌گفت به آن که پس از او می‌آمد ایمان بیاورند، یعنی به عیسی.»

یحیی به هرکسی که گوش شنوا داشت می‌گفت: "از گناهان خود توبه کنید، و خود را برای آمدن غیرمنتظره‌ی مسیح آماده سازید." یحیی اولین پرده بر روی صحنه‌ی عهدجدید بود و باعث شد تا تماشاچیان بر روی نقش اول نمایش، تمرکز کنند.

عیسی خود نیز توسط یحیی تعمید داده شد تا بنابر سخن خودش: «بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم.» عیسی با احترام زیادی از یحیی تمجید کرده، خدمت و جایگاه او را در برنامه‌ی نهایی خدا

تأیید کرد. او نبی عهدجدید بود، و به قول عیسی: «از پیامبر نیز برتر» بود. اگرچه دوران خدمت او به زمان بسیار دقیق و محدودی قبل از آمدن عیسی مربوط می‌شد، اما با این حال او از جایگاه خاص و قابل توجهی برخوردار بود. یحیی با اینکه ستاره‌ی این نمایش نبود، اما نقشی مهم و حیاتی ایفا کرد. او به آن بزرگتری اشاره کرد که خود حاضر بود از پس وی روانه شود. هم زندگی وی و هم دوران خدمتش، همگی به عیسای مسیح اشاره می‌کرد.

تعمید تولد دوباره (احیاء یا حیات نو)

غسل تعمید و احیای دوباره را تولد تازه، دریافت نجات، دریافت مسیح نیز می‌گویند. صرف نظر از مجموعه‌ی این اصلاحات، همه‌ی آنها به یک معنا و مفهوم اشاره می‌کنند.

«اما چون مهربانی و انسان دوستی نجات دهنده‌ی ما خدا آشکار شد، ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح القدس است.»

تیتوس ۳: ۴-۵

«زیرا همه‌ی ما، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، در

یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن را تشکیل دهیم؛ و

همه‌ی ما از یک روح نوشانیده شدیم.»

اول قرنتیان ۱۲: ۱۳

زمانی که افراد زندگی خود را تسلیم عیسای مسیح می‌کنند، او به معنای کلمه آنها را بازآفرینی و احیاء می‌کند. آن بخش از زندگی انسان که به علت گناه اولیه از خدا جدا گشته و مرده بود، جان دوباره می‌گیرد. این اتفاق تولدی روحانی است،

و به اندازه‌ی تولد یک نوزاد که پا به عرصه‌ی هستی نهاده است، واقعی می‌باشد. روح‌القدس همان است که شخصیت قدیمی ما را برچیده و شخصیت جدید را در هر ایماندار بازآفرینی می‌کند!

این غسل تعمید از بالاترین درجه‌ی اهمیت برخوردار است، زیرا تغییری که بعد از آن حادث می‌شود، تعیین‌کننده است که آیا شخص زندگی ابدی دارد یا نه. عیسی به نیکو‌دیموس که شخصی بسیار مذهبی بود فرمود: «باید از نو زاده شوید!» (یوحنا ۳: ۷) به وسیله‌ی تعمیدی که به ما تولد تازه می‌بخشد و یا جان‌مان را تازه می‌گرداند، از درون متبدل شده، خلقتی نو می‌گردیم!

تعمید با آب

پس از اینکه قلباً تصمیم گرفتید از عیسی پیروی کنید، تعمید آب، به این منظور که شهادتی عمومی باشد که زندگی شما از این پس متعلق به او بوده و دیگر از آن خود نیستید، از اهمیت بالایی برخوردار است. تعمید گرفتن در آب، ندای محراب^{۱۴} عهدجدید است. به عوض آنکه اعضا به سمت منبر بیایند و اعتراف کنند که پیروان عیسی هستند، در آن تعمید می‌گیرند. اما به طور کلی به پیش محراب آمدن، در مراسم مذهبی به نشانه‌ی احترام از جا برخاستن و یا هر اقدام فیزیکی دیگری است که تصمیم ما را علنی می‌کند.

بسیاری چارلز گرندیسون فینی (۱۷۹۲-۱۸۷۵)^{۱۵} را پدر دعوت به محراب می‌دانند. او در سال ۱۸۲۳ به عنوان شبان کلیسای پروتستان دستگذاری شد، و تا

^{۱۴}. ندای محراب یک عمل رایج در بسیاری از کلیساهای انجیلی است، و اغلب به عنوان راهی برای مردم برای پاسخ علنی به پیام انجیل استفاده می‌شود. ندای محراب زمانی است که در پایان یک مراسم کلیسا، کشیش یا سخنران از مردم دعوت می‌کند تا به جلو آمده و تعهد عمومی برای پیروی از عیسی بدهند. این تعهد می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از دعای توبه و ایمان ساده گرفته تا درخواست غسل‌تعمید یا عضویت در کلیسا و می‌تواند تجربه قدرتمندی برای کسانی باشد که شرکت می‌کنند.

^{۱۵}. Charles Grandison Finney (۱۷۹۲-۱۸۷۵)

مدت‌ها بعد از اینکه متدیست‌ها^{۱۶} دعوت به محراب را تبدیل به امری معمول و متداول کنند، دعوت به محراب را به شکل عمومی آغاز نکرد. به هر حال می‌توان گفت فینی بیش از هر کس دیگری برای جا انداختن ندای محراب به عنوان یک رویه‌ی پذیرفته شده و محبوب در کلیساهای پروتستان آمریکایی، باب کرد. او گناه‌کاران مضطرب را مرتباً به جلوی محراب فرا می‌خواند تا روی نیمکتی که نام آن را "نیمکت دل‌واپسان مشتاق" نهاده بود، بنشینند. در آنجا برای ایشان دعا شده، به طور مستقیم برای آنها موعظه می‌شد. ندای محراب یکی از "تدابیر جدید" فینی نیز بود. "او باور داشت که شبانان می‌توانند با استفاده از روش‌های درست، جان افراد را تازه کرده و ایمان آنها را احیا کنند. دعوت به محراب برای بیرون کشیدن [گناه‌کاران] از میان افراد بی‌ایمان و بی‌خدا و خواندن آنها برای دوری و کناره‌گیری از روش‌های گناه‌آلودشان، ضروری است." (داگلاس سوینی^{۱۷} و مارک راجرز^{۱۸})

معیاری که کتاب مقدس برای غسل تعمید در نظر گرفته است، دریافت تعمید در آب است. عیسی به شاگردانش گفت؛ به هر جا که می‌روند پیروان خود را تعمید دهند.

«هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که

ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد.»

مرقس ۱۶:۱۶

«پس بروید و هم‌هی قوم‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و

روح‌القدس تعمید دهید.»

متی ۱۹:۲۸

^{۱۶}. متدیست‌ها اعضای کلیسایی هستند که در سال ۱۷۳۸ توسط چارلز وسلی و جان وسلی از کلیسای پروتستان انگلستان منشعب شد. متدیست‌ها باور دارند که زندگی اجتماعی، آینده‌ی تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست مگر اینکه در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد.

^{۱۷}. Douglas Sweeney

^{۱۸}. Mark Rogers

در بیشتر موارد در عهدجدید، شخص بلافاصله بعد از تصمیم به پیروی از عیسی، تعمیم را دریافت می‌کرد. دقت داشته باشید که تعمیم آب به اندازه‌ای اهمیت دارد که شما خود آن را مهم می‌دانید. تغییرات ابتدا در قلب شما رخ می‌دهند و بعد از آن، از طریق تعمیم آب، تبدیل به علامتی دایمی می‌شوند. تعمیم به تنهایی نمی‌تواند شما را نجات بخشد.

«و آن آب نمونه‌ی تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می‌بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمیم به واسطه‌ی رستخیز عیسی مسیح شما را نجات می‌بخشد...»
اول پطرس ۳:۲۱

«آیا نمی‌دانید همه‌ی ما که در مسیح عیسی تعمیم یافتیم، در مرگ او تعمیم یافتیم؟ پس با تعمیم یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیله‌ی جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.»
رومیان ۶:۳-۴

در عهدجدید خداوند می‌فرماید تا افراد را در نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمیم دهید؛ اما همچنین می‌خوانیم که پطرس به کسانی که در اعمال رسولان ۲:۳۸ می‌خواهند از عیسی پیروی کنند، فرموده است تا در نام مسیح تعمیم گیرند. به یاد داشته باشیم که به عوض اینکه بر "فرمول" خاصی تمرکز کنیم، نتیجه از بیشترین میزان اهمیت برخوردار است.

نکته‌ی مهم دیگر مسئله‌ی سن و سال است. آیا تعمیم گرفتن در کودکی کافی است؟ عامل مهمی که در تعمیم باید به یاد داشت این است که غسل تعمیم در آب برای ایمانداران است. اگر سنتان به اندازه‌ای هست که تصمیم بگیرید تا در

تمامی مراحل زندگی‌تان از عیسی پیروی کنید، بنابراین به اندازه‌ی کافی بزرگ شده‌اید تا تعمیم را دریافت کنید. اگر پدر یا مادر و یا شخص دیگری برای شما تصمیم گرفته است که تعمیم را دریافت کنید، بنابراین آن تعمیم، تعمیدی نیست که برای ایمانداران در نظر گرفته شده باشد. اگر تعمیم به تنهایی می‌توانست انسان‌ها را نجات دهد، حتی می‌توانستیم برخلاف میل‌شان ایشان را تعمیم دهیم، تا نجات پیدا کنند. اما نجات نتیجه‌ی ایمان و تمایل به اطاعت از عیسی است و تعمیم تنها نشانه‌ی تصمیم به انجام این کار می‌باشد.

«همچنان که در راه پیش می‌راندند، به آبی رسیدند. خواجه‌سرا گفت: "بنگر، اینک آب مهیاست! آیا تعمیم گرفتن مرا مانعی است؟" [فیلیپس گفت: "اگر با تمام دل ایمان آورده‌ای، مانعی نیست." خواجه‌سرا گفت: "ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست."] پس خواجه‌سرا دستور داد ارا به را نگاه دارند، و فیلیپس و خواجه‌سرا، هر دو به آب درآمدند و فیلیپس او را تعمیم داد.»
اعمال رسولان ۸: ۳۶-۳۸

تعمیم روح

در دو مورد ذکر شده در کتاب اعمال رسولان به قلم لوقا، او بین تعمیم در آب و تعمیم روح‌القدس تمایز قایل شده است که بسیار جالب و قابل توجه است. او در کتاب اعمال رسولان باب ۸ می‌فرماید:

«اما چون به بشارت فیلیپس درباره‌ی پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمیم یافتند. حتی شمعون نیز ایمان آورد و پس از تعمیم یافتن پیوسته فیلیپس را همراهی می‌کرد و از دیدن آیات و معجزات عظیم که به ظهور می‌رسید، غرق در حیرت بود. چون رسولان در اورشلیم آگاه شدند

که سامریان کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. آن دو به سامره آمده، برای ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، زیرا هنوز بر هیچ يك از ایشان نازل نشده بود، بلکه تنها به نام عیسای خداوند تعمید یافته بودند و بس. پس پطرس و یوحنا دست‌های خود را بر آنان نهادند و ایشان روح‌القدس را یافتند.»

اعمال رسولان ۱۲:۸-۱۷

لوقا بین دو واقعه‌ی تعمید و تولد تازه در زمانی که آنها ایمان آوردند در آیه‌ی ۱۲، و پس از ایمان آوردن شمعون در آیه‌ی ۱۳ و تعمید گرفتنش در آب، تمایز قابل شده است. دریافت تعمید روح‌القدس پس از آنکه رسولان بر روی آنها دست گذاردند، در آیات ۱۴-۱۷ اتفاق می‌افتد. تفاوتی که بین این تجربیات وجود دارد کاملاً روشن و واضح است. تمایز مشابهی بین این دو تجربه در اعمال رسولان باب ۱۹ نیز مشاهده می‌شود.

«و اما هنگامی که آپولس در قُرْنُتُس بود، پولس پس از گذر از نواحی مرتفع مرکزی، به افسُس رسید. در آنجا شاگردانی چند یافت و از ایشان پرسید: "آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح‌القدس را یافتید؟" گفتند: "ما حتی نشنیده‌ایم که روح‌القدس هست." به ایشان گفت: "پس چه تعمیدی یافتید؟" گفتند: "تعمید یحیی." پولس گفت: "تعمید یحیی، تعمید توبه بود. او به قوم می‌گفت به آن که پس از او می‌آمد ایمان بیاورند، یعنی به عیسی." چون این را شنیدند، در نام خداوند عیسی تعمید گرفتند. و هنگامی که پولس دست بر آنان نهاد، روح‌القدس بر ایشان آمد، به گونه‌ای که به زبان‌های غیر سخن گفتند و نبوت کردند.»

اعمال رسولان ۱۹:۱-۶

در این باب، در آیه‌ی پنج بین تولد تازه و دریافت تعمید در نام عیسی‌ی مسیح، و در ادامه به شکلی مجزا دست‌گذاری شدن برای دریافت روح‌القدس، تمایز زیادی وجود دارد.

توجه داشته باشید که صحبت به زبان‌ها و نبوت‌ها، همگی بعد از تعمید روح‌القدس حادث شدند. همه‌ی ایمانداران می‌توانند و باید انتظار تجربه‌ای مشابه آنچه در کتاب‌مقدس بیان شده است، داشته باشند.

عیسی در آخرین روزهای زندگی‌اش بر روی زمین، زمان زیادی را صرف صحبت کردن و تعلیم دادن درباره‌ی روح‌القدس کرد. او تصمیم داشت برای ما مشاور و وکیل مدافعی بفرستد تا ما را یاری رسانده، قدرت و توان ببخشد. روح‌القدس تسلی‌دهنده، مشاور، مددکار، معلم و رفع‌کننده و کمک‌کننده‌ی بسیاری دیگر از نیازها و احتیاجات ما است. عیسی به شاگردان فرمود که روح‌القدس تمام فرمایشات او را به یاد ایشان خواهد آورد.

می‌توان ساعت‌ها و ساعت‌ها صرف توضیح اعمال روح‌القدس کرد، زیرا او در مقام مشابهی با دو شخص دیگر تثلیث قرار داشته، به همان شکل که پدر و عیسی خدا هستند، خدا است. بهتر است به عوض اینکه تنها توضیحات را درباره‌ی او بخوانید، شخصاً او را تجربه کنید:

«اما چون روح‌القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.»
اعمال‌رسولان ۱:۸

«مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید.»
افسیان ۵:۱۸

در کتاب اعمال رسولان موارد متعددی مبنی بر اینکه افراد تعمید گرفته‌اند و یا از روح القدس پرگشته‌اند، ذکر شده است و در همه‌ی موارد، افراد بعد از تعمید یا پری روح، خدمت نمودن به عیسی را آغاز نمودند.

«که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر يك از ایشان قرار گرفت.»

اعمال رسولان ۲:۲-۴

پطرس به جماعت حاضر توضیح می‌دهد که این تحقق نبوت یوئیل نبی در عهدعتیق می‌باشد. او زمانی را پیشگویی کرد که خدا روح خود را بر همه خواهد ریخت.

«پس از آن، روح خود را بر تمامی بشر فرو خواهم ریخت؛ پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران تان خواب‌ها و جوانان تان رؤیاها خواهند دید. نیز در آن روزها حتی بر غلامان و کنیزان، روح خود را فرو خواهم ریخت.»

یوئیل ۲:۲۸-۲۹

رویدادی بسیار مشابه را در اعمال رسولان باب ۱۰ در ارتباط با ایمانداران غیریهودی مشاهده می‌کنیم. پطرس برای آنها از عیسی مسیح وعظ می‌کند و روح القدس بر ایشان درست همان طور که قبلاً بر ایمانداران یهودی قرار گرفته بود، نازل می‌شود.

«پطرس هنوز سخن می‌گفت که روح القدس بر همه‌ی آنان که پیام را می‌شنیدند، نازل شد. شماری از ایمانداران یهودی نژاد که همراه پطرس آمده بودند، چون

دیدند روح القدس حتی بر غیریهودیان نیز فرو ریخته است، در حیرت افتادند. زیرا شنیدند که ایشان به زبان‌های غیر سخن می‌گویند و خدا را می‌ستایند. آنگاه پطرس گفت: 'حال که اینان روح القدس را درست همانند ما یافته‌اند، آیا کسی می‌تواند از تعمیدشان در آب مانع گردد؟' پس دستور داد ایشان را در نام عیسای مسیح تعمید دهند. آنگاه از پطرس خواستند چند روزی با ایشان بماند.»
اعمال رسولان ۱۰: ۴۴-۴۸

صحبت کردن به زبان‌ها

صحبت کردن به زبان‌ها همیشه بخش بحث‌برانگیز مسیحیت مدرن بوده است. از آنجایی که پطرس، حواریون، مریم مادر عیسی، پولس رسول و تقریباً همه‌ی شخصیت‌های برجسته‌ی عهدجدید توانایی صحبت به زبان‌ها را داشتند، در کلیسای اولیه این موضوع چندان مسئله‌ی جنجال‌برانگیزی نبود. در کتاب اعمال رسولان پنج روایت از تعمید آمده است که در سه مورد از آنها صحبت به زبان‌ها مستقیماً ذکر شده و دو مرتبه خواننده در می‌یابد که تلویحاً به آن اشاره شده است.

✓ اعمال رسولان ۲: ۲-۴ صحبت به زبان‌ها.

✓ اعمال رسولان ۸: ۱۴-۱۷ تلویحاً برداشت شده است زیرا «دیده شد» آمده است.

✓ اعمال رسولان ۹: ۱۷-۱۸ تلویحاً برداشت شده و بعداً توسط خود پولس (اول قرنتیان ۱۴: ۱۴-۱۸) تأیید شد که پولس به زبان‌ها صحبت کرده است.

✓ اعمال رسولان ۱۰: ۴۴-۴۸ صحبت به زبان‌ها.

✓ اعمال رسولان ۱۹: ۱-۷ صحبت به زبان‌ها.

کلیسای پر از روح القدس، تعریف ثابت یک جامعه‌ی ایماندار با عقاید درست مسیحی از گذشته بوده و هنوز نیز هست. فقط به این دلیل که اشخاصی از عطیه‌ی زبان‌ها سوءاستفاده کرده‌اند، مانند اتفاقی که برای کلیسای قرن‌تین افتاد، نمی‌توان

صحبت به زبان‌ها را به عنوان یک تجربه‌ی معتبر و مؤثر کتاب مقدسی، رد کرد. درست است که صحبت به زبان‌های دیگر، نشانه‌ی پر شدن شخص از روح القدس است، اما موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد که گواه بر غنای روح می‌باشند. به عنوان ایماندارانی که از روح القدس پر گشته است، از عطایای روح برخوردار گشته‌اید و این توانایی به شما داده شده است تا برای سایرین شاهدینی تأثیرگذار باشید.

تولد دوباره شما را از درون متحول ساخته و تغییر می‌دهد، در حالی که پر شدن از روح، شما را به کلی دگرگون می‌سازد. من شخصاً بعد از اینکه از خدا درخواست کردم که مرا توسط روح القدس پر کند، تغییر شخصیت و خلق و خو را تجربه کردم.

روح القدس که کتاب مقدس را از طریق انسان‌ها مکتوب ساخت، خود طراوت و تازگی را به ساعات مطالعه‌ی کلام، برای شما، می‌بخشد. او احساس نزدیکی و قربات حضور خدا را در زندگی شما با خود به ارمغان می‌آورد. شخصی گفت: "ما با احساساتمان تغذیه نمی‌شویم، اما خوب است که بعضی وقت‌ها احساس کنید که چه چیزهایی در زندگی شما را تغذیه می‌کند."

هرکسی که به عیسای مسیح ایمان داشته باشد، می‌تواند عطای روح القدس را دریافت کند. در واقع، تمامی ایمانداران بعد از تولد تازه، تا حدی از روح القدس بهره‌مند می‌شوند، اما اینکه بتوان به کلی از روح پر شد، تجربه‌ای بی‌مانند و فوق‌العاده است. شما او را به عنوان نشانه‌ای بر بلوغ روحانی خود دریافت نمی‌کنید. بلکه او همچون هدیه‌ای به هرکسی که طالب به دست آوردن او باشد، بخشیده می‌شود.

«پس به شما می‌گویم، بخواهید که به شما داده خواهد شد؛ بجوید که خواهید یافت؛ بکوبید که در به رویتان گشوده خواهد شد. زیرا هر که بخواهد، به دست آورد؛ و هر که بجوید، یابد؛ و هر که بکوبد، در به رویش گشوده شود. کدام يك

از شما پدران، اگر پدرش از او ماهی بخواهد، ماری بدو می‌بخشد؟ یا اگر تخم مرغ بخواهد، عقربی به او عطا می‌کند؟ حال اگر شما با همه‌ی بدسیرتی‌تان می‌دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی شما روح‌القدس را به هر که از او بخواهد، عطا خواهد فرمود.»

لوقا ۱۱: ۹-۱۳

از خدا بخواهید تا شما را در روح تعمید دهد و انتظار داشته باشید که دعای‌تان به زبان جدیدی انجام شود؛ و همچنین بیش از آنچه تصورش را می‌کردید به خدا نزدیک شوید. عیسی زنده است و روح‌القدس تصمیم دارد این را به اثبات برساند!

(۴) برکات را با سایرین سهیم شوید

چهارمین حقیقت بنیادین اولیه‌ای که نویسنده‌ی کتاب عبرانیان ذکر کرده است، مسئله‌ای است که شاید بسیاری از ما هرگز درباره‌اش چیزی نشنیده باشیم و آن چیزی نیست جز: دست‌گذاری کردن. اگرچه زمانی عملی بسیار متداول بوده است، اما تعلیمی نیست که خیلی‌ها آن را به عنوان تعلیم بنیادین ایمان بدانند. بدیهی است که در نظر خدا جایگاهی بسیار مهمتر از آنچه ما به آن داده‌ایم، دارد. دست‌گذاشتن در عبرانیان باب شش ذکر شده است؛ "دست‌گذاری مراسم مقدسی بود که از یهودیان به مسیحیان منتقل شد و شامل دعا برای سایرین، اعطای برکات الهی، بخصوص سلامتی جسمانی و یا به جهت دریافت روح‌القدس (در زمان انجام تعمید و یا تأیید معلمان، خادمان کلیسا و یا شبانان) صورت می‌گرفت." به بیان ساده‌تر، صرفاً روشی برای انتقال برکات و عطایا از یک شخص به شخصی دیگر است.

در عهدعتیق از دست‌گذاری برای جانشینی و یا جایگزینی اشخاص استفاده می‌شد. در کنار آنچه گفته شد این را نیز اضافه کنید که هرآنچه انسان از خدا دریافت کرده است را می‌توان از طریق گذاشتن دست‌ها، انتقال داد.

بر روی بز عزازیل قبل از اینکه برای حمل گناهان به بیابان رهایش کنند، دست گذاشته می‌شد تا به شکلی سمبلیک و نمادین گناهان قوم بر حیوان منتقل شود.

«پس از آنکه هارون از به جا آوردن کفّاره برای قُدس، خیمه‌ی ملاقات و مذبح فارغ شد، بز زنده را بیاورد. هارون دو دست خود را بر سر بز زنده بنهد، و بر آن به تمامی تقصیرات بنی‌اسرائیل و همه‌ی نافرمانی‌های‌شان، یعنی به تمامی گناهان آنها اعتراف کند. او این همه را بر سر بز بگذارد، و بز را به دست شخصی آماده، به بیابان روانه سازد.»

لاویان ۱۶: ۲۰-۲۲

گاهی اوقات قبل از اینکه بزرگتر خانواده‌ای فوت کند، دستانش را روی بچه‌ها قرار می‌داد تا ایشان را برکت دهد. کتاب مقدس پر است از مثال‌های بیشتری از دست‌گذاری‌های متعدد دیگر. در زیر چند نمونه آورده شده است:

«و یوشع پسر نون پر از روح حکمت بود، از آن رو که موسی دستان خود را بر وی نهاده بود. پس بنی‌اسرائیل از او اطاعت می‌کردند و مطابق آنچه خداوند به موسی فرمان داده بود، عمل می‌نمودند.»

تثنیه ۳۴: ۹

«او باید دست خود را بر سر قربانی تمام‌سوز بگذارد، و برایش مقبول خواهد افتاد تا به جهت او کفّاره کند.»

لاویان ۱: ۴

«و دست‌ها بر بیماران خواهند نهاد و آنها شفا خواهند یافت.»

مرقس ۱۶: ۱۸

«آن دو به سامره آمده، برای ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند، زیرا هنوز بر هیچ‌یک از ایشان نازل نشده بود، بلکه تنها به نام عیسای خداوند تعمیم یافته بودند و بس. پس پطرس و یوحنا دست‌های خود را بر آنان نهادند و ایشان روح القدس را یافتند. چون شمعون دید که با دست نهادن رسولان روح القدس عطا می‌شود، مبلغی پیش آورد و به رسولان گفت: 'به من نیز این اقتدار را ببخشید تا بر هر که دست بگذارم، روح القدس را بیابد.' پطرس گفت: 'زرت با خودت نابود باد! زیرا پنداشتی عطای خدا را می‌توان با پول خرید!'»

اعمال رسولان ۱۵:۸-۲۰

«به آن عطایی که در توست بی‌اعتنایی مکن، عطایی که به واسطه‌ی نبوت یافتی، آنگاه که هیئت مشایخ بر تو دست گذاشتند.»

اول تیموتائوس ۴:۱۴

«این مردان را نزد رسولان حاضر کردند و رسولان دعا کرده، بر ایشان دست گذاشتند.»

اعمال رسولان ۶:۶

«هنگامی که ایشان در عبادت خداوند و روزه به سر می‌بردند،

روح القدس گفت: "برنابا و سوُس را برای من جدا سازید، به جهت کاری که ایشان را بدان فرا خوانده‌ام." آنگاه، پس از روزه و دعا، دست بر آن دو نهاده، ایشان را روانه‌ی سفر کردند.»

اعمال رسولان ۱۳:۲-۳

در کتاب مقدس از دست‌گذاری برای انتقال برکت، شفا و انتقال عطایای روحانی و مواردی از این قبیل استفاده شده است. دست گذاشتن نشانه‌ی ارزش و

احترام شما به فردی است که به او عطیه‌ای را می‌بخشید. والدین دارای توانایی بی‌مانند و منحصر به فرد برای دست‌گذاری بر فرزندان‌شان هستند. گری اسمالی^{۱۹} و جان ترنت^{۲۰} در کتاب‌شان تحت عنوان "برکت"^{۲۱}، برکتی که از طرف والدین به کودکان عطا می‌شود را (لمس معنادار، پیغامی صوتی که از ارزش بالایی برخوردار است، در حالی که آینده‌ای خاص را به تصویر می‌کشد و عهدی است که همیشه فعال و پابرجا است.) این‌گونه توصیف کرده‌اند. این انتخاب والدین و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های است که آن را از کودکان دریغ کنند، و یا نوه‌ها و کودکان خود را برکت دهند.

همچنین خاصیت درمانی لمس کردن مدت‌ها است که توسط جامعه‌ی پزشکی تأیید شده است. "حس لمس شدن یکی از ضروری‌ترین عناصر رشد انسان، روش برقراری ارتباط عمیق، بخشی حیاتی و مهم در سلامت و رشد نوزادان و همچنین نیروی شفابخش و قدرتمندی است."^{۲۱} (بالبی ۱۹۵۲؛ هارلو ۱۹۷۱؛ مقاله‌ای بر اهمیت لمس کردن ۱۹۸۶، لمس کردن یا نکردن مسئله این است: مروری بر افسانه‌ی ممنوعیت لمس در روان‌درمانی و مشاوره ۲۰۱۱)

مطالعاتی نیز بر روی افرادی که از تماس انسانی محروم بوده‌اند، برای نشان دادن تأثیرات منفی و مخرب فقدان لمس شدن، انجام گرفته است. از آنجایی که این مسئله از بعد فیزیکی تأیید شده و از اهمیت زیادی برخوردار است، دست‌گذاری و لمسی که با نیت قلبی برای انتقال برکت از جانب خدا انجام می‌شود، تا چه میزان بر زندگی معنوی اشخاص می‌تواند تأثیر بیشتری بگذارد!

^{۱۹}. Gary Smalley

^{۲۰}. John Trent

^{۲۱}. The Blessing

۵) در حیات غرق شوید

رستاخیز مردگان اصل اولیه‌ی دیگری است که ریشه در ابدیت و حیات ابدی دارد. پولس در دوم‌قرن‌تیمان ۱:۵-۴ به کلیسای قرن‌تیمان می‌فرماید:

« اینك می‌دانیم هرگاه این خیمه‌ی زمینی که در آن سکونت داریم فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته به دست و جاودانه در آسمان. و براستی که در این خیمه آه می‌کشیم، زیرا مشتاق آنیم که مسکن آسمانی خود را در بر کنیم، چرا که با در بر کردنش، عریان یافت نخواهیم شد. زیرا تا زمانی که در این خیمه هستیم با گرانباری آه می‌کشیم، چون نمی‌خواهیم جامه از تن به در کنیم، بلکه جامه‌ای دیگر به تن کنیم، تا فانی غرق حیات شود.»

غرق شدن در حیات، روشی خوش‌بینانه و امیدوارانه برای فکر کردن و نظر کردن به مرگ است.

عیسی در یوحنا ۳:۱۷ برای ما تعریفی روشن و واضح از حیات ابدی ارائه داده است: «و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی‌مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند.» زندگی ابدی به معنی برای همیشه زیستن است، اما همچنین به معنای خدمت به خدا و انجام وظایف‌مان نیز می‌باشد. همچنین شامل شناخت و پیوند مجدد با او نیز می‌باشد. آدم و حوا زمانی که مرتکب گناه شدند، از خدا جدا گشتند.

حیات ابدی شناخت خدا است، در حالی که بهترین توصیفی که از مرگ می‌توان کرد، جدایی از خدا می‌باشد. مرگ روحانی زمانی رخ می‌دهد که از بُعد روحانی از خدا جدا شوید؛ و مرگ فیزیکی زمانی رخ می‌دهد که جدایی از بدن جسمانی رخ دهد، حتی اگر جان و روح همچنان زنده و آگاه باشند. مرگ ابدی

ورود به ابدیت است. در زمانی که مرگ جسمانی بدون شناخت خدا رخ دهد، در نتیجه جدایی از او همیشگی خواهد بود.

«او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر

خواهد داد. جزای ایشان هلاکت جاودانی از حضور

خداوند و از جلال قدرت او خواهد بود.»

دوم تسالونیکیان ۱: ۸-۹

این اصل ابتدایی، میزان اهمیت پیام نجات‌بخش انجیل و زندگی ابدی را تقویت می‌کند. روزی می‌آید که همه بالاخره برای همیشه در جایی زندگی می‌کنند. کتاب مقدس به ما تعلیم نمی‌دهد که پس از مرگ از عرصه‌ی هستی محو می‌شویم (فناگرایی)^{۲۲} و یا در هیبت و هیکل شخص و یا موجودی دیگر (تناسخ) دوباره به این جهان باز می‌گردیم. در زمان رستاخیز ایلعازر از مردگان عیسی امیدواری عمیقی به ما بخشید، او این‌گونه فرمود: «...قیامت و حیات مَنم. آنکه به من ایمان آورَد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. و هرکه زنده است و به من ایمان دارد، به یقین تا به ابد نخواهد مرد؛ آیا این را باور می‌کنی؟» (یوحنا ۱۱: ۲۵-۲۶). حتی زمانی که بدن فانی ما بمیرد، ما می‌توانیم تا ابد زندگی کنیم زیرا مرگ جسمانی پایان کار نیست. پولس تغییراتی که باید در ما رخ دهد را هنگام نوشتن نامه‌ی به قرنتیان توضیح می‌دهد. او فرمود که ما باید این‌گونه حرکت کنیم:

✓ از فسادپذیر به فسادناپذیر

✓ فانی به نامیرا

✓ بی‌عزت به باعزت

✓ طبیعی به روحانی

^{۲۲} Annihilationism یا فناگرایی در مسیحیت، باور به این است که پس از روز قیامت، تمام انسان‌ها و فرشتگان ساقط شده از جمله شیطان کاملاً نابود و سوخته می‌شوند، هوشیاری آنها به جای رنج بردن ابدی در جهنم خاموش خواهد شد.

«اما شاید کسی پرسد: "مردگان چگونه بر می‌خیزند و با چه نوع بدنی می‌آیند؟" چه سؤال ابلهانه‌ای! آنچه می‌کاری، تا نمیرد زنده نمی‌شود. هنگامی که چیزی می‌کاری، کالبدی را که بعد ظاهر خواهد شد نمی‌کاری، بلکه تنها دانه را می‌کاری، خواه گندم خواه دانه‌های دیگر. اما خدا کالبدی را که خود تعیین کرده است، بدان می‌بخشد و هر نوع دانه را کالبدی مخصوص به خود عطا می‌کند. همه‌ی جسم‌ها یکی نیستند. آدمیان را یک نوع جسم است، حیوانات را نوعی دیگر، و پرندگان را نوعی دیگر؛ ماهی‌ها نیز دارای نوعی دیگر از جسم‌اند. به همین سان، کالبدهای آسمانی وجود دارد و کالبدهای زمینی. اما جلال کالبدهای آسمانی از یک نوع است و جلال کالبدهای زمینی از نوعی دیگر. خورشید جلال خاص خود را دارد، ماه جلالی دیگر، و ستارگان نیز جلالی دیگر؛ جلال هر ستاره نیز با جلال ستاره‌ی دیگر متفاوت است. در مورد رستاخیز مردگان نیز چنین است. آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر. در ذلت کاشته می‌شود، در جلال بر می‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قوت بر می‌خیزد. بدن طبیعی کاشته می‌شود، بدن روحانی بر می‌خیزد. اگر بدن طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود دارد. چنانکه نوشته شده است: «انسان اول، یعنی آدم، موجود زنده گشت»؛ آدم آخر، روح حیات بخش شد. ولی روحانی اول نیامد بلکه طبیعی آمد، و پس از آن روحانی. انسان اول از زمین است و خاکی؛ انسان دوم از آسمان است. هر آنچه انسان خاکی واجد آن بود، در خاکیان نیز وجود دارد؛ و هر آنچه انسان آسمانی داراست، در آسمانیان نیز یافت می‌شود. و همان‌گونه که شکل انسان خاکی را به خود گرفتیم، شکل انسان آسمانی را نیز به خود خواهیم گرفت.»

اول‌قرنتیان ۱۵: ۳۵-۴۹

مسیحیان این امید شادی‌بخش را دارند که برای همیشه همراه با مسیح در ابدیت زندگی کنند. اگر قبل از بازگشت دوباره‌ی عیسی بدن‌های فیزیکی ما بمیرد،

در آن زمان مبارک، جسم‌مان مبدل خواهد شد. اگر زمانی که او می‌آید ما نیز در قید حیات باشیم، بدن‌های ما هم دگرگون می‌شود.

«ای عزیزان، اینک فرزندان خدا ایم، ولی آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. اما می‌دانیم آنگاه که او ظهور کند، مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید. هر که چنین امیدی بر وی دارد، خود را پاك می‌سازد، چنانکه او پاك است.»
اول یوحنا ۳:۲-۳

۶) برای ابدیت آماده شوید

درک واژه و ایده‌ی ابدیت برای ذهن انسان، غیرممکن است. ما تنها می‌توانیم به شکل متناهی با یک شروع مشخص و پایانی محدود و معین، فکر کنیم. تفکر در چیزهایی که نامیرا و ابدی هستند، و یا جاودانه بودن چیزی، برای اذهان فانی ما، ایده‌ی سختی است.

«او هر چیز را در وقتش زیبا ساخته است. نیز ابدیت را در دل‌های ایشان نهاده است، بی‌آنکه بتوانند آغاز و انجام کار خدا را دریابند.»
جامعه ۱۱:۳

فرقی نمی‌کند که با خدا رابطه دارید یا خیر، شما در هر حال در جایی برای همیشه زندگی خواهید کرد. این آیه با استفاده از عنوان «داوری جاودانی» به تشریح این ایده می‌پردازد. دیدگاهی که اغلب نسبت به کلمه‌ی قضاوت وجود دارد، دیدگاهی منفی است. به بیان ساده‌تر می‌توان آن را اعلام حقیقت در ارتباط با یک موقعیت خاص توصیف کرد. معادل یونانی کلمه‌ی قضاوت Krisis می‌باشد. این واژه به معنای اول فاصله گرفتن و سپس تصمیم‌گیری کردن است. همچنین معانی

تأیید و توجیه کردن را نیز در خود دارد. کتاب مقدس از ما می‌خواهد تا در زمان قضاوت، هشیار و صادق باشیم. به معنای دیگر یعنی همواره تلاش کنیم تا حقیقت را در ارتباط با یک موقعیت، نمایان سازیم.

این اصل بنیادین صرفاً این حقیقت را پررنگ می‌سازد که همه یا ابدیت را با خدا سپری خواهند کرد و یا به دور از وی. ابدیت شما بر اساس پاسخ‌تان به عیسای مسیح و قبول هدیه‌ی رایگان نجات، مورد داوری قرار می‌گیرد. کتاب مقدس انواع داوری‌ها را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند:

داوری گناه ایمانداران

این اتفاق زمانی به اتمام رسید که عیسی بر صلیب رفت تا توان گناهان جهان را بپردازد. زمانی که شخص تولد دوباره را تجربه می‌کند، گناهان و عصیان‌های گذشته‌اش مورد چنین قضاوتی قرار می‌گیرند. تمامی خطاهای وی برای همیشه ناپدید شده فراموش می‌شوند، زیرا عیسی به عوض ما و به خاطر ما، داوری الهی را پذیرفته است.

«آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر که کلام مرا به گوش گیرد و به فرستنده‌ی من ایمان آورد، حیات جاویدان دارد و به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است.»

یوحنا ۵: ۲۴

«هر که به او ایمان دارد محکوم نمی‌شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه‌ی خدا ایمان نیاورده است.»

یوحنا ۳: ۱۸

گناهان برخی آشکار است و پیشاپیش آنها به کام داوری می‌شتابد، اما گناهان برخی دیگر از پی آنها می‌آید.
اول تیمو تائوس ۵: ۲۴

داوری شخص ایماندار توسط خودش

ایمانداران باید در برابر خداوند در ارتباط با وضعیت روحانی‌شان فروتن و صادق باشند. اول قرن‌تینان ۱۱: ۳۱-۳۲ می‌فرماید: «اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، بر ما حکم نمی‌شد. پس آنگاه که خداوند بر ما حکم می‌کند، تأدیب می‌شویم تا با دنیا محکوم نگردیم.»

تعریف ساده‌ی داوری نفس، می‌تواند صادق بودن در برابر خداوند در ارتباط با هر گناه و یا شورشی باشد که برای ایمانداران مقدر بوده است که از آن دوری کنند. در عهدعتیق داود پس از ارتکاب به گناه، در حضور خدا دعا کرده به خود یادآور شد که خدا خواستار «...راستی در قلب» است. (مزامیر ۵۱: ۶)

در عهدجدید به ما گفته شده است تا خود را بیازماییم تا مشخص شود که آیا واقعاً ایمان داریم و یا درگیر خودفریبی گشته‌ایم. پولس در دوم‌قرن‌تینان ۳: ۱۱-۱۵ می‌فرماید: «خود را بیازمایید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه. خود را محک بزیند. آیا در نمی‌یابید که عیسای مسیح در شماست؟ مگر آنکه در این آزمایش مردود بشوید!»

داوری اعمال ایمانداران

ما به فیض از طریق ایمان نجات یافته‌ایم. به ما حیاتی نو بخشیده شده است و به همراه این زندگی تازه، مسئولیتی نیز بر دوش‌هایمان قرار گرفته است و آن چیزی نیست جز اشتراک آن با دیگران. پس از بازگشت عیسی، همه‌ی ما باید درباره‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی خود از این هدیه‌ی رایگان و اعتمادی که به ما در یاری

رساندن دیگران شده است، جواب گو باشیم. (همچنین رجوع شود به دوم قرنتیان ۱۰:۵؛ عبرانیان ۹:۲۸؛ و اول قرنتیان ۳:۱۱-۱۵)

آنچه ما در این دنیا در ارتباط با اطاعت روح القدس و کلام خدا انجام داده‌ایم، تعیین کننده‌ی وضعیت ما در ابدیت خواهد بود. بعضی نجات را دریافت کرده، اما از پاداش بی بهره خواهند ماند. کتاب مقدس انواع «تاج» و یا پاداش را که بر اساس انگیزه‌ی دل انسان به او عطا می‌شود، فهرست می‌کند. نکته‌ی قابل توجه این است که دلیل انجام کار از خود عمل، مهمتر می‌باشد.

✓ تاج حیات - یعقوب ۱:۱۲

✓ تاج غیرفانی - اول قرنتیان ۹:۲۴-۲۷

✓ تاج افتخار - اول تسالونیکیان ۲:۱۹-۱۲۰

✓ تاج پارسایی - دوم تیموتائوس ۴:۵-۸

✓ تاج جلال - اول پطرس ۵:۲-۴

احتمالاً اینها تنها پاداش‌هایی نیستند که عطا می‌شوند. اینکه ماهیت دقیق آنها چیست، ذکر نشده است. اما می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که برای زمان، عطیه و گنجی که به ما سپرده شده است، پاسخ گو خواهیم بود.

داوری شریران در برابر تخت سفید

«آنگاه تخت بزرگ و سفیدی دیدم، و کسی را که بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او می‌گریختند و جایی برای آنها نبود. و مردگان را دیدم، چه خُرد و چه بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شد. دفتری دیگر نیز گشوده شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند. دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهان مردگان نیز مردگان خود را پس دادند، و هرکس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد. و مرگ و جهان مردگان

به دریاچه‌ی آتش افکنده شد. دریاچه‌ی آتش، مرگ دوم است. و هر که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود، به دریاچه‌ی آتش افکنده شد.

مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵

رخدادهای زمان‌های آخر

در اعمال رسولان باب یک، شاگردان از عیسی پرسیدند که آیا زمان برپایی پادشاهی ایام آخر و حکومت بر روی زمین فرا رسیده است یا خیر. عیسی به آنها می‌فرماید تا در عوض تفکر به مسائلی از این قبیل، بر مأموریتی که دارند تمرکز کنند؛ و آن رساندن خبرخوش پیام انجیل به جهانیان است. او همچنین یادآور شد که دانستن زمان‌ها و فصولی که خدای پدر تعیین کرده است، کار آنها نمی‌باشد. (اعمال رسولان ۱: ۶-۸)

با وجود جواب محکم و قاطعی که عیسی به شاگردان داد، بسیاری از مسیحیان نیز مانند حواریون هستند، آنها «به آسمان چشم دوخته‌اند» و در تلاش هستند بفهمند که چه اتفاقی قرار است، بیافتد. گفته شده است که اطلاعات مربوط به ایام آخر در کتاب دانیال تا رسیدن آن ایام، مهر و موم و مخفی شده است. (دانیال ۴: ۱۲)

در طی تاریخ کلیسا دیده شده است زمانی که در مورد موضوعاتی مانند الوهیت عیسی، تثلیث اقدس، و مسائلی از این دست اختلاف نظری به وجود می‌آید، شورای کلیسا برای مطالعه و تصمیم‌گیری در ارتباط با آن اصل و بنیان تشکیل می‌شد. هرگز هیچ شورایی به جهت تصمیم‌گیری برای وحدت بخشیدن تعالیم آخرالزمانی تشکیل نشده است. این موضوع عامل گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های زیادی میان ایمانداران به کتاب مقدس شده است. ایماندارانی که عیسی را دوست می‌دارند، در ارتباط با چگونگی به وقوع پیوستن زمان‌های آخر اختلاف نظر دارند.

در فرهنگ مدرن و معاصر ما نیز بحث‌ها و نوشته‌های بسیاری در ارتباط با بهشت و ابدیت وجود دارد. جان لنون^{۲۳} در سال ۱۹۷۱ چنین ترانه‌ای نوشت:

"تصور کن بهشتی نیست، انجامش ساده است اگر واقعا بخواهی
زیر پاهایمان جهنمی نیست، فقط آسمان بالای سرمان است
تصور کن همه‌ی مردم فقط در حال زندگی می‌کنند..."

استیون هاکنینگ^{۲۴} فیزیکدان نظری که در سطح جهانی مشهور است، در نظریه‌ی خود از جهان هستی و کیهان، جایی برای بهشت نتوانست بیابد. او در مصاحبه‌ای که در روزنامه‌ی گاردین^{۲۵} منتشر شد اظهار داشت که مغز انسان مانند رایانه‌ای است که وقتی اجزا از کار بیافتد، آن نیز از کار خواهد افتاد. "برای یک کامپیوتر خراب هیچ بهشت یا زندگی پس از مرگی وجود ندارد؛ بهشت و جهنم تنها داستانی است برای کسانی که از تاریکی می‌ترسند." (برگرفته شده از فاکس نیوز^{۲۶} اردی. ۲۶. ۱۳۹۰) عیسی بر خلاف نظر استیون هاکنینگ و جان لنون فرموده است:

«دل شما مضطرب نباشد. به خدا ایمان داشته باشید؛ به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه‌ی پدر من منزل بسیار است، و گرنه به شما می‌گفتم. می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم. و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم، باز می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید.»

یوحنا ۱۴:۱-۴

^{۲۳}. John Lennon

^{۲۴}. Stephen Hawking

^{۲۵}. Guardian newspaper

^{۲۶}. Fox News

این جمله‌ی امیدبخش عیسی معروف است به: عظیم‌ترین قولی که در تاریخ تا به حال؛ توسط عظیم‌ترین کسی که بر زمین زندگی کرده است؛ درباره‌ی عظیم‌ترین مکانی که تا به حال مجسم شده؛ به بشریت داده شده است.

عیسی در این وعده چند مطلب جالب توجه درباره‌ی ابدیت فرموده است:

(۱) او در آنجا ما را در کنار خود می‌خواهد.

(۲) برای ما در ابدیت جایی مختص به خودمان وجود دارد.

(۳) او می‌آید تا ما را با خود ببرد.

چهار بنیان الهیاتی مسیحی در ارتباط با ایام آخر عبارتند از:

✓ دیسپنساسیونالیسم^{۲۷} پیش‌هزارگی - تأکید بر فصول یا دوره‌هایی که خدا توجه‌ی خاص خود را معطوف بیهودیان و یا امت‌ها می‌کند.

✓ هزاره‌گرایی - منظور هزاره‌ی جدید نیست. به هزاره‌ای اشاره دارد که عیسی بر روی زمین حکومت و سلطنت می‌کند. این نظریه معتقد است که الحال با وجود روح‌القدس در میان ما، ما در این هزاره زیست می‌کنیم.

✓ پس‌هزاره‌گرایی - باور دارد که عیسی پس از ۱۰۰۰ سال صلح و ثبات بر روی زمین در وضعیتی که خود انسان‌ها آماده‌ی تسلیم نظام اجتماعی و فرهنگ-شان به مسیح هستند، ظاهر می‌شود.

✓ پیش‌هزاره‌گرایی - معتقد است که عیسی قبل از هزاره باز خواهد گشت، اما تجربه‌ی ربوده شدن کلیسا قبل از مصیبت عظیم برای اینکه با خداوند باشد را رد می‌کند (که زمان داوری زمین می‌باشد).

زمان زیادی را می‌توان صرف بحث درباره‌ی نکات مثبت و منفی هر نظریه کرد. به عوض صرف چنین زمانی بر روی مباحثی به این طویلی در این کتاب،

^{۲۷} این اصطلاح به یک چارچوب الهیاتی برای تفسیر کتاب مقدس اشاره دارد که بر این باور استوار است که تاریخ به چندین عصر یا "دیسپنساسیون" تقسیم می‌شود که در هر یک خدا به طرق مختلفی با قوم منتخبش رفتار می‌کند.

عاقلا نه‌تر آن است که بر روی مسایلی بحث کنیم که مطمئن هستیم هر شخص مسیحی به آن باور دارد:

۱) عیسی به زمین باز خواهد گشت تا پیروان خود را جمع کرده آنها را برای خدمت صادقانه‌ای که کرده‌اند، پاداش دهد.

۲) او برای داوری کسانی که او را نفی کرده‌اند، می‌آید.

۳) عیسی و پیروانش بر آسمان جدید و زمین جدید حکومت و سلطنت خواهند کرد.

آخرین کلماتی که در کتاب مقدس ثبت شده است شامل دعوت عیسی به منظور آماده بودن برای بازگشت ثانویه‌ی او به زمین می‌باشد:

«اینک به زودی می‌آیم و پاداش من با من است تا به هر کس بر حسب اعمالش جزا دهم. من 'الف' و 'و'، 'اول' و 'آخر'، و ابتدا و انتها هستم.» خوشا به حال آنان که ردای خود را می‌شویند تا حق دسترسی به درخت حیات را پیدا کنند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند. سگ‌ها و جادوگرها و بی‌عفتان و آدم‌کشان و بت پرستان و همه‌ی کسانی که دروغ را دوست می‌دارند و آن را به عمل

می‌آورند، بیرون می‌مانند. "من، عیسی، فرشته‌ی خود را نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کند. من ریشه و نسل داوود و ستاره‌ی درخشان صبح هستم." روح و عروس می‌گویند: "بیا!" هر آنکه می‌شنود بگوید: "بیا!" هر که تشنه است بیاید؛ و هر که طالب است، از آب حیات به‌رایگان بگیرد. من به هر کس که کلام نبوت این کتاب را می‌شنود هشدار می‌دهم که اگر کسی چیزی بدان بیفزاید، خدا بلاهای نوشته شده در این کتاب را بر او خواهد افزود. و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقدس، که در این کتاب درباره‌ی آنها نوشته شده است، بی‌نصیب خواهد ساخت. آن که بر این امور شهادت می‌دهد، چنین می‌گوید: "آری، به زودی می‌آیم." آمین. بیا، ای خداوند عیسی! فیض خداوند عیسی با همه‌ی شما باد. آمین.»

کسانی که بدون تسلیم زندگی خود به عیسی از دنیا می‌روند، در پایان دوره‌ی سلطنت عیسی بر زمین در برابر او خواهند ایستاد تا به دلیل ارتکاب گناه رد کردن او، مورد داوری قرار گیرند. با قبول عیسی به عنوان فدیهای برای گناهان‌تان، می‌توانید از این داوری، خلاص شوید. آنانی که عیسی را به عنوان ناجی و خداوند خود می‌پذیرند، در این داوری مورد قضاوت قرار نخواهند گرفت.

این مبانی اساسی پایه و شالوده‌ی رشد ما در مسیح می‌باشند. بعد از تجربه کردن و به کار بستن‌شان در زندگی‌های‌مان، آن موقع است که می‌توانیم "به بلوغ" برسیم. یک زندگی مسیحی سالم، زندگی‌ای است که رابطه‌ای صمیمانه با خدا، و پذیرش مسئولیت‌های یک انسان بالغ در اولویت بر هر چیز قرار دارد.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- چه افعال مرده‌ای وجود دارد که از بلوغ ایمانداران، جلوگیری می‌کند؟
- ایمان چگونه حاصل می‌شود و چرا از چنین اهمیتی برخوردار است؟
- چرا روح‌القدس در زندگی ایمانداران از اهمیت بالایی برخوردار است؟
- داوری برای ایمانداران، بعد از ورود به بهشت به چه قسم است؟

- آیا در زندگی مسیحی خود به اندازه‌ای که باید پیشرفت کرده‌اید؟ چگونه می‌توانید از این نیز بیشتر پیشرفت کنید؟

فصل پنجم من که هستم؟

همه شنیده‌ایم که وقتی افراد از دست دیگران عصبانی می‌شوند می‌گویند: "فکر می‌کنی کی هستی؟" مرد مشهوری در خانه‌ی سالمندان در حال نواختن موسیقی بود، ولی مردم واکنشی که او از آنان توقع داشت را از خود نشان نمی‌دادند. او که کم‌حوصله شده بود گفت: "آیا هیچ می‌دانید من کی هستم؟" زنی که بر روی ویلچر نشسته بود جواب داد: "نه! اما اگر به میز اطلاعات بخش بروی، پرستار به شما خواهد گفت که چه کسی هستید."

یک زندگی سالم مسیحی، زندگی‌ای است که در آن هویت شما ثابت و تغییرناپذیر می‌باشد. پیش می‌آید که گاهی نوجوانان، جوانان و حتی افراد میانسال از خود بپرسند که کیستند و قرار است با زندگی خود چه کنند. به این فصل از زندگی، بحران هویت می‌گوییم. امیدواریم که این دوره‌ای گذرا در زندگی ایشان باشد و ایشان هویت خود را در مسیح مطابق آنچه که خدا مقرر داشته، از نو بازسازی کنند.

روزی عیسی همچنان که با شاگردانش راه می‌رفت از ایشان پرسید که: «به گفته‌ی مردم، پسر انسان کیست؟» ایشان در جواب گفتند که افراد پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. سپس عیسی مهم‌ترین پرسشی که تا به حال پرسیده شده بود را مطرح کرد: «به نظر شما من کیستم؟» پطرس که از طریق مکاشفه‌ی خدا جواب بر او آشکار شده بود پاسخ داد: «مسیح، پسر خدای زنده!» عیسی او را به خاطر پاسخش تحسین کرده گفت که کلیسای خود را بر روی این حقیقت بنا خواهد کرد. نکته‌ی کلیدی این است که شما هرگز تا زمانی که حقیقت ذات و هویت عیسی را کشف نکرده باشید، هویت خودتان را نمی‌توانید کشف کنید.

«چون عیسی به نواحی قیصریه‌ی فیلیپی رسید، از شاگردان خود پرسید: "به گفته‌ی مردم، پسر انسان کیست؟" آنان پاسخ دادند: "برخی می‌گویند یحیای تعمیددهنده است. بعضی دیگر می‌گویند ایلیا، و عده‌ای نیز می‌گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است." عیسی پرسید: "شما چه می‌گویید؟ به نظر شما من کیستم؟" شمعون پطرس پاسخ داد: "تویی مسیح، پسر خدای زنده!" عیسی گفت: "خوشا به حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است. من نیز می‌گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت."»
متی ۱۶:۱۳-۱۸

کلید کشف هویت جدید در کشف حقیقت درباره‌ی خدا نهفته است. شما توسط خدا آفریده شده‌اید و زندگی‌تان در او پیوند خورده است. پولس به کولسیان می‌فرماید اکنون که پیرو عیسی هستید، باید طرز تفکرشان درباره‌ی خودشان را تغییر دهند.

«پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است. به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد.»
کولسیان ۳:۱-۴

عهد جدید می‌گوید که ملکوت پنهان و مخفی است و جالب است که خود کتاب به ما می‌گوید کجا آن را جست‌وجو کنیم و جواب "با مسیح در خدای پدر"

پنهان است. کندوکاو در مکان‌های اشتباه برای پیدا کردن خداوند، وسوسه‌برانگیز است. مقیاس‌ها و ملاک‌های شخصی با معیارها و مقیاس‌های خدا بسیار متفاوت است. به عنوان یک مسیحی شما در عیسی خلقتی تازه گشته‌اید، و اینک آن قسمت درونی شما در تلاش است تا با دگرگونی‌ای بنیادین به "خارج" راه یابد. اگر برای یافتن من حقیقی به خودمان بنگریم، به بیهودگی و تباهی می‌انجامد. تنها جایی که می‌توانید پاسخ این پرسش که واقعاً که هستید را پیدا کنید، مسیح است. حقیقت زندگی شما در مسیح نهان است. همچنان که حقیقت را در مورد او کشف می‌کنید، و در کنار کشف این حقیقت حقایقی را نیز درباره‌ی خودتان کشف خواهید کرد.

«عیسی گفت: خوشابه‌حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است. من نیز می‌گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت.»
متی ۱۶:۱۷-۱۸

بعد از اینکه ماهیت واقعی عیسی را کشف می‌کنید، او به شما نشان خواهد داد که حقیقتاً کیستید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زندگی شما در مسیح پنهان است. برای اینکه بتوانید درک کنید که شما اینک در مسیح چه جایگاهی دارید، باید مدتی را صرف کشف کردن نقش مسیح در خودتان بکنید. مهم این است که درک کنید جواب در او یافت می‌شود... نه در شما. و شما تازه در مسیح پنهان شده و مخفی است. شما باید از او گذر کنید تا بتوانید به من تازه‌ی خود برسید. احتمال اینکه جوابی را که در جست‌وجوی آن هستید در او بیابید، بسیار

بیشتر از یافتن آن در هویت زمینی تان است. خدا شما را با دیدی بسیار متفاوت تر از سایر افراد و اشخاص در زندگی تان و حتی خود شما می بیند.

«خداوند همچون انسان نمی نگرد؛ انسان به ظاهر می نگرد،

اما خداوند به دل.»

اول سموئیل ۷:۱۶

آیا بزرگترین پرسش زندگی غیر از "من که هستم، و چرا اینجا هستم؟" می باشد؟ افراد بسیاری کارهای بی شماری انجام داده اند تا علامتی از خود بر جای بگذارند و یا قلمروی خود را مشخص کنند. هر کسی به داشتن هدف و معنی و مفهومی نیاز دارد. مشاهده و تجربه کردن حقیقت در مورد خدا، خودتان و دیگران، بسیار مهم است.

«در طریق فرمان های تو می دوم، زیرا تو دل مرا وسعت می بخشی.»

مزامیر ۳۲:۱۱۹

تنها خدا می تواند من حقیقی تان را نمایان سازد. فقط او از منظور و قصد خود برای زندگی شما آگاهی دارد و همچنان که در پی او هستید، قلب شما را از چشم داشت و توقعات نسبت به دیگران، رهایی می بخشد. فقط در این صورت است که می توانید واقعاً آزاد باشید. عیسی در عهد جدید می فرماید که حقیقت، جویندگانش را رهایی می بخشد. انجیل حقیقت است. همچنان در مسیرهایی که مشخص کرده است کوشش کرده حرکت می کنید، از این آزادی برخوردار هستید تا تبدیل به همان کسی شوید که خدا برای تان همیشه در نظر داشته است تا بشوید. جدای از این مکاشفه، یک عمر زمان دارید تا با راحتی و فراغ خاطر،

زمان تان را صرف خودشناسی کنید. به یاد داشته باشید که خدا نویسنده‌ی زندگی شما است. او برای شما چه برنامه‌ای دارد؟ شما جواب این پرسش را تنها می‌توانید از طریق نگاه کردن به عیسی بجویید. تنها در نور خدا است که می‌توانید ببینید و در نور گام بردارید.

«زیرا نزد تو چشمه‌ی حیات است، و در نور توست که نور را می‌بینیم.»

مزامیر ۹:۳۶

خدا شما را برای زمانی که در آن زندگی می‌کنید و روزهای آتی که هنوز از راه نرسیده‌اند منحصر به فرد و به خصوص آفریده است. هویت شما توسط عیسی مسیح شکل می‌گیرد و در ذات و شخصیت مخصوص و یگانه‌ی خودتان، نمایان می‌گردد. شریعت در تلاش است که در ما احساس بدی نسبت به خودمان ایجاد کند. عیسی حقیقت را به ما می‌گوید و این حقیقت ما را آزاد می‌کند تا در امنیت باشیم و از زندگی‌مان لذت ببریم. در چنین حالتی هم می‌توان فروتن و افتاده، و هم با اعتماد به نفس و استوار بود.

راز داشتن تصویر شخصی درستی از خود، داشتن تصویر ذهنی دقیقی از خدا است. اگر ذات خدا را اشتباه تعبیر کنید، در تعبیر ذات خود نیز با اشتباه روبه‌رو خواهید شد. «در نور توست که نور را می‌بینیم.» حال پرسش این است که آیا حاضرید جست‌وجوی تان را در پی هویتی که خارج از خدا است، متوقف کنید؟ اینجا دیگر مسئله این است که خودخواهی در مقابل محبت قرار می‌گیرد. شیطان حاضر نشد که خدا را انتخاب کند. او می‌خواست به عوض انتشار و شناساندن نام خدا به جهان، نامی برای خود دست‌وپا کند.

شما چه؟ آیا شما مایل به انجام این انتخاب هستید؟ آیا حاضر هستید جان خود را تقدیم کنید تا مسیح بتواند در شما زندگی کند؟ هرچه بیشتر از خود بگذریم سهم‌مان از او افزون‌تر گشته، و آزادتر خواهیم بود تا خود واقعی‌مان باشیم.

«و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلم، تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم. آنگاه دیگر همچون کودکان نخواهیم بود تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حيله‌ی آدمیان در نقشه‌هایی که برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند. بلکه با بیان محبت‌آمیز حقیقت، از هر حیث تا به حد او که سر است، یعنی مسیح، رشد خواهیم کرد.»

افسیان ۴: ۱۱-۱۵

«شاگرد، برتر از استاد خود نیست، اما هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد،

همچون استاد خود خواهد شد.»

لوقا ۶: ۴۰

برگزیدن مسیح، تنها کلید هویت و راه موجود برای رسیدن به بلوغ حقیقی است. ذات و جوهره‌ی ایماندار بودن، تقدیم کردن خود و دارایی‌مان به شخص عیسی‌ای مسیح است. مسیحیت تنها مجموعه‌ای از قوانین، اصول و تعالیم نیست. در عبرانیان باب شش تعالیم ابتدایی را که «تعالیم مسیح» خوانده شده‌اند، مشاهده می‌کنیم. عیسی آن کسی است که باید نگاه‌مان بر او باشد و برای اینکه دریابیم که هستیم، در پی قدم‌هایش برویم.

یک زندگی سالم مسیحی در مسیح ریشه داشته، در تعهد و عمل از او پیروی می‌کند. هدف و مقصود ما باید تنها پیروی از عیسی باشد. این جوهره و قلب کتاب مقدس است. همچنان که در حین مطالعه‌ی کلام با حقیقت واقعی ذات او آشنا می‌شویم، آن حقیقت را در زندگی خود نیز منعکس می‌کنیم. زندگی‌های مان با شناخت و تأمل در او دگرگون می‌شود.

«خداوند، روح است و هر جا روح خداوند باشد، آنجا آزادی است و همه‌ی ما که با چهره‌ی بی‌نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه‌ای، می‌نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزون‌تر دگرگون می‌شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است. پس چون در نتیجه‌ی رحمتی که بر ما شده است از چنین خدمتی برخورداریم، دلسرد نمی‌شویم. بلکه از روش‌های پنهانی و ننگین دوری جست‌هایم و به فریبکاری توسل نمی‌جوئیم و کلام خدا را نیز تحریف نمی‌کنیم، بلکه به عکس، با بیان آشکار حقیقت، می‌کوشیم در حضور خدا مورد تأیید وجدان همه باشیم. حتی اگر انجیل ما پوشیده است، بر کسانی پوشیده است که در طریق هلاکتند. خدای این عصر ذهن‌های بی‌ایمانان را کور کرده تا نور انجیل جلال مسیح را که صورت خداست، نبینند. زیرا ما خود را موعظه نمی‌کنیم، بلکه عیسای مسیح را به عنوان خداوند موعظه می‌کنیم، و از خود تنها به‌خاطر عیسی، و آن هم فقط به عنوان خادم شما سخن می‌گوییم. زیرا همان خدا که گفت:

"نور از میان تاریکی بتابد،" نور خود را در دل‌های ما تابانید

تا شناخت جلال خدا در چهره‌ی مسیح، ما را منور سازد.»

دوم قرنتیان ۳:۱۷-۴:۶

حقیقتی که در کلیسا نهفته است، حقیقت نهان در وجود شما را نیز آشکار می‌سازد. به یاد داشته باشید که یک زندگی سالم مسیحی، بر عیسای مسیح متمرکز است.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- در کجا می‌توانیم ببینیم که به عنوان ایماندار، از چه جایگاهی برخوردار هستیم؟
- آیا انتظارات دیگران از شما، شما را درگیر خود کرده است؟ خدا چه دیدگاهی نسبت به ما دارد؟ (اول سموئیل ۷:۱۶)
- در اعمال و افکارتان کدام یک را بیشتر منعکس می‌کنید، خدا یا خودتان را؟
- چگونه می‌توانید در زندگی‌تان بیشتر روی خدا تمرکز کرده، او را منعکس کنید؟

فصل ششم آیا خدا شفا می‌بخشد؟

یک زندگی سالم مسیحی با علم به اینکه سلامتی و شفا اراده‌ی خدا است، سپری می‌شود. پولس رسول برای ما دعا می‌کند تا روح و نفس و بدن ایماندار به کل و تماماً تا آمدن خداوند بی‌عیب، محفوظ بماند. یوحنا رسول مکنونات قلب خدا را برای فرزنداش در رساله‌ی سوم یوحنا باب دوم چنین خلاصه می‌کند: «ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، همچنان که جانت نیز کامیاب است.»

برای خدا شفا دادن اهمیت بالایی دارد

عیسای مسیح در طی خدمت خود بر زمین زمان زیادی را صرف شفای بیماران کرد. او امداد رساندن به ناتوانان را جزء اصلی‌ترین اعمال در دوران خدمتش، قرار داد. شفا بخشیدن از این جهت برای خدا مهم است که انسان‌ها برای او مهم هستند. او این کار را نه برای نشان دادن قدرت و توانمندی خود، بلکه از سر عشق و محبتش انجام می‌داد.

« بدین‌سان، عیسی در سرتاسر جلیل می‌گشت و در کنیسه‌های ایشان
تعلیم می‌داد و بشارت پادشاهی را اعلام می‌کرد و هر درد و
بیماری مردم را شفا می‌بخشید.»
متی ۲۳:۴

او خیلی راحت می‌توانست بگوید که فقط برای رفع نیازهای روحانی ایشان آنجاست، اما چنین روشی را در پیش نگرفت. او به محض آنکه نیازی مشاهده

می‌شد، شفا می‌داد و به کسانی که برای موعظه و بشارت می‌فرستاد، قدرت شفای بیماران را نیز عطا می‌کرد. اگر شفا دادن برای عیسی اهمیتی نداشت، پس چرا این میزان از وقت خود را صرف انجام آن کرد؟ عیسی ۱۲ تن از شاگردان خود را با سفارشات و دستورالعمل‌های زیر رهسپار کرد:

«آنگاه بدیشان فرمود: "به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همه‌ی خلایق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد. و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: به نام من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبان‌های تازه سخن خواهند گفت و مارها را با دست‌هایشان خواهند گرفت، و هرگاه زهری گشوده بنوشند، گزندى به آنها نخواهد رسید، و دست‌ها بر بیماران خواهند نهاد و آنها شفا خواهند یافت."»

مرقس ۱۵:۱۶-۱۸

عیسی شفا می‌بخشد زیرا انسان‌ها را دوست دارد

عیسی در عمل و نوع خدمتش به شاگردان نشان داد که به نیازهای جسمانی نیازمندان به اندازه‌ی نیازهای روحانی آنها اهمیت می‌دهد. او با دلسوزی و رحمت تحت‌تأثیر الم و درد بیماران قرار می‌گرفت و ایشان را شفا می‌داد. او برای اینکه ثابت کند ماشیح موعود است شفا نداد؛ بلکه برای اثبات مسیح بودنش از مردگان قیام کرد. مسیح تنها به این دلیل که انسان‌ها را با محبتی ازلی دوست می‌داشت و می‌خواست آنها را یاری برساند، شفای‌شان می‌داد. خدا قلباً و واقعاً انسان‌ها را دوست دارد و به مشکلات ایشان اهمیت می‌دهد.

«چون عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بی‌شمار دید و دلش بر حال

آنان به‌رحم آمده، بیماران‌شان را شفا بخشید.»

متی ۱۴:۱۴

«مردی جذامی نزد عیسی آمده، زانو زد و لابه‌کنان گفت: "اگر بخواهی، می‌توانی پاکم سازی." عیسی با شفقت دست خود را دراز کرده، آن مرد را لمس نمود و گفت: "می‌خواهم، پاک شو!" در دم، جذام ترکش گفت و او پاک شد.»
مرقس ۱: ۴۰-۴۲

شفا یافتن در کتاب مقدس وعده داده شده است

عیسی به زن کنعانی فرمود که شفا وعده‌ای است که به «فرزندان» تعلق می‌گیرد. به عبارتی دیگر، به عنوان یک فرد ایماندار و فرزند خدا، شفا از آن شما است. خدا نیاز ندارد تا برای شفای شما کوچکترین حرکتی حتی در حد تکان دادن دست انجام دهد. شفا بخشیدن همیشه جزئی از فکر و نقشه‌ی او بوده است، و آن را در عهد جدید و عهد عتیق بر ما نمایان ساخته است.

«عیسی آنجا را ترك گفت و در منطقه‌ی صور و صیدون کناره جست. روزی زنی کنعانی از اهالی آنجا، نزدش آمد و فریادکنان گفت: "سرور من، ای پسر داوود، بر من رحم کن! دخترم سخت دیورده شده است." اما عیسی هیچ پاسخ نداد، تا اینکه شاگردان پیش آمدند و از او خواهش کرده، گفتند: "او را مرخص فرما، زیرا فریادزنان از پی ما می‌آید." در پاسخ گفت: "من تنها برای گوسفندان گم‌گشته‌ی بنی‌اسرائیل فرستاده شده‌ام." اما آن زن آمد و در مقابل او زانو زد و گفت: "سرور من، مرا یاری کن!" او در جواب گفت: "نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن روا نیست." ولی زن گفت: "بله، سرورم، اما سگان نیز از خرده‌هایی که از سفره‌ی صاحب‌شان می‌افتد، می‌خورند!"
متی ۲۱: ۲۷-۲۸

زمانی که عیسی بهای گناهان جهان را پرداخت می‌کرد، آن را تمام و کمال پرداخت. نجات و رستگاری، رهایی از گناه و مزد گناه است. مزد گناه مرگ است، مریضی و بیماری تنها مقدمه و پیش‌پرداخت آن است. اشعیا به وضوح بر ما روشن می‌سازد که بخشی از نقش مسیح مضروب و رنج‌دیده، برداشتن غم‌ها و دردها است.

«خوار و مردود نزد آدمیان، مرد درد آشنا و رنج‌دیده. چون کسی که روی از او بگردانند، خوار گشت و به حسابش نیاوردیم. حال آنکه رنج‌های ما بود که او بر خود گرفت و دردهای ما بود که او حمل کرد، اما ما او را از جانب خدا مضروب، و از دست او مصدوم و مبتلا پنداشتیم. حال آنکه به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخم‌های او ما شفا می‌یابیم.»

اشعیا ۵۳: ۳-۵

ما می‌توانیم شاهد تحقق این متون در عهدجدید باشیم. این آیات اشعیا باب ۵۳ را محقق ساخته، تأیید می‌کنند. متی در انجیل خود باب ۸، برای اولین بار به باب ۵۳ اشعیا اشاره می‌کند:

«چون عیسی به خانه‌ی پطرس رفت، مادرزن او را دید که تب کرده و در بستر است. عیسی دست او را لمس کرد و تبش قطع شد. پس او برخاست و مشغول پذیرایی از عیسی شد. هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همه‌ی بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگویی اشعیا نبی به حقیقت پیوندد که: "او ضعف‌های ما را بر گرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد."»

این متن نشان‌دهنده‌ی آن بخش از نبوتی است که عیسی آلام فیزیکی را شفا می‌بخشد. پطرس و متی زندگی و خدمت عیسی را که تحقق وعده‌ای بود که اشعیای نبی داده بود، از نزدیک دیدند.

سپس در اول پطرس ۲:۲۴ مشاهده می‌کنیم که پطرس به نقل قول بخشی از نبوتی که در اشعیا ۵۳ در رابطه با شفا دادن آمده است می‌پردازد: «او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم، همان که به زخم‌هایش شفا یافته‌اید.»

در هر دو مورد این مردان دوشادوش عیسی بوده و انگیزه‌ی او را برای شفا دادن و کمک رساندن به کسانی که مشکل جسمی و روحی داشتند، از نزدیک شاهد بودند. به نظر نمی‌رسد که خدا در زمانی که شفا و یا التیام بخشیدن در میان است، مایل به دسته‌بندی و یا تبعیض گذاشتن میان انسان‌ها باشد. عیسی ما را می‌بخشد؛ جان‌مان را تازه می‌سازد؛ قلب‌های شکسته را التیام و جسم‌مان را شفا می‌بخشد.

عیسی برای شفای افراد مختلف، از روش‌های متفاوتی استفاده کرد

این مسئله که عیسی همه را به یک روش یکسان شفا نداده است، بسیار قابل توجه می‌باشد. اگر غیر از این بود و همیشه یک شیوه‌ی خاص را در پیش می‌گرفت، ممکن بود روش شفا بر وعده‌ای که تحقق یافته بود، سایه می‌افکند. روشی که عیسی از طریق آن دیگران را شفا می‌دهد به اندازه‌ی این حقیقت که او واقعاً آلام و بیماری‌ها را شفا می‌بخشد، اهمیت ندارد. در برخی موارد حتی زمانی که کلام از دهان او صادر می‌شد، اشخاص شفا می‌یافتند. در مواقع دیگر او دستش را بر روی اشخاص قرار داده ایشان از لمس وی شفا می‌یافتند. در کنار تمام اینها و بعضاً از روش‌های کاملاً نامتعارف از قبیل قرار دادن گل بر روی چشم افراد نابینا، استفاده می‌کرد.

نکته‌ی ظریفی که وجود دارد این است که شفا وعده‌ای الهی است و روش شفا بخشیدن از اهمیتی ثانویه برخوردار است. ما خود نیز در زندگی روزمره شفا را از خدا دریافت می‌کنیم، اما ممکن است آن را در لحظه و معجزه‌آسا یا تدریجی، و از طریق تسریع تأثیر درمان پزشکی و یا روش‌های دیگر دریافت کنیم. مهم این است که نگاهمان به او، بدون در نظر گرفتن اینکه معجزه‌ی شفا چگونه اتفاق افتاده است، به عنوان طیب اعظم، متمرکز باشد.

شفا همگانی است

می‌بینیم که در سرتاسر عهدجدید، عیسی به هر کسی که شفا را می‌پذیرفت، سلامتی می‌بخشید. او بین افراد تبعیض قائل نشده و از آنها پرسش و پاسخ به عمل نمی‌آورد تا مطمئن شود: "خدا این فرد را به بیماری مبتلا کرده است تا درسی به او بیاموزد." او بدون هیچ تبعیضی شفا می‌داد، زیرا شفا برای همه است.

«شما می‌دانید که این امر چگونه پس از تعمیدی که یحیی بدان موعظه می‌کرد، در جلیل آغاز شد و در سرتاسر یهودیه رواج گرفت، و چگونه خدا عیسی ناصری را با روح القدس و قدرت مسح کرد، به گونه‌ای که همه‌جا می‌گشت و کارهای نیکو می‌کرد و همه‌ی آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می‌داد، از آن رو که خدا با او بود.»

اعمال رسولان ۱۰: ۳۷-۳۸

در دوره‌ی خدمت عیسی بر زمین، به شکل اعجاب‌آوری، مشاهده می‌کنیم که قدرت شفابخش او تنها در یک مورد محدود شده است. در کتاب مقدس ثبت شده است که او با اینکه آشکارا مایل به شفا دادن برخی بوده، اما از انجام آن به دلیل

بی‌ایمانی آن عده منع شده است. جو در آن شهر به دلیل عدم ایمان به توانایی عیسی در اینکه می‌خواهد و می‌تواند مردم را شفا دهد، آلوده و مسموم بود.

«و به شهر خود رفته، در کنیسه به تعلیم مردم پرداخت. مردم در شگفت شده، می‌پرسیدند: "این مرد چنین حکمت و قدرت انجام معجزات را از کجا کسب کرده است؟ مگر او پسر آن نجار نیست؟ مگر نام مادرش مریم نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ مگر همه‌ی خواهرانش در میان ما زندگی نمی‌کنند؟ پس این چیزها را از کجا کسب کرده است؟" پس به نظرشان ناپسند آمد. اما عیسی به آنان گفت: "نبی بی‌حرمت نباشد جز در شهر خود و خانه‌ی خویش!" و در آنجا به‌علت بی‌ایمانی ایشان، معجزات زیادی نکرد.»
متی ۱۳: ۵۴-۵۸

ایمان زمانی آغاز می‌شود که اراده‌ی خدا را بشناسیم

تا زمانی که هنوز ذهن‌تان مشغول حل کردن این پرسش است که آیا بیماری از جانب خدا است یا دشمن، برای مبارزه کردن با آن، ایمان و اطمینان کافی نخواهید داشت. عدم پذیرش تا زمانی که متوجه نشده‌اید بیماری در اراده‌ی خدا نیست، امری بسیار طبیعی می‌باشد.

کتاب مقدس اراده‌ی مکتوب خدا است و به وضوح تمایل او برای شفا دادن را نشان می‌دهد. عیسی اراده‌ی خدای مجسم شده بود، او به وضوح تمایل خود را برای شفا دادن نشان داد.

به تجربیات تان، جایگاهی هم‌تراز با کتاب مقدس ندهید

فکر کردن به کسی که نیاز به دریافت شفا داشته اما فوت کرده و یا شفا را دریافت نکرده است؛ زمانی که خود نیازمند شفا یافتن هستیم، امری متداول است. با داشتن هر تجربه‌ی از شفای الهی، هرگز نباید آن تجربه را تبدیل به آموزه‌ای شخصی بگردانیم. چه شفا را دریافت نموده باشیم و چه دریافت نکرده باشیم، به هیچ‌وجه تجربه‌ی ما از وزن و معنای یکسانی با کتاب مقدس برخوردار نیست. دلایل بسیاری برای اینکه چرا افراد شفا را دریافت نمی‌کنند، وجود دارد. دقیقاً به همان دلایلی که افراد از دریافت تمام وعده‌هایی که خدا داده است، قاصر می‌آیند. بهترین کاری که من می‌توانم انجام دهم این است که از قضاوت تجربیات آنها پرهیز کرده، ایمان خود را بر اساس آنچه خدا در کتاب مقدس فرموده و عیسی در عمل نشان داده است، قرار دهم.

هیچ‌کدام از ما قادر به دیدن تصویر کامل زندگی شخص دیگری نیست. همان طور که پولس رسول فرموده است ما تنها می‌توانیم تصویری تار بینیم. باید به خاطر داشته باشیم که هرگز نباید کسی را که بیمار است، محکوم کرده به او بگوییم: "اگر ایمان داشتی، شفا می‌یافتی!" توقعات و انتظارات ما از نحوه و روشی که خدا جواب دعاها را می‌دهد، به دلایل بسیاری اشتباه و غلط است. تنها گفتن یک "نمی‌دانم" می‌تواند گاهی بسیار رهایی‌بخش باشد. عیسی هیچ‌گاه کسی را به خاطر داشتن مشکلاتش محکوم نکرد، بلکه تنها تلاش کرد به آنها در برطرف کردن مشکلاتشان کمک کند. قدرت شفا بخش او در زادگاهش تنها به دلیل بی‌ایمانی که در آن شهر حاکم بود محدود گشته بود. زمانی که کور مادرزادی را پیش عیسی آوردند، شاگردان تنها فکر می‌کردند که چه کسی را باید برای چنین مشکلی مورد سرزنش و مذمت قرار دهند. اما عیسی تنها در این فکر بود که به آن مرد یاری برساند. (یوحنا باب ۹)

یک زندگی سالم مسیحی از مزایای تعلق کامل به مسیح به خوبی آگاه است. شفای روح، جان و جسم ما خواست و اراده‌ی مطلق خداوند برای ما است.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- آیا شفا مختص همه است؟ چرا؟
- آیا خدا ما را شفا می‌دهد؟
- آیا لازم است خدا را متقاعد کنیم تا ما را شفا دهد؟
- چرا در این دنیا درد و بیماری وجود دارد؟
- در کتاب مقدس چه رویدادی یک بار برای همیشه آلام و بیماری‌های ما را حل و فصل کرد؟ (اشعیا ۵۳: ۳-۵؛ اول پطرس ۲: ۲۴)
- چه عاملی باعث کم شدن معجزات شد؟ (متی ۱۳: ۵۴-۵۸)
- من چه کاری می‌توانم انجام دهم تا در زندگی خود شفا را دریافت کنم؟

فصل هفتم آیا خدا مهیا می‌کند؟

شاگردی مسیح، تمامی ابعاد زندگی شما را در بر گرفته، شامل همه‌ی بخش‌ها و زوایای زندگی‌تان می‌گردد، حتی شامل امور مالی و نیازهای مادی شما نیز می‌شود.

در عهدجدید و عهدعتیق، داستان‌های بی‌شماری در باب فراهم شدن نیازهای افراد وجود دارد. عیسی خود بیشتر از آنکه درباره‌ی ایمان و دعا کردن صحبت کند، درباره‌ی مسائل مادی و پول صحبت کرد. اکثر تمثیل‌های کتاب‌مقدس به نوعی با پول سروکار دارند.

مادیات مکنونات قلب شما را هویدا می‌سازد

دلیل کل این مبحث می‌تواند خیلی ساده تنها این باشد که مادیات، شاخص مهمی در شخصیت و نگرش ما است. بهترین روشی که از طریق آن می‌توانید به بهترین نحو از ماهیت قلب‌تان آگاه شده و سیستم ارزشی خود را به وضوح درک کنید، این است که فکر کنید در سال گذشته پول و زمان‌تان را کجا و برای چه چیزی صرف کردید. پول‌مان و قلب‌مان بسیار بیشتر از آنچه گاهی حتی حاضر به اعترافش باشیم، به هم مرتبط و متصل هستند. آنچه که بیشتر از همه برای‌مان پراهمیت و مهم است، با نحوه‌ی گذراندن زمان و دارایی‌های‌مان به بهترین نحو آشکار می‌شود.

«بر زمین گنج میندووزید، جایی که بید و زنگ، زیان می‌رساند و دزدان نَقَب می‌زنند و سرقت می‌کنند. بلکه گنج خود را در آسمان بیاندوزید، آنجا که بید و زنگ زیان نمی‌رساند و دزدان نَقَب نمی‌زنند و سرقت نمی‌کنند. زیرا هر جا گنج

توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود. چشم، چراغ بدن است. اگر چشمت سالم باشد، تمام وجودت روشن خواهد بود. اما اگر چشمت فاسد باشد، تمام وجودت را ظلمت فرا خواهد گرفت. پس اگر نوری که در توست ظلمت باشد، چه ظلمت عظیمی خواهد بود! - هیچ کس دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده‌ی یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی‌توانید هم بنده‌ی خدا باشید، هم بنده‌ی پول. پس به شما می‌گویم، نگران زندگی خود نباشید که چه بخورید یا چه بنوشید، و نه نگران بدن خود که چه بپوشید. آیا زندگی از خوراک و بدن از پوشاک مهمتر نیست؟ پرنده‌گان آسمان را بنگرید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبار ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می‌دهد. آیا شما بس بارزتر از آنها نیستید؟ کیست از شما که بتواند با نگرانی، ساعتی به عمر خود بیفزاید؟ و چرا برای پوشاک نگرانید؟ سوسن‌های صحرا را بنگرید که چگونه نمو می‌کنند؛ نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. به شما می‌گویم که حتی سلیمان نیز با همه‌ی شکوه و جلالش همچون یکی از آنها آراسته نشد. پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور افکنده می‌شود، این چنین می‌پوشاند، آیا شما را، ای سست‌ایمانان، به مراتب بهتر نخواهد پوشانید؟ پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم. زیرا اقوام بت پرست در پی همه‌ی این‌گونه چیزهایند، اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه نیاز دارید. بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه‌ی اینها نیز به شما عطا خواهد شد. پس نگران فردا نباشید، زیرا فردا نگرانی خود را خواهد داشت.

مشکلات امروز برای امروز کافی است!

متی ۱۹:۶-۳۴

نگران فردا یا آینده‌ی خود نباشید

عیسی به وضوح فرمود کسانی که خدا را نشناخته و به او اعتماد ندارند، لگام خود را به دست ترس، طمع و نگرانی و استرس سپرده‌اند. شاگرد واقعی مسیح

بودن، ملزم به سپردن تمامی این ترس‌ها به خدا و اعتماد به او، برای رسیدگی به نیازهای زندگی‌تان می‌باشد.

عیسی احتیاجات ما را با غذای پرندگان مقایسه می‌کند. پرندگان همواره در ترس زیست نمی‌کنند و این خدا است که مراقب ایشان است. تدارکات خدا برای طبیعت کافی است و طبیعت با دوراندیشی او، منطبق است. همان آرامش، باید مشخصه‌ی زندگی ما باشد.

ما برای زندگی کردن در این دنیا، به چیزهای خاصی از قبیل غذا، پوشاک و سرپناه نیاز داریم. خدا از آنها اطلاع داشته و از ما توقع ندارد که بدون برآورده شدن این نیازها زندگی کنیم. او پدری مهربان است و از فرزندانش سوءاستفاده نمی‌کند. اویی که با چنین محبتی از پرندگان مراقبت می‌کند، چه بسیار ما را محبت خواهد نمود.

اولویت‌های خود را براساس اهمیت موضوعات، مرتب کنید

عیسی فرمود به عوض اینکه به دنبال مسایل روزانه و دنیوی مانند خوردن و پوشیدن باشیم، ابتدا باید ملکوت خدا را بطلبیم. به عنوان پیروان او در عمل نشان دهید که چه چیزی برای شما در اولویت قرار دارد، و در کنار تمامی برکات خواهید دید که محصول جانبی این کار این خواهد بود که تمامی نیازهای روزانه‌ی شما برآورده می‌شود.

اولویت‌های صحیح از طریق اعمال صحیح، نمایان می‌شود. تصمیم‌گیری‌های شما در مورد درآمدتان، خرج کردن‌تان و آنچه با دیگران سهیم می‌شوید، وضعیت و شرایط شما در زندگی را تعیین می‌کنند.

این اولویت‌بندی را به عنوان مثال می‌توانید در انتخاب درآمد کمتر به منظور انجام کارهای مهمتری مانند گذراندن زمان در کنار خانواده؛ و یا کلیسایی که عضوش هستید، نشان دهید.

به همین منوال، هر تصمیمی که می‌گیرید به نوعی یک تصمیم روحانی است که نشان می‌دهد قلب شما به چه کسی وفادار است و چه چیزی برای تان مهم است. شما پول‌های تان را برای آنچه در نظرتان باارزش است، خرج می‌کنید. هیچ اشکالی در لذت بردن از زندگی و مصرف کردن آنچه خدا به شما بخشیده است، وجود ندارد. با این وجود این مطلب یک واقعیت مبرهن و ساده است که هرگاه به خرج کردن و هزینه کردن فکر می‌کنید، آنچه در قلب تان می‌گذرد را منعکس می‌کنید. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که دارایی خود را صرف جلال خدا کنیم. شما این کار را با برگرداندن و گذراندن اولین و بهترین قسمت آنچه به دست آورده‌اید، انجام می‌دهید.

«خداوند را با دارایی خود حرمت دار و با نوبرهای همه‌ی محصول

خویش؛ آنگاه انبهارهایت به وفور نعمت پر خواهد شد و

چرخش‌هایت از شراب تازه لبریز خواهد گشت.»

امثال ۳: ۹-۱۰

زمانی که از کلیسای محلی خود که همچون خانواده‌ی روحانی تان است حمایت می‌کنید، یا در هدایایی برای مأموریت‌های خدماتی و کمک به نیازمندان پیش قدم می‌شوید، نشان می‌دهید که این وظیفه را در عمل نیز انجام می‌دهید. هدف ما از بخشیدن دارایی مان نباید صرفاً جهت دریافت برکت از طرف خدا باشد، بلکه آنچه به دست آورده‌ایم باید نتیجه‌ی برکتی باشد که خدا به ما داده است. از آنجایی که او در حقتان نیکویی کرده است، او را از طریق دارایی‌های تان جلال دهید.

دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم مملو از افراد متقلب و شارلاتان است؛ و متأسفانه تعدادی از آنها در کلیسا نیز یافت می‌شوند. با تمام این اوصاف، داشتن

دیدگاهی کتاب مقدسی در ارتباط با دارایی‌ها و پول بسیار مهم است. از پول تان برای جلال خدا و کمک به افراد تا جایی که می‌توانید و قلباً می‌خواهید، استفاده کنید، نه به دلیل عذاب وجدان و اجبار!

«به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم بر خواهد داشت. هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده‌ی شادمان را دوست می‌دارد. و خدا قادر است هر نعمت را برای شما بس فزونی بخشد تا در همه چیز همواره همه‌ی نیازهای تان برآورده شود و برای انجام هر کار نیکو، به فراوانی داشته باشید. چنانکه نوشته شده: "با گشاده‌دستی به نیازمندان بخشیده، نیکوکاری‌اش جاودانه پاینده است." و او که بذر را برای کشاورز و نان را برای خوردن فراهم می‌سازد، بذرتان را مهیا ساخته، فزونی خواهد بخشید و محصول پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت. آنگاه از هر حیث دولت‌مند خواهید شد تا بتوانید در هر فرصتی سخاوتمند باشید، و این سخاوت شما به واسطه‌ی ما به سپاس خدا خواهد انجامید.»

دوم‌قرن‌تیاں ۹:۶-۱۱

خدا را به بعد مادی زندگی خود نیز دعوت کنید. او نسبت به فرزندانش بسی مهربان و پرمحبت است. او از ما دعوت می‌کند تا در کمک کردن و برکت دادن دیگران با او شریک شویم. کتاب مقدس هم در عهدعتیق و هم در عهدجدید مملو از داستان‌هایی است که در آن خدا به عوض اینکه خود مستقیماً وارد صحنه شود، از فردی برای کمک دیگری استفاده می‌کند. با توجه به رساله‌ی دوم‌قرن‌تیاں ۹:۱۱ می‌بینیم که اهالی قرن‌تس خدا را به خاطر نشان دادن سخاوت و بخشندگی‌اش از طریق دیگران، شکر و سپاس می‌گویند: «از هر حیث دولت‌مند خواهید شد تا بتوانید

در هر فرصتی سخاوتمند باشید، و این سخاوت شما به واسطه‌ی ما به سپاس خدا خواهد انجامید.»

در پیشگاه خدا دولت‌مند باشید

در انجیل لوقا داستان مرد ثروتمندی که اولویت‌های اشتباهی داشت ثبت شده است. او به عوض آنکه دارایی و سرمایه‌ی خود را همچون ابزاری برای جلال خدا و کمک به خلق ببیند، سعی کرد از آن برای کسب امنیت و موقعیت بهتر برای خود استفاده کند.

«ناگاه کسی از میان جمعیت به او گفت: "استاد، به برادرم بگو میراث پدری را با من قسمت کند." عیسی پاسخ داد: "ای مرد، چه کسی مرا بین شما داور یا مُقسّم قرار داده است؟" پس به مردم گفت: "به هوش باشید و از هر گونه حرص و آرز پرهیزید، زیرا زندگی انسان به فزونی دارایی‌اش نیست." سپس این مَثَل را برایشان آورد: "مردی ثروتمند از زراعت خویش محصول فراوان حاصل کرد. پس با خود اندیشید، 'چه کنم، زیرا جایی برای انباشتن محصول خود ندارم؟' سپس گفت: 'دانستم چه باید کرد! انبارهای خود را خراب می‌کنم و انبارهایی بزرگتر می‌سازم، و همه‌ی گندم و اموال خود را در آنها ذخیره می‌کنم. آنگاه به خود خواهم گفت: ای جان من، برای سالیان دراز اموال فراوان اندوخته‌ای. حال آسوده بزی؛ بخور و بنوش و خوش باش.' اما خدا به او گفت: 'ای نادان! همین امشب جانت را از تو خواهند ستاند. پس آنچه اندوخته‌ای، از آن که خواهد شد؟' این است فرجام کسی که برای خویشتن ثروت می‌اندوزد، اما برای خدا ثروتمند نیست."

توجه داشته باشید که عیسی فرمود ما باید «برای خدا ثروتمند باشیم». چنین چیزی تنها زمانی ممکن است که ما تمرکزمان را به عوض اینکه تنها بر خود و نیازهای مان قرار دهیم، متوجه خدا و سایرین کنیم. توانایی ما در انجام چنین کاری تنها به اولویت‌ها و نگرش‌مان بر می‌گردد. در این دنیا امنیت مطلق را در هیچ‌جا، جز در نزد خدا نمی‌یابیم. زمانی که خود تلاش می‌کنیم آن را ایجاد کنیم، اولویت‌های مان تحت تأثیر ترس‌ها و عدم اطمینان مان از آینده‌ی پیش روی مان قرار می‌گیرند. مهم است که به آینده معقولانه و با حکمت ببیندیشم، اما نباید اجازه دهیم باعث تحلیل رفتن مان شده و یا ترس را به جان مان بیاندازد.

نیروی محرکه‌ی غایی و نهایی مان در ارتباط با مسایل مادی باید توکل و اعتماد به خدا باشد. جدای از آن، حکمت و استفاده‌ی عاقلانه از دارایی‌ها بسیار مهم است، اما تا زمانی که قلب و گنج‌های مان را به خدا سپرده‌ایم، بر روی زمین همیشه در حال تقلا و مبارزه خواهیم بود.

عیسی هیچ‌وقت نگفت که ثروتمند بودن اشتباه است و یا اینکه هر فرد ثروتمندی باید دارایی‌اش را کامل ببخشد. کتاب مقدس افراد ثروتمند را (آنانی که به فراوانی دارا هستند) نصیحت می‌کند که چگونه جوری با داشته‌های خود زندگی کنند که خدا جلال یابد.

«اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است. چرا که به این جهان هیچ نیآورده‌ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک و سرپناهی داریم، قانع خواهیم بود. اما آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می‌شوند و به دام امیال پوچ و زیانباری گرفتار می‌آیند که موجب تباهی و نابودی انسان می‌گردد. زیرا پول دوستی ریشه‌ای است که همه‌گونه بدی از آن به بار می‌آید، و بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته، خود را به دردهای بسیار مجروح ساخته‌اند. ثروتمندان این دنیا را حکم نما که متکبر نباشند و بر مال

ناپایدار دنیا امید میندند. بلکه امیدشان بر خدا باشد که همه چیز را به فراوانی برای ما فراهم می‌سازد تا از آنها لذت ببریم. آنان را امر کن که نیکویی کنند و در کارهای خیر دولتمند بوده، سخاوتمند و گشاده‌دست باشند. بدین‌سان، گنجی برای خود خواهند اندوخت که پی‌استوار زندگی آینده‌ی ایشان خواهد بود و آن حیات را که حیات واقعی است، به دست خواهند آورد.»

اول تیموتائوس ۶: ۶-۱۰، ۱۷-۱۹

پولس رسول بیشتر در مورد رفتار و برخورد صحیح، صحبت می‌کند. او قناعت را فضیلتی والا می‌داند. هدف کلی متن این است که بدانیم نباید آن قدر بر اندوختن سرمایه تمرکز کنیم که چیزهای مهمتر را فراموش کنیم. در ادامه او می‌فرماید که به اندوخته‌های زمینی خود امید نبندیم، بلکه امیدمان در خداوند باشد. چنین طریق رفتاری به ما این فرصت را می‌دهد تا با دیگران سخاوتمندتر باشیم.

همچنان که با دارایی خود خدا را جلال می‌دهید، او نیز فرصتهایی جلوی پای‌تان قرار می‌دهد تا به دیگران کمک کنید. زمانی که تن به یاری دادن دیگران می‌نهدید، سرمایه و دارایی شما تبدیل به ابزاری برای آزمودن قلب‌تان شده، شهادتی بر محبت‌تان نسبت به خدا و خلق می‌شود. یک زندگی سالم و پویای مسیحی، از نگرش و دیدگاهی خداپسندانه در ارتباط با پول و دارایی‌های مادی، برخوردار است.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- چرا می‌گویند پول، مکنونات قلب را آشکار می‌کند؟
- شما پول‌تان را صرف چیزی که برای‌تان باارزش است می‌کنید. اولویت‌های متفاوتی که افراد در خرج کردن پول خود ممکن است داشته باشند، چیست؟

● زمانی که حقوق می‌گیرید، اولین کاری که باید انجام دهید چیست؟ (امثال ۱۰، ۹:۳)

● پول نوعی ابزار برای استفاده است؛ همچنین می‌تواند راه‌هایی را برای به اشتراک گذاشتن انجیل با دیگران باز کند. علاوه بر تقدیم ده یک درآمد خود، چگونه می‌توانم از دارایی خود برای پیشبرد ملکوت و پادشاهی خدا استفاده کنم؟

فصل هشتم

حقیقت چیست؟

عیسی به شاگردانش هشدار داد که در آینده تلاش‌هایی برای گمراه کردن و دور کردن ایشان از حقیقت صورت خواهد گرفت. قطعاً به وقوع پیوستن این پیش‌بینی عیسی را در طول تاریخ دیده‌ایم، و می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که مادامی که بر این سیاره زیست می‌کنیم، و تا زمان رجعت دوباره‌ی عیسی مسیح، با رهبران دروغین و تعلیمات اشتباه، روبه‌رو خواهیم شد.

«عیسی پاسخ داد: "به‌هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند. زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت، 'من مسیح هستم' و بسیاری را گمراه خواهند کرد. در آن روزها بسیاری از ایمان خود بازگشته، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. پیامبران دروغین زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد. در نتیجه‌ی افزونی شرارت، محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید." در آن زمان، اگر کسی به شما گوید: "ببینید، مسیح اینجاست!" یا "مسیح آنجاست!" باور مکنید. زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین برخاسته، آیات و معجزات عظیم به‌ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را گمراه کنند. ببینید، پیشاپیش به شما گفتم.»

متی ۲۴: ۴-۵؛ ۱۰-۱۲؛ ۲۳-۲۵

گزیده‌های ذکر شده از موعظه‌ی عیسی به شاگردانش درباره‌ی زمان‌های آخر، به ما نشان می‌دهد که او چقدر نگران گمراه گشتن پیروان خود بود. او در جایی دیگر اذعان می‌دارد که شیطان دنبال فرصتی بود تا شاگردان را همچون گندم

غربال کند، اما او برای آنها دعا کرده بود تا ایمان‌شان تلف نشود. (لوقا ۲۲:۳۲-۳۲)

متوجه شدن حملات و دروغ‌های شیطان به سمت شاگردان به هیچ‌وجه تعجب‌آور نیست، زیرا مشاهده کردیم او به محض آنکه عیسی تعمید گرفت، کمر به گمراه ساختن او بست. در انجیل متی باب چهار روایت رفتن عیسی به بیابان برای رودررو شدن با وسوسه‌های شیطان بعد از تعمید، ثبت شده است. شیطان تلاش کرد تا از کتاب مقدس برای هدایت عیسی به سمت نتایجی نادرست و اشتباه استفاده کند، اما عیسی کلام خدا را به کار بست تا حملات او را دفع کند. اسلحه‌ای که او به کار برد چیزی نبود جز استفاده از «مکتوب است»، که به معنای "در کتاب مقدس نوشته شده است" می‌باشد.

پولس رسول نیز نگران محفوظ ماندن ایمان ایماندارانی بود که شاگردانش شده بودند. در اعمال رسولان باب ۲۰، او رهبران کلیسا را در افسس گرد هم می‌آورد تا ایشان را تشویق کرده، در ارتباط با آنچه بعد از رفتن وی انتظار آنها را می‌کشد، هشدار دهد.

«زیرا در اعلام اراده‌ی کامل خدا به شما کوتاهی نکرده‌ام. مراقب خود و تمامی گله‌ای که روح‌القدس شما را به نظارت بر آن برگماشته است باشید و کلیسای خدا را که آن را به خون خود خریده است، شبنانی کنید. می‌دانم بعد از رفتنم، گرگ‌های درنده به میان شما خواهند آمد که به گله رحم نخواهند کرد. حتی از میان خود شما کسانی بر خواهند خاست و حقیقت را دیگرگون خواهند کرد تا شاگردان را به پیروی خود از راه به در کنند. پس هوشیار باشید و به خاطر آورید که من سه سال تمام، شب‌وروز، دمی از هشدار دادن به هر یک از شما با اشک‌ها، باز نایستادم. اکنون شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده‌اند، میراث بخشد.»

نه عیسی، نه پولس و نه رهبران کلیسا آن قدر ساده لوح نبودند که باور کنند دشمن از تعلیمات نادرست، برای گمراه کردن مسیحیان، کوتاه می‌آید. سخن راست گفتن هنری است که نیاز است جملگی بیاموزیم، و آن به معنای صرفاً "چگونه از دروغ گفتن دوری کردن" نیست. هدف از چنین تعلیمی بالا بردن سوءظن غیرضروری نیست، بلکه ایجاد آگاهی از خطر است. اگر پدر و مادر هستید و تجربه‌ی بزرگ کردن بچه را دارید، حتماً می‌دانید که در زندگی کودک روزی فرا می‌رسد که باید او را نشانده، به فرزندتان بگویید که همه‌ی غریبه‌ها آدم‌های خوبی نیستند، و ممکن است حتی برخی افراد نیات نادرست داشته باشند و او باید از آنها دوری کند. عدم صداقت با کودکان، می‌تواند او را در معرض خطر قرار دهد.

به جای داشتن زندگی‌ای مملو از سوءظن و بدگمانی، مسیحیان قلباً اطمینان خاطر داشته باشند که می‌توانند حقیقت را یافته و پیروی کنند. عیسی ما را بی‌دفاع رها نکرده است، و بر ما واجب است تا از دستورالعمل‌ها و آنچه برایمان باقی گذاشته است، استفاده کنیم.

«اما شما مسیحی از آن قدوس یافته‌اید و همگی دارای معرفت هستید. من اینها را به شما می‌نویسم، نه از آن رو که حقیقت را نمی‌دانید، بلکه از آن رو که آن را می‌دانید، و نیز می‌دانید که هیچ دروغی از حقیقت پدید نمی‌آید. دروغ‌گو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار می‌کند. چنین کسی همان 'ضد مسیح' است که هم پدر و هم پسر را انکار می‌کند. هر که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و هر که پسر را اقرار کند، پدر را نیز دارد. بگذارید آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند؛ اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند، شما نیز در پسر و در پدر خواهید ماند. و این است آنچه او به ما وعده داده است، یعنی حیات جاویدان. من اینها را به شما درباره‌ی کسانی نوشتم که گمراهتان می‌کنند. اما درباره‌ی شما باید بگویم آن مسح که از او یافته‌اید، در شما می‌ماند و نیازی

ندارید کسی به شما تعلیم دهد، بلکه مسح او درباره‌ی همه‌چیز به شما تعلیم می‌دهد. آن مسح، حقیقی است، نه دروغین. پس همان‌گونه که به شما تعلیم داده است، در او بمانید.»
اول یوحنا ۲: ۲۰-۲۷

ترسان مباشید

عیسی به ما فرموده است تا هشیار باشیم زیرا دشمن ما ابلیس، مانند شیر گرانی است که کسی را می‌طلبد تا بلعد. به ما گفته شده است تا هشیار و مراقب باشیم و این به معنای ترسیدن نیست.

ترس، آن ابزاری نیست که خدا برای هدایت ما به سمت حقیقت به کار می‌گیرد. تعریف ساده‌ی هشیار بودن، به معنای این است که ساده‌لوح و ناآگاه نباشید. ترس می‌تواند عامل شکنجه‌ی روح انسان باشد. قانون کتاب‌مقدس این است که باید همیشه با این طرز فکر زندگی کنید که هرگز نمی‌توانید ایمان‌داری ساکن و غیرفعال باشید. دشمن و ارواح شریری در کمین هستند که اگر راکد و غیرپویا شوید به سرعت شما را گمراه خواهند ساخت. همواره بیدار و هشیار باشید، اما ترس به دل راه ندهید.

ساده‌لوح نباشید

اگر کسی دیدگاهی تند و آتشین درباره‌ی کتاب‌مقدس داشته باشد، سایرین وی را فردی غیرقابل تحمل می‌نامند. حقیقت از اهمیت بالایی برخوردار است. عیسی اذعان نداشت که راهی به سمت خداست، بلکه خود را تنها راه به سمت خدا معرفی کرد. او به هیچ‌وجه حقیقت را مبهم و نامعلوم جلوه نداد، بلکه در اتباط با آن بسیار قاطع و واضح سخن گفت.

آیا خلوص‌نیت به تنهایی کافی است؟ آیا حقیقت مهم است؟ آیا تا زمانی که صادق و بی‌ریا هستید، مهم نیست که به چه چیزی اعتقاد دارید؟ اگر به شما می‌گفتم که در منزل دورهمی ویژه‌ای برگزار کرده‌ام و بعد از آن هم با پیتزا از مدعوین پذیرایی خواهم کرد، از من می‌پرسیدید که کجا زندگی می‌کنم؟ اما اگر در جواب از من می‌شنیدید که دوباره این جواب معروفم را می‌دهم: "تا زمانی که آدم درستکار و صادقی باشید، مهم نیست کدام را بیاید." شما مطمئن می‌شدید که من عقلم را از دست داده‌ام. برای ما که در آمریکا زندگی می‌کنیم و بنا بر فرهنگی که حاکم است، نشان دادن و برجسته کردن باورهاییم برای شما کار اشتباهی از سوی من تلقی می‌شود. به بیان دیگر مثل این است که بگوییم شما آزاد هستید هر راهی را که فکر می‌کنید درست است انتخاب کنید، و مسیرتان در جای درست به پایان خواهد رسید. به عبارت دیگر همه‌ی راه‌ها به خانه‌ی من ختم خواهد شد. چرا باید بخواهم شما باور کنید که واقعاً تنها یک راه درست و یک راه اشتباه برای رسیدن به مقصد وجود دارد؟ زیرا در ارتباط با عیسی و ابدیت نیز همین امر صدق می‌کند. اما این مانعی برای عیسی نبود، او فرمود: "من راه و راستی هستم. اگر مسیر اشتباهی را در پیش بگیرید خلوص نیت شما نمی‌تواند شما را به مقصد برساند!"

«عیسی به او گفت: "من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز

به واسطه‌ی من، نزد پدر نمی‌آید.»

یوحنا ۱۴:۶

روزی شخصی ادعا کرد که می‌توان نیاز به حقیقت نهایی و غایی را از طریق قانون گرانش به تصویر کشید. اگر از بالای یک ساختمان ۲۰ طبقه به پایین پرم و بگوییم به جاذبه‌ی زمین اعتقادی ندارم، باز هم سقوط خواهیم کرد. در نیمه‌های

راه شما می‌توانید پنجره را گشوده از من بپرسید اوضاع چطور است و من پاسخ خواهم داد: "تا اینجا که خیلی خوب بوده است!" اما حقیقت این است که صدای برخورد من به زمین به زودی شنیده خواهد شد!

حقیقت از اهمیت بالایی برخوردار است و پیام صلیب برای کسانی که به حقیقت مطلق صلیب اعتقادی ندارند، ممکن است توهین‌آمیز باشد و باعث رنجش بگردد. آزار رساندن به کسی با قصد و غرض و از روی تعمد، اشتباه است اما نمی‌توان این واقعیت را تغییر داد که پیغام انجیل خود برای بعضی توهین‌آمیز تلقی می‌شود.

زندگی کسانی را که معلمین شما هستند، بیازمایید

«از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگان درنده‌اند. آنها را از میوه‌های شان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوته‌ی خار و انجیر را از علف هرز می‌چینند؟ به همین‌سان، هر درخت نیکو میوه‌ی نیکو می‌دهد، اما درخت بد میوه‌ی بد. درخت نیکو نمی‌تواند میوه‌ی بد بدهد، و درخت بد نیز نمی‌تواند میوه‌ی نیکو آورد. هر درختی که میوه‌ی خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. بنابراین، آنان را از میوه‌های شان خواهید شناخت. نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده‌ی پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" اما به آنها به‌صراحت خواهم گفت، "هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید، ای بدکاران!"»

متی ۲۳:۷-۱۵

عیسی به ما فرمود تا زندگی و میوه‌ی معلمان را مشاهده کنیم. میوه‌ای که آنها می‌دهند تنها راه شناخت آنها به شکلی واقعی است. اگر کسی چیزی را تعلیم

می‌دهد که در ظاهر خوب می‌نماید، اما خود تعلیمش را زندگی نمی‌کند، باید تعلیماتش را رد کنید. اگر معلم و پیشوایی در حقیقت زندگی کند، آن حقیقت در شخصیت او نیز هویدا می‌گردد.

پولس نمونه‌ی بارز و کامل از فردی بود که زندگی‌اش با پیغامی که می‌داد مطابقت کامل داشت. او به کلیسای فیلیپی فرمود که از پیام و سبک زندگی او پیروی کنند، زیرا هر دو به هم بسیار متصل و مرتبط بودند.

«آنچه از من آموخته و پذیرفته‌اید و هرآنچه از من شنیده و یا در من دیده‌اید، همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود.»

فیلمپیان ۹:۴

توانایی گفتن چنین جمله‌ای به عنوان والد، استاد و یا شبان به کس دیگری قطعاً شایان توجه است. هیچ تناقضی بین تعلیم و ثمرات زندگی او وجود نداشت. او تیموتائوس را نصیحت می‌کند از کسانی که نمی‌توانند چنین ادعایی در رابطه با زندگی خود کنند، برحذر باشد.

«اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمان‌های سخت پیش خواهد آمد. مردمان خودپرست، پول‌دوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌عاطفه، بی‌گذشت، غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، خیانتکار، بی‌مبالات و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت. و هرچند صورت ظاهر دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری‌گزین. اینان کسانی هستند که به درون خانه‌ی مردم رخنه کرده، زنان سبک‌مغز را اسیر خود می‌سازند، زنانی را که زیر بار گناهان خم شده‌اند و هوس‌های گوناگون آنان را به هر سو می‌کشد، و با

اینکه همواره تعلیم می‌گیرند، هرگز به شناخت حقیقت نتوانند رسید. همان‌گونه که یونس و یمبریس به مخالفت با موسی برخاستند، این مردان نیز که فکری فاسد و ایمانی مردود دارند، با حقیقت مخالفت می‌کنند. اما راه به جایی نخواهند برد، بلکه حماقت‌شان بر همگان آشکار خواهد شد، چنانکه حماقت آن دو نیز عیان گردید. ولی تو تعلیم و رفتار و هدف و ایمان و صبر و محبت و تحمل مرا و آزارهایی را که دیدم و رنج‌هایی را که کشیدم، نظاره‌گر بوده‌ای و از آنچه در انطاکیه، قونیه و لستره بر سرم آمد و آزارهایی که به من رسید، نیک آگاهی. اما خداوند مرا از آن همه رها نید.

براستی، همه‌ی کسانی که بخواهند در مسیح عیسی با دینداری

زیست کنند، آزار خواهند دید؛ اما شرارت‌پیشگان و شیادان

در بدی پیش خواهند رفت؛ فریب خواهند داد و فریب خواهند خورد. اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای، و چگونه از کودکی کتب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است. تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

دوم تیموتائوس ۱:۳-۱۷

او در رساله‌ای دیگر می‌فرماید که ممکن است استادان بی‌شمار داشته باشیم اما پدران زیاد هرگز. نکته‌ی حائز اهمیت این است که باید با معلمان رابطه‌ای صمیمی و نزدیک داشت و زندگی آنها را از نزدیک مشاهده کرد.

اطمینان حاصل کنید که از تعالیم درستی پیروی می‌کنید

«اینان از مردمان تسالونیکمی نجیب‌تر بودند، زیرا پیام را با اشتیاق پذیرفتند و هر روز کتب مقدس را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا براستی چنین است.»

اعمال رسولان ۱۱:۱۷

پولس از اینکه اهالی بیریه از او درباره‌ی آنچه فرموده بود، سئوالی پرسیدند، آزرده‌خاطر نشد. او حتی درباره‌ی ایشان چنین فرمود که آنها اشخاص نجیب و شریفی هستند زیرا گفته‌های او را از قیاس با تعالیم کتاب مقدس، آزمودند. او در سطوری که به کلیسای غلاطیه می‌نویسد به آنها تعلیم می‌دهد که حتی اگر آنها پیام‌هایی از یک فرشته دریافت کنند نیز باید تابع حقایق کتاب مقدس و انجیل باشد.

«اما حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد! چنانکه بیشتر گفتیم، اکنون باز می‌گویم: اگر کسی انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید به شما موعظه کند، ملعون باد!»
غلاطیان ۱: ۸-۹

اصطلاحی که در زبان اصلی عهدجدید برای تعلیم صحیح استفاده شده است، "اصول سالم" می‌باشد. اصول سالم می‌توانند زندگی روحانی سالمی در پی داشته باشند، در حالی که اصول و مکاتب ناسالم، می‌توانند روح شما را بیمار و پژمرده بگرداند.

«زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوش‌های‌شان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت.»

دوم تیموتائوس ۴: ۳-۴

اصطلاح یونانی برای "اصول سالم" را در تعاریف زیر، ملاحظه کنید. ۵۱۹۸ [idaskalia/did·as·kal·ee·ah hugiaino/hoog·ee·ah·ee·no]، ὑγιαίνω ۱۲ بار مشاهده می‌شود، که شش بار به معنای "سالم" ترجمه شده است، یک بار "سالم بودن"، یک بار "کامل بودن" یک بار "کامل"، یک مرتبه "سلامت‌بخش"، یک بار "سلامت" و "سالم" ترجمه شده است. (۱) سالم بودن، خوب و سالم بودن (۲) استعاره. ۲-الف) به مسیحیانی اطلاق می‌شود که عقایدشان فاقد هرگونه خطا و اشتباهی است. ۲-ب) شخصی که قوی و دریافت‌کننده‌ی فیض است.

۱۳۱۹ διδασκαλία [didaskalia/did·as·kal·ee·ah/] ۲۱ بار مشاهده می‌شود، که ۱۹ مرتبه "اصول"، یک مرتبه "تعلیم"، یک مرتبه "یادگیری"، یک بار "تعلیم و آموزش" ترجمه شده است. ۲-الف) آنچه تعلیم داده می‌شود، اصل و آموزه. ۲-ب) تعالیم، احکام.

همین کلمه در سوم یوحنا ۲، تیتوس ۱:۱۳ و اول تیموتائوس ۱:۱۰ با بار معنایی سلامتی استفاده شده است. این همان لغتی است که در انگلیسی بهداشت و سلامتی ترجمه شده است. به همان شکل که بهداشت فیزیکی خوبی دارید، باید برای داشتن بهداشت کتاب مقدسی خود نیز هر روزه تلاش کنید.

عضو یک کلیسای محلی سالم باشید

«تا اگر تأخیری شد، بدانی که در خانه‌ی خدا که کلیسای خدای زنده و ستون و بنیان حقیقت است، چگونه باید رفتار کرد.»
اول تیموتائوس ۳:۱۵

یک کلیسای جامع و محلی، همان چیزی است که عیسی بر سیاره‌ی زمین نقشه‌ی ساختنش را دارد. پولس رسول آن را ستون و بنیان حقیقت نامید. اگرچه

هر از گاهی اشتباه‌ها و خطاهایی در کلیساهای محلی رخ می‌دهد، اما کماکان بهترین عامل امیدواری خدا برای جهان می‌باشد.

زمانی که یک ایماندار خود را از سایرین جدا می‌کند، دیگر کسی را ندارد که او را مورد بازخواست قرار داده یا زندگی و تعلیماتش را زیر سؤال ببرد. خدا ما را به شکلی خلق کرده تا با یکدیگر زندگی کرده، همدیگر را به چالش بکشیم. ایمان خود را در رابطه‌ای متعهدانه و پرمحبت زندگی کنیم و از این طریق به جهانیان نشان دهیم که شاگردان عیسی هستیم.

کلیسای اولیه بعد از رحلت رسولان و نخستین شاگردان عیسی، با تعالیم نادرست و معلمان کذبه روبه‌رو شد. گاهاً پیش می‌آمد که کلیسا جمع شدن و ملاقات کردن اعضا برای بحث در ارتباط با موضوعی خاص و یا رسیدن به نظری یکسان در ارتباط با تعالیم کتاب مقدس را لازم و ضروری می‌دید. کلیسا با رسیدن به توافق بر سر "اعتقاداتی" اصولی و بنیادین، توانست از ایمان مسیحی حفاظت کرده، آن را مصون نگاه دارد. اعتقادنامه‌ها بیانیه‌ی اعتقادات بنیادین، می‌باشند. آنها اغلب در پاسخ به خطاهایی به خصوص که رخ می‌داد، نوشته می‌شدند. به عنوان مثال، اشتباهاتی درباره‌ی اینکه: عیسی چه کسی است، ماهیت گناه چیست و پرسش‌های مهم دیگری از این قبیل.

از کلیساهای اولیه در طول تاریخ چندین اعتقادنامه بر جای مانده است. دو نمونه‌ی اصلی از آنها عبارتند از اعتقادنامه‌ی رسولان و اعتقادنامه‌ی نیقیه.

اعتقادنامه‌ی رسولان

من ایمان دارم به خدای پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین،

و به پسر یگانه او، خداوند ما عیسی‌ی مسیح.

ایمان دارم به این که او به واسطه روح القدس در رحم قرار گرفت

و از مریم باکره متولد شد.

او در حکومت پنتیوس پیلطس رنج کشید و مصلوب شده،
مرد و مدفون گردید
و به عالم مردگان نزول فرمود و در روز سوم از مردگان برخاست
و به آسمان صعود نموده، به دست راست خدای پدر
قادر مطلق نشسته است.
و از آن جا برای داوری زندگان و مردگان باز خواهد گشت.
من ایمان دارم به روح القدس،
و به کلیسای مقدس جامع و به شراکت مقدسین،
و به آموزش گناهان،
و به رستائیز بدن‌ها،
و به حیات جاودان. آمین

اعتقادنامه‌ی نیقیه

کنستانتین^{۲۸} برای مقابله با شکاف گسترده‌ای که در کلیساها در سال ۳۲۵ پس از میلاد به موجود آمده بود، شورایی را در نیقیه تشکیل داد. اعتقادنامه‌ای که منعکس‌کننده‌ی موقعیت آتاناسیوس اسکندرانی^{۲۹} بود، توسط اکثر اسقف‌های حاضر نوشته و امضا شد. با این وجود، همچنان اختلاف‌هایی بین اعضا باقی ماند.
در سال ۳۸۱ پس از میلاد، شورای دومی نیز در قسطنطنیه تشکیل شد. در این شورا ایشان مدل تجدیدنظر شده و بسط داده شده‌ی اعتقادنامه‌ی سال ۳۲۵ را به رسمیت شناختند، که اکنون آن را به نام اعتقادنامه‌ی نیقیه می‌شناسیم.

^{۲۸}. کنستانتین بزرگ، مشهور به کنستانتین یکم، از سال ۳۰۶ تا ۳۳۷ میلادی امپراتور روم بود، وی نخستین امپراتور رومی‌ای بود که به مسیحیت گروید و برای تقویت امپراتوری اصلاحات متعددی را انجام داد. م.

^{۲۹}. Athanasius of Alexandria) آتاناسیوس یکی از مهم‌ترین الهی‌دانان مسیحی و بیستمین پاپ اسکندریه بود. او به خاطر دفاع قاطعانه‌اش از باورهای ارتدوکسی در برابر آریانسم و تأکید بر تثلیث و الوهیت عیسای مسیح شهرت دارد. م.

اعتقادنامه‌ی نیکیه

ما ایمان داریم به یک خدا، پدر قادر مطلق،
آفریننده‌ی آسمان و زمین و همه‌ی چیزهای دیدنی و نادیدنی پیدا و ناپیدا.
و ایمان داریم به یک خداوند، عیسیای مسیح،
پسر یگانه‌ی خدا، مولودِ ازلی از پدر،
نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی،
مولود و نه مخلوق، که او را با پدر یک ذات است.
همه چیز به واسطه‌ی او آفریده شد؛
او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما از آسمان نزول کرد،
و به واسطه‌ی روح القدس از مریم باکره جسم گرفت و انسان شد.
رنج کشیده و مدفون گشت، و روز سوم بر حسب کتب مقدس از
مردگان برخاست؛
و به آسمان‌ها صعود کرد و به دست راست پدر نشسته است،
و بار دیگر با جلال می‌آید تا زندگان و مردگان را داوری کند
و سلطنت او را پایانی نخواهد بود.
و ایمان داریم به روح القدس، خداوند و بخشنده‌ی حیات،
که از پدر (و از پسر) صادر می‌گردد،
و با پدر و با پسر پرستیده می‌شود و جلال می‌یابد،
و به واسطه‌ی انبیا سخن گفته است.
و ایمان داریم به یک کلیسای جامع و مقدس که کلیسای رسولان
است. و به یک تعمید برای آمرزش گناهان اذعان داریم
و رستاخیز مردگان و حیات عالم آینده را انتظار می‌کشیم. آمین

اعتقادنامه‌ی کلیسای ما

- ✓ ما ایمان داریم که کتاب مقدس مرجعی است مهم از خدا، مصون از خطا و دارای اقتدار برای اعتقادات و اصول ایمان مسیحی.
- ✓ ما ایمان داریم که خدای واحد، وجودی است ازلی و ابدی در سه شخصیت پدر، پسر و روح القدس.
- ✓ ما ایمان داریم که انسان شبیه خدا آفریده شد، ولی در اثر گناه، تباه شده است و قدرت نجات خویش را ندارد. برای بازگشت دوباره به نزد خدا باید از نو متولد شویم.
- ✓ ما ایمان داریم که عیسای مسیح تنها پسر، پدر آسمانی ما می باشد که خداوند از طریق او و روح القدس، زمین را آفریده. عیسای مسیح همان خداست که از طریق قربانی شدن او در جلجتا می توانیم به حضور خدای پدر برویم.
- ✓ ما ایمان داریم به اینکه عیسای مسیح برای گناهان ما مرد و در روز سوم از مردگان برخاست همان گونه که پیشگویی شده بود و از طریق توبه و ایمان به او، بخشش رایگان خداوند را خواهیم داشت.
- ✓ ما ایمان داریم که برای پر شدن از عیسای مسیح، نیاز داریم که تولد تازه داشته باشیم و بوسیله آب و روح القدس تعمید بگیریم.
- ✓ ما ایمان داریم که عیسی دیروز، امروز و تا ابد یکسان است. بنابراین ایمانداران باید در دعا بوده، عطایای روح القدس را همواره بطلبند.
- ✓ ما اعتقاد داریم به قدرت و اهمیت کلیسا، و نیاز ایمانداران به گردهمایی منظم برای مباشرت مقدسین، دعا و «پاره کردن نان»؛ ما باور داریم به ضرورت دریافت تعمید آب، عشای ربانی و دعا برای بیماران.
- ✓ ما ایمان داریم که روح القدس در درون هر آن کس که مسیح را بپذیرد، قرار می گیرد تا او را برای رسیدن به هدفی که برایش در زندگی تعیین شده است

یعنی: پرستش خدا، ایفای نقش فردی در کلیسا و خدمت در جامعه و داشتن زندگی پارسایانه و مقدس، نیرو ببخشد.

✓ ما ایمان داریم که مقصد نهایی ما یعنی بهشت یا جهنم به واسطه‌ی پاسخ‌مان به خداوند عیسای مسیح تعیین می‌شود.

✓ ما ایمان داریم که عیسای مسیح با اقتدار و جلال به این دنیا باز خواهد گشت و مردگان و زندگان را داوری خواهد کرد.

هدف از اعتقادنامه‌هایی مانند بیانیه‌های باورهای کلیسای مدرن، مقابله کردن با خطاها و متحد ساختن کلیساها حول تعالیم و مکتب سالم و مشترکی است. خود کتاب مقدس کامل‌ترین بیانیه در ارتباط با حقیقت است، اما هر زمان که دو نفر شروع به رایزنی و گفت‌وگو کنند، حداقل با سه نظریه‌ی متفاوت مواجه خواهیم بود. توافق کردن و سازش با یکدیگر به جهت تمرکز بر روی سادگی حقایق کتاب مقدس از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

وقتی اولین بار تصمیم گرفتیم که تمامی زندگی‌ام را تقدیم عیسی کرده از او پیروی کنم، دعایی نگاشتم که مادام‌العمر آویزه‌ی گوشم کنم، این دعا حقیقت را همواره به من یادآور شده و مرا کمک کرده که دچار اشتباه نشوم. آن کلمات همچنان نیایش امروزه‌ی من، و دعای من برای شما است.

خدا از شما می‌خواهد که زندگی مسیحی سالم و پویایی داشته باشید. همچنان که حقایق صحیح را در زندگی خود ادغام کرده و به طور منظم به کار می‌بندید، می‌توانید خاطر جمع باشید که به عنوان پیروان مسیح رشد کرده، به بلوغ ایمانی دست خواهید یافت.

پرسش‌هایی برای تأمل و بررسی:

- شیطان پدر دروغ‌گویان است و در صدد است ما را فریب دهد. چگونه می‌توان جلوی او را گرفت؟

- حقیقت چه کسی است؟
- حقیقت را باید بر چه مبنایی قرار داد؟ آیا می‌شود آن را بر مبنای تجربه قرار داد؟
- چگونه می‌توان مطمئن شد که شخصی زندگی صادقانه و درستی دارد؟ (متی ۲۰:۷)
- چگونه می‌توانید اطمینان حاصل کنید که از سلسله اعتقادات درستی پیروی می‌کنید؟ (اعمال رسولان ۱۱:۱۷)
- آیا در اعتقادات شما زمینه‌ها و مسائلی وجود دارد که بیشتر از کلام‌خدا مبتنی بر تجربیات‌تان باشد؟

ضمیمه‌ی اول

بارزش‌ها را نگاه دارید و بی‌ارزش‌ها را دور بریزید - چگونه راست‌گو باشیم؟

شبان تری رابرتس^{۳۰}

روزنامه‌ی آنلاین؛ ۵ فوریه ۲۰۱۴

زمانی که تئوری‌های توطئه‌ی اینترنتی را در گوگل جست‌وجو کردم، با این لیست در روزنامه‌ی تلگراف^{۳۱} مواجه شدم:

- ۱) ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ (آمریکا خود هواپیماهایش را منفجر کرد).
- ۲) ترور جان اف. کندی^{۳۲} (از مافیا و اوباش گرفته تا لیندون جانسون^{۳۳} ممکن است قاتلین او باشند).
- ۳) منطقه‌ی رازول (موجودات فضایی که در دهه‌ی ۵۰ در نیومکزیکو سقوط کردند در این محل نگهداری می‌شوند. مطمئناً آنها سیگنال‌های ریتمیکی دریافت کرده بودند).
- ۴) فرود بر کره‌ی ماه توسط ناسا، جعل شده است.
- ۵) ایلومیناتی‌ها و گروه نظم نوین جهانی (ما توسط یک جامعه‌ی جهانی مخفی کنترل می‌شویم).
- ۶) الویس پریسلی^{۳۴} مرگ خود را جعل کرده است (او در حال بنزین زدن در ممفیس^{۳۵} دیده شده است).
- ۷) شکسپیر واقعاً همان شکسپیر نبوده است.

^{۳۰}. Pastor Terry L. Roberts

^{۳۱}. Telegraph

^{۳۲}. John F. Kennedy

^{۳۳}. Lyndon Johnson

^{۳۴}. Elvis Presley

^{۳۵}. Memphis

۸) پُل مک کارتنی^{۳۶} واقعی مرده است. (من کسی که بدل او است را در سنت-لوییس^{۳۷} دیده‌ام.)

۹) هارولد ویلسون^{۳۸} در اصل مأمور شوروی بوده است (نخست‌وزیر سابق بریتانیا)

۱۰) ویروس ایدز ساخته‌ی دست بشر است و در آزمایشگاه ساخته شده است.

یکی از وب‌سایت‌ها معتقد است که افراد مو قرمز بیگانه‌های فضایی هستند. من معتقد هستم بالاخره یکی از اینها ممکن است واقعی باشد. راستی کلمه‌ی "ساده‌لوح"^{۳۹} در دیکشنری وجود ندارد. من لیستی که تلگراف داده است را تضمین نمی‌کنم، اما از یک چیز مطمئن هستم.



با وجود تمام خطاهای موجود در دنیا، چگونه می‌توانید واقعیت را تشخیص دهید؟

به عنوان یک ایماندار مسیحی می‌توانم لیستی از واعظان و شبانان مشهوری ارائه دهم که خود من با آنها هم‌نظر یا کاملاً مخالف هستم. مبشری مسیحی و

^{۳۶}. Paul McCartney

^{۳۷}. St. Louis

^{۳۸}. Harold Wilson

^{۳۹}. نویسنده از کلمه‌ی gulibale به معنای ساده‌لوح استفاده کرده است. م.

بسیار مشهور اذعان داشت که مسیح نیامد تا ماشیح یهودیان شود (البته که او این کار را کرد.) واعظانی که شنیدن وعظهایشان را در رادیو بسیار دوست دارم، معتقد هستند که عطایای روحانی دیگر وجود ندارند و خدا دیگر مردم را شفا نمی‌دهد. (من هنوز هم دوست دارم به موعظات ایشان گوش فرا دهم.) یکی از واعظانی که نطق‌هایش بسیار خوشایند من بود، تعلیم می‌داد که اگر ایمانداران گناهی مرتکب شوند، هرگز جایگاه‌شان را در نزد خدا از دست نخواهند داد. من این فرد را بسیار دوست دارم و کاری که خدا با زندگی او کرده است، باعث بنای من می‌شود، اما با تعلیم او کاملاً مخالف هستم. جان وسلی و وایتفیلد بر سر مسئله‌ی اراده‌ی آزاد و جبر، اختلاف‌نظر داشتند. پولس رسول و برنابا چنان اختلافی داشتند که دیگر حتی نمی‌توانستند با هم سفر کنند. می‌توانم صفحات و سطور بسیار صرف آوردن مثال‌های بی‌شمار دیگر کنم. یافتن یک فرد "اصیل" بسیار دشوار است.

مدرسه‌ی الهیات این اصل را به من آموخت که "بازرزش‌ها را نگاه دارید و بی‌ارزش‌ها را دور بریزید." گاو به خوبی می‌تواند تشخیص دهد که چه چیزی قابل خوردن و چه چیزی مضر است. او مفیدها را هضم کرده و غیرمفیدها را دفع می‌کند. عاقلانه است که یاد بگیریم به اندازه‌ی یک گاو، باهوش باشیم.

پولس اهالی بیریه را نجیب خواند زیرا آنها روزانه به تفحص کتاب‌مقدس می‌پرداختند تا مطمئن شوند که او واقعاً حقیقت را تعلیم می‌دهد یا خیر. عیسی فرمود: «کلام تو حقیقت است.» او به وضوح بیان کرد که کتاب‌مقدس تنها راهنمای ما برای تشخیص حقیقت است. هرچیز و هرکس دیگری قابل بررسی و جایز الخطا می‌باشد.

«اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمان‌های سخت پیش خواهد آمد. مردمان خودپرست، پول‌دوست، لاف‌زن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌عاطفه، بی‌گذشت، غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، خیانتکار، بی‌مبالا و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست

خواهند داشت و هرچند صورت ظاهر دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری گزین. اینان کسانی هستند که به درون خانه‌ی مردم رخنه کرده، زنان سبک‌مغز را اسیر خود می‌سازند، زنانی را که زیر بار گناهان خم شده‌اند و هوس‌های گوناگون آنان را به هر سو می‌کشد، و با اینکه همواره تعلیم می‌گیرند، هرگز به شناخت حقیقت نتوانند رسید. همان‌گونه که ینیس و یمبریس به مخالفت با موسی برخاستند، این مردان نیز که فکری فاسد و ایمانی مردود دارند، با حقیقت مخالفت می‌کنند. اما راه به جایی نخواهند برد، بلکه حماقت‌شان بر همگان آشکار خواهد شد، چنانکه حماقت آن دو نیز عیان گردید. ولی تو تعلیم و رفتار و هدف و ایمان و صبر و محبت و تحمل مرا و آزارهایی را که دیدم و رنج‌هایی را که کشیدم، نظاره‌گر بوده‌ای و از آنچه در آنطایفه، قونیه و لستره بر سرم آمد و آزارهایی که به من رسید، نیک آگاهی. اما خداوند مرا از آن همه رها کنید. براستی، همه‌ی کسانی که بخوانند در مسیح عیسی با دینداری زیست کنند، آزار خواهند دید؛ اما شرارت‌پیشگان و شیادان در بدی پیش خواهند رفت؛ فریب خواهند داد و فریب خواهند خورد. اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای.»

دوم تیموتائوس ۳: ۱-۱۴

آنچه را که به درون قلب و ذهن خود راه می‌دهید، با دقت بسنجید. پولس رسول فرمود که که با دقت مراقب شیوه‌ی زندگی و تعلیم خود باشیم، زیرا نحوه‌ی زندگی کردن ما می‌تواند عامل بنا یا افتادن دیگرانی شود که ما را می‌بینند. از تعویض کانال، بستن کتاب و یا دنبال نکردن افراد در فیسبوک، نترسید و در عوض به دنبال دریافت تعلیم و صحبت کردن با اشخاص واقعی باشید.

در حقیقت گام بردارید

شبان تری رابرتس

ضمیمه‌ی دوم

آیا عیسی‌ای مسیح تنها راه رسیدن به خدا است؟

موعظه‌ای از مجموعه موعظت:

پرسش‌های خدا شماره‌ی ۳

۱۶ اکتبر ۲۰۱۰

آیا خلوص نیت کافی است؟ آیا حقیقت مهم است؟ آیا تا زمانی که صادق هستیم، اعتقاداتمان مهم است؟
عیسی‌ای مسیح این جسارت را داشت که بگوید «من راه هستم».

شما می‌گویید عیسی کیست؟

«چون عیسی به نواحی قیصریه‌ی فیلیپی رسید، از شاگردان خود پرسید: "به گفته‌ی مردم، پسر انسان کیست؟" آنان پاسخ دادند: "برخی می‌گویند یحیی‌ای تعمیددهنده است. بعضی دیگر می‌گویند ایلیا، و عده‌ای نیز می‌گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است." عیسی پرسید: "شما چه می‌گویید؟ به نظر شما من کیستم؟" شمعون پطرس پاسخ داد: "تویی مسیح، پسر خدای زنده!" عیسی گفت: "خوشا به حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است."

متی ۱۶: ۱۳-۱۷

در آخر همه‌چیز به این بستگی دارد که شما معتقد هستید عیسی کیست. بیایید جایگاه شهودی ترتیب دهیم، چند نفری را از کتاب مقدس برای شهادت، دعوت کنیم. سکوی شهادت برای همین مسائل وجود دارد:

- ✓ یحیای تعمیددهنده فرمود: «این است بره‌ی خدا که گناه از جهان برمی‌گیرد!»
- ✓ فرشته‌ی خدا جبرائیل گفت: «...تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهان‌شان نجات خواهد بخشید.»
- ✓ متی درباره‌ی نبوت تحقق یافته‌ی اشعیا می‌گوید: «او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهان‌شان نجات خواهد بخشید.»
- ✓ مجوسیان او را «آن مولود که پادشاه یهود است» خواندند.
- ✓ شیطان هویت او را زیر سؤال برد: «اگر پسر خدایی...»
- ✓ یوزباشی گفت: «سرورم، شایسته نیستم زیر سقف من آیی. فقط سخنی بگو که خدمتکارم شفا خواهد یافت. زیرا من خود مردی هستم زیر فرمان. سربازانی نیز زیر فرمان خود دارم. به یکی می‌گویم "برو" می‌رود، و به دیگری می‌گویم "بیا" می‌آید. به غلام خود می‌گویم "این را به جای آر" به جای می‌آورد.»
- ✓ شاگردان گفتند: «این کیست که حتی باد و دریا (طبیعت م.) هم از او فرمان می‌برند!» شاگردان هراسان شده از خود می‌پرسیدند: «این چگونه شخصی است؟ حتی باد و امواج نیز از او فرمان می‌برند!»
- ✓ دو نابینا او را پسر داود خواندند: «دو مرد کور... فریاد برمی‌آوردند که: "سرور ما، ای پسر داود، بر ما رحم کن!"»
- ✓ ارواح پلید او را شناخته، ای قدوس خدا خطابش کردند: «مردی بود که روح پلید داشت. او فریاد برآورد: "ای عیسای ناصری، تو را با ما چه کار است؟ آیا آمده‌ای نابودمان کنی؟ می‌دانم کیستی! تو آن قدوس خدایی!"»
- ✓ پدر او را «پسر محبوب من ... از تو خوشنودم» خواند.
- ✓ او به شخصه چندین مرتبه خود را پسر انسان خطاب کرد... زمانی که کاهن اعظم از او پرسید که آیا مسیح است در جواب فرمود: «آما عیسی همچنان

خاموش ماند. کاهن اعظم به او گفت: "به خدای زنده سوگندت می‌دهم که به ما بگویی آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟" عیسی پاسخ داد: "تو خود چنین می‌گویی! و به شما می‌گویم که از این پس پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته، بر ابرهای آسمان می‌آید"

✓ زمانی که پیلاتس از عیسی پرسید که آیا خود را پادشاه یهود می‌داند. او فرمود: «آیا تو پادشاه یهودی؟» عیسی پاسخ داد: "تو می‌گویی!" این جوابی بس قانع‌کننده است.

۱) مورمون‌ها او را (نه آن عیسایی که ما می‌پرستیم)، برادر شیطان می‌دانند. آنها معتقد هستند که عیسی و لوسیفر برای به دست آوردن مقام ناجی‌گری زمین با هم به رقابت پرداختند. نقشه‌ای که عیسی کشیده بود مورد تأیید قرار گرفت، لوسیفر شورش کرده تبدیل به وسوسه‌کننده و فریب‌دهنده‌ی سیاره‌ی زمین شد. به عوض اینکه عیسی را شخصیت ابدی که با پدر هم‌رتبه است بدانند، عیسای مورمون‌ها، زمانی یک مردی فانی بود و قبل از اینکه جسم انسان به خود گیرد به مقام و فضیلت خدایی دست یافت. روح او سپس توسط "پدر ازلی" که از سیاره‌ی کلوب^{۴۰} آمده بود در بطن مریم باکره جای گرفت.

۲) مسلمان‌ها معتقدند که عیسی بنده‌ی خدای ایشان الله بوده محمد پس از او و به جایگزینی وی آمده است. بعضی از آنها معتقدند که خدای یهودیان و مسیحیان همان الله آنها است. اما این درست نبوده خدای اسلام با خدا کتاب مقدس به هیچ‌وجه یکی نیست.

سی. اس. لوویس^{۴۱} در کتاب مسیحیت محض^{۴۲} می‌گوید: "من در اینجا در تلاش هستم تا نگذارم کسی جمله‌ی نابخردانه‌ی من حاضر هستم عیسی را به

^{۴۰}. Planet Kolob

^{۴۱}. C.S. Lewis

^{۴۲}. Mere Christianity

عنوان یک معلم اخلاقیات بی‌نظیر بپذیرم، اما نمی‌توانم ادعای او مبنی بر خدا بودن را قبول کنم." را به کار ببرد. این تنها چیزی است که باید از گفتن آن اجتناب کنیم. اگر کسی بیانیات عیسی را مطالعه کند، هیچ‌وقت فقط او را یک معلم اخلاق بزرگ، نمی‌خواند. او را می‌توان یک دیوانه خواند - در حدی که عقل و منطقتش با یک تخم‌مرغ آب‌پز برابری کند - و یا خود شیطان که از جهنم آمده است. شما باید بین این و آن، یکی را برگزینید. این مرد یا پسر خدای زنده بوده و هست و یا مردی دیوانه و حتی بدتر! می‌توانید او را احمق خوانده به کل نفی کنید، بر او آب دهان بیاندازید و یا او را همچون شریر و شیطان بکشید؛ یا اینکه به پاهایش افتاده او را خداوند خدا بخوانید. اما اجازه ندارید که با مهملی چون معلم بی‌نظیر بشریت بودن، کنار بیایید. او چنین حق انتخابی را به ما نمی‌دهد. هیچ‌گاه قصد چنین کاری را نیز نداشته است.

"اگر عیسی را پسر خدا و مسیح موعود نمی‌دانید... قطعاً نمی‌توانید او را انسان خوبی نیز بنامید. او خود فرمود که فرستاده شده از جانب خدا و ماشیح است. هیچ حد وسطی وجود ندارد. عیسی یا ماشیح است و یا دروغ‌گو."

چرا عیسی صلاحیت دارد که نجات‌دهنده‌ی جهان باشد؟

«آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مهر مَمهور بود. و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به بانگ بلند ندا می‌داد: "کیست که سزاوار برداشتن مهرها و برگشودن طومار باشد؟" و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند. من زار زار می‌گریستم زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد. آنگاه یکی از پیران

به من گفت: "گریان مباش. اینک آن شیر قبیله‌ی
یهودا، آن ریشه‌ی داود، غالب آمده است،
تا طومار و هفت مهر آن را بگشاید."
مکاشفه ۵: ۱-۵

«زیرا او همچون من انسان نیست که پاسخش گویم، و تا با هم به محکمه رویم.
میان ما داوری نیست تا بر هر دوی ما دست بگذارد.»
ایوب ۹: ۳۲-۳۳

«زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد،
یعنی آن انسان که مسیح عیسی است؛ او که با دادن جان خود، بهای رهایی
جمله‌ی آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد.»
اول تیموتائوس ۲: ۵-۶

«و درباره‌ی پسر اوست، که چون انسانی خاکی از صلب داود به دنیا آمد، و با
رستاخیز از میان مردگان، به سبب روح قدوسیت، به مقام پسر قدرتمند خدا
منسوب شد، یعنی خداوند ما عیسای مسیح.»
رومیان ۱: ۳-۴

یوحنا‌ی رسول گریست زیرا سرنوشت و نقشه‌ای که خدا برای انسان داشت
متوقف شده بود. طومار ذکر شده نقشه‌ی خدا برای انسان است. به دلیل وقوع گناه
در باغ، شکست‌ها، گناه‌ها و فساد مداوم انسان هنوز به انجام نرسیده و متوقف شده
است.

هیچ کس چه در آسمان، رو و یا زیر زمین، صلاحیت گشودن آن را ندارد...
مکاشفه‌ی نقشه‌ی الهی... هدف از نگارش کتاب مکاشفه همین است... ایام آخر...

مکاشفه‌ی عیسی... پاسخی کامل برای مشکل انسان. خدا زمین را به انسان بخشید... او نمی‌توانست جان خود را بدهد، زیرا خدا بود. فرشتگان نمی‌توانستند انسان شوند. همه گناه کرده بودند و هیچ‌کس نمی‌توانست برای گناهان دیگری قربانی شود... هرکس باید به سبب خطاها و گناهان خود می‌مرد.

تنها عیسی واجد شرایط بود. صادر شده از خدا... به دور از گناه... از ذریت زن... از نسل آدم... ابراهیم... داود.

او برای ما زیست و مصلوب شد.

تنها او صلاحیت دارد تا ما را نجات دهد. تنها در مسیحیت است که تعلیم داده می‌شود خدای مهربانی وجود دارد که حاضر شده است تنها پسرش را بدهد تا ما را دوباره به خود ملحق کند.

آیا عیسی تنها راه رسیدن به بهشت است؟

«دل شما مضطرب نباشد. به خدا ایمان داشته باشید؛ به من نیز ایمان داشته

باشید. در خانه‌ی پدر من منزل بسیار است، و گرنه به شما می‌گفتم. می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم. و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم، باز می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید. جایی که من می‌روم راهش را می‌دانید." تو ما به او گفت: "ما حتی نمی‌دانیم به کجا می‌روی، پس چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟" عیسی به او گفت: "من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز به واسطه‌ی من، نزد پدر نمی‌آید."

یوحنا ۱۴:۱-۶

این عظیم‌ترین قولی است که در تاریخ تا به حال توسط عظیم‌ترین کسی که بر روی زمین زندگی کرده است؛ و درباره‌ی عظیم‌ترین مکانی که تا به حال مجسم

شده است؛ به بشریت داده شده است. من به آنچه عیسی در مورد خودش، درباره‌ی بهشت، و در مورد راه رسیدن به آنجا گفت، ایمان دارم.

چهار دین اصلی در جهان عبارتند از: مسیحیت، اسلام، هندوئیسم و بودیسم. آنها همگی راه و روش‌های متفاوتی در ارتباط با خدا و نجات آموزش می‌دهند. ممکن است همه‌ی آنها اشتباه باشند، اما همه‌ی آنها نمی‌توانند هم‌زمان درست باشند.

بودیسم - معتقد است از مسیری هشت‌گانه می‌توان به نیروانا رسید. شما بر امیال غلبه می‌یابید تا بتوانید به جایی برسید که دیگر رنج و دردی نیست. (اما این خدا است که به شما امیال را داده است.)

هندوئیسم - همه به سمت نیروانا، پوچی و حالت نیستی در حال حرکت هستند، اما این اتفاق از طریق مردن مکرر حادث می‌شود. افراد بر مبنای کارها و اعمال‌شان جایگاهی بالا یا پایین به دست می‌آورد. (مقرر شده است که انسان یک بار بمیرد... و در پی آن قیامت است). این باور بر مبنای انتقال ارواح شکل گرفته است... اگر در این زندگی یک گاو را بکشی، در زندگی بعدی تبدیل به یک فرد نادان با پستی قوزدار می‌شوی... و این داستان ادامه دارد.

اسلام - با رعایت پنج رکن، شخص می‌تواند به الله برسد. نام بهشت ایشان جنت نهاده شده است و دین بر پایه‌ی تسلیم و سرسپردگی بنا نهاده شده است. این دین می‌تواند خوفناک باشد، زیرا اطاعت و تسلیم در برابر خدا را یا با اراده و یا با توسل به زور می‌آموزد. در کتابی که آنها مقدس می‌دانند، آمده است که می‌شود کسانی را که سر تسلیم فرود نمی‌آورند، کشت.

تمام این ادیان نمی‌توانند درست باشند... یک راه وجود دارد... ما باور داریم که آن راه عیسی است... عیسی نیز این حقیقت را باور دارد.

شخصی روزی گفت دین تنها درباره‌ی کارهایی است که باید انجام داد... کارهایی که باید انجام داد تا به خدا رسید.

مسیحیت درباره‌ی کاری است که در حق ایمانداران از قبل انجام شده است. عیسی آن را برای ما به انجام رساند.

«آنگاه از او پرسیدند: "چه کنیم تا کارهای پسندیده‌ی خدا را انجام داده باشیم؟" عیسی در پاسخ گفت: «کار پسندیده‌ی خدا آن است که به فرستاده‌ی او ایمان آورید.»
یوحنا ۶:۲۸-۲۹

«چون او آید، جهان را مجاب خواهد کرد که به لحاظ گناه و عدالت و داوری، تقصیرکار است. به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند.»
یوحنا ۱۶:۸-۹

✓ شما می‌گویید عیسی کیست؟

✓ چرا عیسی واجد شرایط است که نجات‌دهنده‌ی جهان باشد؟

✓ آیا عیسی تنها راه رسیدن به پدر است؟

مسیحیان باید با کسانی که پیرو سایر ادیان هستند، چه رفتاری داشته باشند؟

کسانی که در آمریکا زندگی می‌کنند (کشور نویسنده) در کشوری هستند که دارای آزادی مذهب است. در آنجا کسانی را که بودا، محمد یا عیسی را مسخره کنند، نمی‌کشند.

در آمریکا همیشه می‌گوییم که بیایید تفاوت ایده‌ها را بر روی میز مباحثه قرار دهیم و بگذاریم خودشان به حرف بیایند... عیسی همیشه برنده‌ی این مباحثات است.

از آنجایی که مسیری که این ادیان نشان می‌دهند کارآمد نمی‌باشد، همچنان بدون امید و به دور از خدا هستند... بیایید در حکمت و دانش در موقعیتی باشیم که وقتی دین‌شان در پاسخ دادن به خواسته‌های‌شان قاصر می‌آید، به آنها پاسخ دهیم.

ما با دوست شدن با دشمنان‌مان، آنها را با آن فرصتی آشنا می‌کنیم که خدا به تمامی بشریت عرضه کرده است. اگر نپذیرند و امتناع کنند، ما آنها را نمی‌کشیم. آنها تنها در پیشگاه خدا است که باید پاسخ‌گو باشند نه انسان.

«بلکه در دل خویش مسیح را به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هرکس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گویند، اما به نرمی و با احترام.»
اول پطرس ۳:۱۵

ضمیمه‌ی سوم
مطالعه و تفسیر کتاب مقدس
برگرفته شده از يك موعظه:
۱۹ نوامبر ۲۰۰۳

«اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای، و چگونه از کودکی کتب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است. تمامی کتب مقدس الهام (دم الهی) خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»
دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۷

θεόπνευστος^{۴۳} (theopneustos) (صفت)، کلمه‌ی یونانی به معنای الهام گرفته شده از خدا، الهام و دم الهی می‌باشد.
θεόπνευστος^{۴۴} (theopneustos) دم الهی، و یا الهام گرفته شده از خدا. شما می‌توانید کلمات ریشه‌ای را در این جمله ببینید -theo - خدا -pneustos - دم الهی را -pneuma - دمید.
(دستگاه‌های استنشاقی و بادی را با هم مقایسه کنید. هر دو به حرکت هوا وابسته هستند.)
نوشته‌های اصلی کتاب مقدس از خدا الهام گرفته‌اند.

^{۴۳}. Strong number ۲۵۳۵

^{۴۴}. Strong number ۲۳۱۵

«زیرا آنگاه که ظهور پر قدرت خداوندمان عیسی‌ای مسیح را به شما اعلام می‌کردیم، از پی افسانه‌هایی که زیرکانه ابداع شده باشند زرفته بودیم، بلکه کبریای او را به چشم دیده بودیم. زیرا از خدای پدر، جلال و اکرام یافت و سروشی از جلال کبریایی به او در رسید که، "این است پسر محبوبم که از او شنوادم. ما خود بر آن کوه مقدس با او بودیم و آن سروش آسمانی را به گوش شنیدیم. به علاوه، کلام بس مطمئن انبیا را داریم که نیکوست بدان توجه کنید، چرا که همچون چراغی در مکان تیره و تاری می‌درخشد تا آنگاه که سپیده برآمد و ستاره‌ی صبح در دل‌های تان طلوع کند. قبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحی کتب مقدس زاییده‌ی تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچ‌گاه به اراده‌ی انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.»

دوم پطرس ۱: ۱۶-۲۱

کتاب مقدس کلام الهام شده‌ی خدا است، نوشته شده با قلم مردان مقدس در قدیم‌الایام که آنچه را که می‌نوشتند و یا بیان می‌کردند، تأثیر گرفته از هدایت روح القدس بوده است. پیمان تازه، که در عهدجدید ثبت شده است، آن کائناتی است که باید به عنوان راهنمایی مصون از خطا در ارتباط با اصول وابسته با هدایت شدن و تعالیم در زندگی‌مان بپذیریم.

سه ترجمه‌ی اصلی کتاب مقدس به زبان انگلیسی وجود دارد.

- ✓ ترجمه‌ی تحت‌اللفظی (معروف‌ترین آنها ترجمه‌ی کینگ جیمز^{۴۵}، کینگ جیمز جدید^{۴۶}، کتاب مقدس جدید امریکایی^{۴۷})
- ✓ ترجمه‌ی تفسیری (کتاب مقدس‌هایی مانند کلام زنده و خبر خوش که متنی تفسیری و آسان‌تر دارند)

^{۴۵}. King James,

^{۴۶}. New King James

^{۴۷}. NASB

✓ ترجمه‌ی پویا و پرروح مانند نسخه‌ی بین‌المللی است. (مترجم آن را به گونه‌ای نوشته است که اگر کاتبین اولیه انگلیسی زبان بودند، آن را به همان گونه می‌نوشتند.)

هرکدام از مزایا و معایبی برخوردار هستند اما بهترین روش برای انتخاب، مقایسه‌ی ترجمه‌ها با هم است.

در مقایسه‌ی نسخه‌های خطی، آنها از زبان یونانی ترجمه شده‌اند. ۹۸ درصد از محتوای متون مختلف یونانی یکسان بوده و دو درصد تنها دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این دو درصد تأثیر قابل‌توجهی برای پیغام و تعالیم کتاب ندارند.

به نمونه‌ای از تفسیر نادرست که در زیر مثال زده شده است، توجه کنید. «یاد پارسیان برکت خواهد بود، اما نام شیرین خواهد پوسید.» امثال ۷:۱۰ دیگران می‌گویند این آیه می‌گوید که شما به خوبی همه‌چیز را به یاد خواهید آورد. من می‌گویم که به این معنی است که خدا از ما می‌خواهد که همه‌چیز را به خوبی به یاد آوریم. اما حقیقت این است که کتاب مقدس در اینجا اصلاً درباره‌ی حافظه و به یاد آوردن چیزی صحبت نمی‌کند، بلکه سخن از خاطراتی می‌کند که از خود بر جای می‌گذاریم. این آیه سخن از تفاوتی می‌کند که بین یادبود صالحان و شیرین بعد از مرگ‌شان، بر جای می‌ماند. صحبت از این است که سایرین از آنها چگونه یاد خواهند کرد!

نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم این است که تقریباً اکثر معلمان کتاب مقدسی‌ای که می‌شناسید، با آن هم‌نظر هستند... به نظر من تفسیر متن با امانت‌داری و صداقت، از بالاترین جایگاه و اهمیت برخوردار است.

اصول تفسیر کتاب مقدس

(۱) با کتاب مقدس شروع کنید، نه از یک تعلیم و یا نتیجه‌گیری مجزا.

کتاب مقدس معیار سنجیدن اصول است؛ اصول سنگ محک کتاب مقدس نیستند. تفسیر، خواندن قابل فهم متن می‌باشد. تعبیر کتاب مقدس اما به معنای تحمیل وضعیت شخصی به متن می‌باشد.

(۲) زمینه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (این امر در ارتباط با متن مورد نظر به عنوان یک کلیت نیز صادق است).

بسیار پیش آمده است که درباره‌ی مصاحبه‌های خبری بشنویم که بعد از اینکه کل مصاحبه انجام شده است، جملات و حرف‌های مصاحبه شونده از مصاحبه‌ی اصلی حذف و یا جابه‌جا شده تا تبدیل به آن چیزی بگردد که از قبل تعیین شده بود!

در ارتباط با کتاب مقدس موارد زیر را باید در نظر داشته باشیم:

✓ آیاتی که قبل و بعد متن مورد نظر قرار دارند.

✓ کتابی که متن مورد نظر در آن نوشته شده است.

✓ کلام‌خدا به عنوان یک کل

(۳) جویای مشورت کامل از کلام‌خدا باشید

برای استخراج اصل الهیاتی، آیه‌ی مورد نظرتان را خارج از متن در نظر نگیرید.

«و از همین سخن می‌گوییم، آن هم نه با کلماتی که آموخته‌ی حکمت بشری

باشد، بلکه با کلماتی که روح می‌آموزد؛ و بدین سان حقایق روحانی

را با کلمات روحانی بیان می‌کنیم.»

اول‌قرن‌تین ۲: ۱۳

متن کتاب مقدس را تنها با خود کتاب مقدس مقایسه کرده، اصل الهیاتی را بر

اساس کل کتاب مقدس، استخراج کنید.

(۴) برداشت‌های‌تان را بر اساس یک قسمت مبهم کتاب مقدس جمع‌بندی

نکنید.

مثال خوبی که در این باره می‌توان زد، در دست گرفتن مار^{۴۸} در کلیسا می‌باشد. برداشتی کلی‌ای که از متون مقدس می‌توان کرد این است که افعی‌ها و عقرب‌ها نشانه‌ی شریر و نیروهای تاریکی هستند. آیه‌ای در مرقس باب ۱۶ از افعی به عنوان استعاره‌ای برای دشمنان روح استفاده می‌کند. آیه‌ی دیگری در تثنیه می‌گوید خدای خود را میازماید.

در هر مثالی از کتاب مقدس که سخن از مار به میان آمده است... افراد تلاش دارند تا خود را از شر آن خلاص سازند! پولس رسول از روی عمد، افعی را از روی زمین بر نداشت، بلکه افعی بر دستان او چسبید و او آن را درون آتش انداخت.

۵) ثمره و حاصل اصل الهیاتی برداشت شده توسط شما چیست؟
اگر در عهدعتیق نبوت کسی به انجام می‌رسید، همچنان قضاوت با توجه به اینکه سایرین را به سمت خدا جلب کرده و یا دور ساخته بود، قرار می‌گرفت. برداشت منحصر به فردی که از قسمتی دارید، (به یاد داشته باشیم که هیچ چیزی تحت عنوان تفسیر شخصی وجود ندارد) چه تأثیری می‌تواند در زندگی شما و دیگران ایجاد کند؟

۶) با در نظر داشتن سبک‌های ادبی مختلف کتب کتاب مقدس، واضح‌ترین و صریح‌ترین تفسیر را انجام دهید.

اگر از من پرسیده می‌شد که آیا دوست داشتم در مراسم بلند کردن مارها شرکت کنم؛ من در جواب به شما می‌گفتم: "حتماً!" ترجمه‌ی تحت‌اللفظی جواب من "بله! به من هم یک مار بدهید." می‌بود. تفسیر صحیح و درست البته این است که حتی فکرش را هم نکنید که یک مار را به نزدیکی من بیاورید! من در جواب خود از طعنه یا کنایه استفاده کرده‌ام. شما باید همواره در نظر داشته باشید که کتاب مقدس با چه آرایه‌های ادبی‌ای نوشته شده است.

^{۴۸}. فرقه‌ی مسیحی که به مارگیری معروف است، عمدتاً در ایالات متحده آمریکا و بیشتر در مناطق روستایی و در میان جنبش مقدسین مشاهده می‌شود. م.

آرایه و سبک‌های ادبی انواع مختلفی دارد:

- ✓ تاریخی - اعمال رسولان
- ✓ نبوتی - مکاشفه
- ✓ زندگی‌نامه‌ای - لوقا
- ✓ تعلیمی - رومیان
- ✓ منظوم - مزامیر
- ✓ نامه‌نگاری (رسالات) - دوم تیمو تائوس
- ✓ مثل - امثال

بعضی از سبک‌های ادبی که عیسی برای تعلیم دادن استفاده می‌کرد به قرار

زیر می‌باشد:

- ✓ بزرگ‌نمایی
- ✓ مبالغه
- ✓ تشبیه
- ✓ استعاره (آیا عیسی به معنای واقعی کلمه یک دروازه است؟)
- ✓ معما
- ✓ کنایه
- ✓ جان‌بخشی به اشیاء (آیا برگ‌ها واقعاً دست می‌زنند؟)

فرهنگ غالب در زمان عیسی، فرهنگ داستان‌سرایی بود. سبک نگارش یونانی و مدرن که در نقطه‌ی مقابل آن قرار داشته، بیشتر لیست‌وار و علمی می‌باشد. نمی‌توان گفت کدامیک بهتر یا بدتر است، فقط باید به خاطر داشت که تفاوت سبک ادبی باید در نظر گرفته شود.

- ✓ کتاب مقدس کلام‌خدا به زبان بشر است.
- ✓ کتاب مقدس مکاشفه‌ای پیش‌رونده است - آشکار شدن تدریجی حقیقت.
- ✓ کتاب مقدس هم کتابی الهی و هم انسانی است.

- ✓ باید حقیقت متعال و ابدی درون متن را از ساختار محدود شده در فرهنگ و زمان نگارش کتاب، تمیز دهیم. (به عنوان مثال، نیازی به سوار شدن بر الاغ برای ورود به اورشلیم نیست، و یا حتماً نباید برای دریافت روح القدس به آنجا (اورشلیم) رفت.
- ✓ ما نباید خدا را تنها به این علت که عیسی ۲۰۰۰ سال پیش در خاورمیانه تولد یافت، در چارچوب تاریخ محدود کنیم.
- "آنجا" و "آن موقع" که در انجیل ذکر شده است، "اینجا" و "حالا" چه معنایی دارد؟
- ✓ انجیل کلام خدا است که در طی تاریخ ملبس به کلماتی انسانی شده است. (اتفاقات ذکر شده در آن واقعاً رخ داده‌اند).
- ✓ خدا افراد را به جایی که اینک در آن هستند راهنمایی کرده است، ما را نیز قدم به قدم هدایت می‌کند تا سرانجام به همان منزلگاهی که او هست، برسیم.
- ✓ کافی است به افرادی مانند جیم جونز^{۴۹}، در شهر واکو در تگزاس، یا بدعت‌گذاران دیگری مانند او نگاهی بیاندازید تا متوجه شوید که علت لغزش آنها جهل و نادانی ایشان و پیروان‌شان در درک و تفکیک صحیح بخش‌های مختلف کتاب مقدس بوده است. (م احتمالاً در این ماجرای به خصوص چیزی بیشتر از یک برداشت و تفسیر ساده دخیل بوده است).

مشاهده، تفسیر، کاربرد

مشاهده

متن مورد نظر چه می‌گوید؟

^{۴۹} Jim Jones رهبر فرقه‌ی معبد مردم و قاتل دسته‌جمعی بود. او و حلقه‌ی اطرافش، در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۷۸، در یک جنگل دورافتاده در جونزتاون، یک قتل‌عام دسته‌جمعی را طراحی و اجرا کردند. ۹۱۸ نفر از جمله ۲۷۶ کودک به دستور او با سم جان خود را گرفتند.

برای شنوندگان اصلی خود (اولیه) چه معنایی داشته است؟
 در زمینه‌ی اصلی و برای شنوندگان اولیه‌ی خود، از چه درجه‌ی اهمیت و جایگاهی برخوردار بوده است؟

اینها پرسش‌های ساده و اولیه‌ای هستند که به هنگام مشاهده باید بپرسیم:

چه کسی؟ کجا؟

چه چیزی؟ چرا؟

چه وقت؟ چگونه؟

مشاهده به این معنای است که شما بدون هیچ نظر قبلی و جانبدارانه‌ای با متن روبه‌رو می‌شوید. شما صرفاً با ذهن و قلبی باز و بی‌طرف، آنچه که گفته می‌شود و اتفاق می‌افتد را مشاهده می‌کنید.

تفسیر

✓ آنچه گفته شده است به چه معنا است؟ وقتی برای اولین بار گفته و نوشته شد چه معنایی داشته است؟

✓ زمان تفسیر بهترین وقت برای پرسیدن پرسش‌های توضیحی و گزاره‌ای است. پرسش‌های صادقانه برای بررسی و تفحص شرایطی که آیات مورد نظر در آن نوشته شده‌اند. از پرسیدن سؤالات سخت، نهراسید.

در آیات تأمل و تفکر کنید تا به حقیقت و اصلی اولیه و جاودانه دست یابید.

✓ هدف از نوشتن این آیات چه بوده است؟

✓ تفسیر زمان خوبی برای یافتن ارجاعات متقابل بین آیات در سایر کتب کتاب مقدس است.

می‌توانید به مثالی که درباره‌ی در دست گرفتن مار آوردیم، مراجعه کنید.

✓ باب‌های دیگر کتاب مقدس درباره‌ی این موضوع چه می‌گویند؟

✓ چه حقیقتی فرای آنچه در وضعیت به تصویر کشیده‌ی کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم، پنهان شده است؟

✓ چه معنایی داشته است؟ آیا همچنان همین بار معنایی را دارد؟ (مثالی که می‌توان آورد، ترجمه‌ی کینگ‌جیمز (اول پطرس ۱:۳-۷) است که به زنان می‌گوید که اگر شوهران‌شان ایمان ندارند در اثر "گفت‌وگو" با ایشان ایمان بیاورند. زمانی که پولس این متن را می‌نوشت، در متن کلمه‌ی معنای "رفتار" را به خواننده القا می‌کرد. ترجمه‌ی تحت‌اللفظی معنایی کاملاً مخالف با نظر پطرس را ارائه می‌دهد. پطرس در تلاش بود تعلیم دهد که از کلام و سخن نباید استفاده کرد. او به مخاطبان می‌گفت تا با داشتن رفتاری پسندیده و توأم با احترام خود برای تأثیر گذاشتن بر روی همسران‌شان استفاده کنند. کتاب مقدس بری از خطا و دقیق است اما زبان انگلیسی مانند بقیه‌ی زبان‌ها در طول تاریخ دستخوش تغییرات بسیاری شده است.

«به همین‌سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه برخی کلام را اطاعت نکنند، بی‌آنکه سخنی بر زبان آرید، در اثر رفتار همسران‌شان جذب شوند، زیرا زندگی پاک و خداترسانه‌ی شما را مشاهده خواهند کرد.»
اول پطرس ۳:۱-۲

که در ترجمه‌ی کینگ‌جیمز ترجمه شده است:
«به همین طریق شما ای زن‌ها، مطیع شوهرهای خود باشید تا چنانچه بعضی از آن‌ها به کلام‌خدا ایمان ندارند، به وسیله‌ی گفت‌وگوی شما جلب شوند»
اول پطرس ۳:۱
ترجمه شده از نسخه‌ی کینگ‌جیمز

خدا از زبان انسانی، برای برقراری ارتباط با ما استفاده کرد. او اصول و آرایه‌های ادبی موجود در زبان را نیز استفاده کرده است.

کاربرد

چگونه کار می‌کند؟
چه معنایی برای من دارد؟

«تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب
و اصلاح و تربیت در پارسایی
سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»
دوم تیمو تائوس ۲: ۱۶-۱۷

- ✓ تعلیم (با ارایه دادن اصول الهی و تعالیم به شما اطلاعاتی را که لازم دارید می‌دهد).
- ✓ تأدیب (افکار و اعمالی را که با کلام و اراده‌ی خدا در تناقض است را بر شما آشکار می‌کند).
- ✓ اصلاح (توبه، شروع به تغییر کردن، چنین عملی به معنای تسلیم شدن در برابر سرزنش و تأدیب).
- ✓ تربیت در پارسایی (ایجاد دگرگونی و تغییرات ابدی در زندگی شما).

مشاهده، تفسیر و به کار بردن کلام باید منجر به دگرگونی شود

«پس هر گونه پلیدی و هر فزونی بدخواهی را از خود دور کنید و با حلم، کلامی را که در شما نشانده شده و می‌تواند جان‌های شما را نجات بخشد، بپذیرید. به‌جای آورنده‌ی کلام باشید، نه فقط شنونده‌ی آن؛ خود را فریب مدهید! زیرا هر کس که کلام را می‌شنود اما به آن عمل نمی‌کند، به کسی ماند که در آینه به چهره‌ی خود می‌نگرد و خود را در آن می‌بیند، اما تا از برابر آن دور می‌شود، از یاد می‌برد که چگونه سیمایی داشته است. اما آنکه به شریعت کامل که شریعت

زندگی سالم مسیحی / ۱۶۱

آزادی است چشم دوخته، آن را از نظر دور نمی‌دارد، و شنونده‌ی فراموشکار نیست بلکه به‌جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود.»
یعقوب ۱: ۲۱-۲۵

ضمیمه‌ی چهارم
درک: نجات، شفا و تمعید روح‌القدس
به قلم شبان تری رابرتس

درک تولد دوباره

به شما تبریک می‌گوییم! شما با پذیرفتن مسیح به عنوان نجات‌دهنده و ناجی شخصی خود، موفق شدید بزرگترین تصمیم زندگی خود را بگیرید. از این قدم مهمی که به سوی زندگی تازه و جدیدتان برداشته‌اید، هرگز پشیمان نخواهید شد. در درون شما به تازگی "معجزه‌ای" رخ داده است. حال که موفق به گرفتن چنین تصمیم حیاتی‌ای در زندگی خود شده‌اید، باید بتوانید به وضوح درک کرده، بفهمید که دقیقاً چه اتفاقی برای‌تان افتاده است. کتاب مقدس می‌فرماید که از توبه‌ی فرد خطاکار و پذیرش عیسی، در حضور فرشتگان جشن و سرور بر پا می‌شود. تمامی بهشت از شما با آغوش باز استقبال می‌کند، ما نیز شما را با آغوش باز خوش‌آمد می‌گوییم! کتاب مقدس می‌فرماید: «زیرا هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» (رومیان ۱۰:۱۳). «نجات» یافتن به معنای دریافت "تولد تازه" یا "تبدیل شدن" است. کتاب مقدس همچنین این نوید را می‌بخشد که: «اگر به زبان خود اعتراف کنی "عیسی خداوند است" و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» (رومیان ۱۰:۹). شما می‌توانید مطمئن باشید که نجات را دریافت کرده‌اید زیرا خود کتاب مقدس آن را تصدیق کرده است. بعضی ممکن است بعد از تصمیم به دریافت تولد دوباره "احساس" کنند که تغییری در آنها رخ داده است؛ بعضی نیز ممکن است چنین احساسی را تجربه نکنند. شما باید نجات خود را نه بر پایه‌ی احساسات و عواطف، بلکه بر آنچه که کلام خدا می‌فرماید استوار کنید. آن وقت است که می‌توانید مطمئن باشید از آنجایی که اوامر و دستورات کتاب مقدس را به جا آورده‌اید، فرزندان خدا گشته، در مسیر رسیدن

به بهشت گام بر می‌دارید. خدا از شما می‌خواهد که در قلب خود اطمینان داشته باشید که ایماندار هستید، این خود یکی از دلایلی است که او انجیل را مکتوب شده در اختیار ما قرار داده است (مراجعه شود به یوحنا ۵:۱۳).

در طی روزها و هفته‌های پس از ایمان آوردن تان شیطان سعی خواهد کرد افکار شما را تحت تأثیر خود قرار داده، در اطمینان شما به دریافت نجات شک و تردید ایجاد کند.

تجربه کردن چنین افکاری کاملاً طبیعی بوده و جای هیچ نگرانی‌ای وجود ندارد. تنها شرط لازم این است که اطمینان حاصل کنید که با آنها به شیوه‌ای مناسب روبرو شده، مبارزه خواهید کرد. درست مانند عیسی، زمانی که شیطان سعی کرد او را آزموده و در دلش شک و تردید بیاندازد که کیست و چه جایگاهی در خلقت دارد. (به لوقا ۴:۱-۱۳ مراجعه کنید) تنها راه مقابله با افکاری که از سمت شریر به ما هجوم می‌آورد، استفاده از کلام خدا می‌باشد. عیسی خود فرمود: «مکتوب است».

آنچه را که انجیل می‌گوید باید برای به دست آوردن نجات انجام دهید، به خاطر داشته باشید. از آنجایی که فرامین کلام خدا را گوش داده به انجام رسانده‌اید، اعمال تان «مکتوب» گشته‌اند، و شما نجات را دریافت کرده‌اید!

بیاید این‌گونه بیاندیشید که زندگی جدیدتان از امروز شروع شده است! ایمان آوردن به مسیح نباید کاری باشد که فرد در واپسین روزهای زندگی به آن روی بیاورد، بلکه باید در الویت هر چیزی باشد. اگر در زندگی خود عیسی را نداشته باشید، آن وقت می‌توان گفت اصلاً هیچ ندارید. حیات ابدی شما در حضور خدا از لحظه‌ای آغاز می‌شود که عیسی را در زندگی خود می‌پذیرید. من درونی شما (روح تان) به صورت و همانند خدا آفریده شده است. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که من درونی ما از خدا متولد شده است. این همان چیزی است که ما را فرزندان می‌گرداند. گناهان گذشته‌ی شما نه تنها بخشیده شده، بلکه فراموش می‌شوند. خدا

خود فرمود که گناهان ما را در اعماق دریای فراموشی خواهد، افکند. بنا به گفته‌ی شخصی: "خدا گناهان شما را در دریا انداخته در کنار ساحل علامت 'ماه‌گیری ممنوع' نصب می‌کند. شما دیگر نیاز نخواهید داشت تا از خدا درخواست کنید که خطایا و گناهان‌تان را ببخشد. او به شما به چشم نوزادی تازه متولد شده نگاه می‌کند. این همان وعده‌ای است که در مسیح به دست خواهید آورد. دوم‌قرن‌تیمان ۱۷:۵ می‌فرماید: «پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است!» خدا حقیقتاً شما را در هنگام تولد تازه از نو خلق می‌کند. شما نیز باید چنین دیدگاهی نسبت به خود داشته باشید. آن انسان قدیمی درون‌تان در واقع دیگر مرده است و خلقتی جدید متولد شده است تا جای او را بگیرد. این خلقت نو می‌خواهد از عیسی پیروی کرده، او را اطاعت کند.

زمانی طعم موفقیت کامل را خواهید چشید که به آنچه در درون‌تان است، اجازه دهید تمام افکار و اعمال‌تان را کنترل کند. با این کار عیسی را در جایگاه "خداوندی" در زندگی‌تان قرار می‌دهید. این عمل شما به معنای تسلیم اراده‌ی خودتان به عیسی است. به این شکل او را در زندگی خود آقا و ارباب می‌سازید و او به خوبی به نیازهای شما در زندگی اشراف خواهد داشت. زمانی که کنترل امور زندگی‌تان در دستان عیسی است، می‌توانید مطمئن باشید که همه چیز به دستان شخص خوبی سپرده شده است. او شما را دوست داشته تمامی جزئیات زندگی‌تان برایش مهم و پراهمیت است. خدا می‌خواهد شادی و آرامی واقعی برای همیشه، از آن شما باشد. عیسی به زمین آمد تا به ما «حیات ... به فراوانی» ببخشد. به بیانی دیگر آمد تا به ما: "زندگی‌ای سرشار از نعمت‌ها و فراوانی" عطا کند. هر بخش از زندگی‌تان با تقدیم شدن به عیسی، ارتقا می‌یابد، و او را در آنچه می‌اندیشید، آشکار می‌سازید. اجازه دهید او کنترل را به دست گیرد و خواهید دید که از مشکلات بسیاری رهایی می‌یابید؛ زیرا که او خداست و حکمتش از شما بسیار بیشتر است!

حال دیگر فرزند خدا گشته‌اید. هیجان‌انگیز نیست؟ میلیون‌ها سال بعد به این تصمیم‌تان فکر کرده و متوجه خواهید شد که چه تصمیم حیاتی و مهمی بوده است. اما نیازی نیست که به بهشت برسید تا بتوانید از تمام مزایایی که عیسی فراهم کرده است، بهره‌مند شوید (مزمور ۱۰۳: ۱-۵). همین حالا می‌توانید شروع به لذت بردن از زندگی جدیدتان کنید!

از آنجایی که اکنون از نعمت داشتن یک زندگی تازه برخوردار شده‌اید، شروع کردن آن با سبک و روشی درست، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. شش مورد ذیل را خوانده، اطمینان حاصل کنید که آنها را در زندگی به کار می‌بندید، بدین طریق می‌توانید مطمئن باشید که از زندگی مسیحی سالمی برخوردار هستید: (۱) هر روز کتاب مقدس را مطالعه کنید.

اول پطرس ۲:۲ می‌فرماید: «همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن برای نجات نمو کنید.» داشتن رژیم غذایی مناسب برای داشتن رشد روحانی از اهمیت بالایی برخوردار است. همان طور که یک نوزاد تنها با داشتن تغذیه‌ای مغذی رشد می‌کند، شخص نوایمان نیز به رژیم غذایی خوب و مقوی از کلام خدا نیاز دارد.

مطالعه‌ی انجیل یکی از راه‌های ابتدایی و اولیه برای دریافت تعلیم و درک و شناخت اراده‌ی خدا در زندگی‌های‌مان است. روح‌القدس فرستاده شده است تا شخصاً کلام خدا را بر ما آشکار سازد. او راهنما و استاد شما است و روشی که با آن جان‌های ما را تعلیم می‌دهد، کلام زنده‌ی خدا است.

مطالعه‌ی انجیل یوحنا را آغاز کنید. بعد از به اتمام رساندن آن به سراغ رساله‌ی رومیان بروید. قبل از آنکه اقدام به مطالعه‌ی عهدعتیق کنید، مدتی را صرف خواندن عهدجدید کنید. به خاطر داشته باشید که هنگام مطالعه‌ی انجیل، این خدا است که شخصاً با شما در حال گفت‌وگو است. بگذارید تا او هر روزه با شما سخن بگوید. کلامش را روزانه مطالعه کنید.

۲) هر روز با خدا صحبت کنید.

دعا به معنای گفت‌وگو و صحبت با خدا به عنوان پدر و یا دوست‌تان است. آنچه را که با بهترین دوست‌تان ممکن است در میان بگذارید، به او بگویید. با او رابطه‌ی عمیق و غنی ایجاد کنید. او می‌خواهد نزدیک‌ترین دوست و همراه‌تان باشد. یاد بگیرید تا مکثات قلب خود را با او در میان بگذارید. چیزهایی که در دعا از او می‌خواهید را یادداشت کنید، و بعد از اجابت‌شان تاریخی که پاسخ دعای‌تان را دریافت کرده‌اید، یادداشت کنید (متی ۲۲:۲۱ و مرقس ۱۱:۲۴ را مطالعه کنید).

۳) درباره‌ی عیسی با سایرین صحبت کنید.

حال که ایمان آورده و مسیحی گشته‌اید، واجد شرایط هستید تا شهادت بدهید. در میان گذاشتن آنچه که پشت سر گذاشته‌اید، و نحوه‌ای که عیسی مسیح زندگی شما را تغییر داده است به دیگران و همچنین خودتان کمک بسیاری خواهد کرد. اگر هنوز تمعید روح‌القدس را دریافت نکرده‌اید، باید از عیسی بخواهید تا چنین تجربه‌ای را شامل حال‌تان کند. صحبت با دیگران به شما کمک می‌کند که شاهدی مفید برای ملکوت خدا بوده، بتوانید وارد بعد جدیدی از تجربه‌ی قدرت و معجزه شوید.

۴) شروع به شرکت در جلسات کلیسایی کنید که کتاب‌مقدس را تعلیم می‌دهد.

برای اینکه در ایمان‌تان راسخ بمانید، نیاز به مشارکت با سایر مسیحیان دارید. عیسی برای اینکه به شما یاری برساند، به بعضی از ایمانداران عطایای خدمت در کلیسا را بخشیده است (کسانی مانند رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان و معلمان) شما به یاری ایشان نیاز خواهید داشت. شرکت در کلیسایی که خداوند شما را برای عضویت در آن دعوت نموده است، در اولویت کارهای روزانه‌ی خود قرار دهید.

۵) از عیسی پیروی کرده تمعید آب بگیرید.

عیسی فرمود آنانی که به او ایمان آورده‌اند، باید در آب به عنوان یک بیانیه‌ی سمبلیک در ملاءعام تعمید بگیرند زیرا که دیگر از آن این جهان نیستند، بلکه در مرگ، تدفین و رستاخیز عیسی، شریک گشته‌اند.
۶) اگر مرتکب اشتباهی گشتید، تسلیم نشوید.

عیسای مسیح ما را از چنگال گناه رها کنید و ما دیگر برده‌ی گناه نیستیم. با اینکه در بند گناه نیستیم، اما ممکن است دچار لغزش شده، مرتکب اشتباه شویم (گناه کنیم). فراموش نکنید که خدا حتی اگر در گناه نیز بیافتیم، همواره ما را دوست دارد. تنها چیزی که از شما می‌خواهد این است که صادق بوده، بپذیرید که گناه کرده‌اید. با او درباره‌ی خطاهای تان صحبت کنید تا بخشوده شوید. تنها گناهی که بخشیده نمی‌شوند، گناهی هستند که با او در میان نگذاشته‌اید.

اول یوحنا ۹:۱ می‌فرماید: «ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد.» هیچ وقت این فکر را به سر خود راه ندهید که برای بخشیده شدن تان دیر شده است و بیش از حد در گناه فرو رفته‌اید. بعد از آنکه به گناهان تان اعتراف کردید؛ فراموش‌شان کنید، مانند زندگی گذشته‌ی خود که به کلی فراموشش کرده‌اید.

به خانواده‌ی الهی خوش آمدید، به یاد داشته باشید: «آنکه کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسای مسیح به کمال خواهد رسانید.»

شناخت و درک تعمید روح‌القدس

دریافت تعمید روح‌القدس برای هر فرزند خدا، تجربه‌ای به یادماندنی است. عیسی در کتاب اعمال رسولان درباره‌ی اهمیت تعمید روح‌القدس با شاگردان سخن گفت:

«يك بار در حین صرف غذا بدیشان امر فرمود که: "اورشليم را ترك مکنید، بلکه منتظر آن وعده‌ی پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا یحیی با آب تعمید می‌داد، اما چند روزی بیش نخواهد گذشت که شما با روح‌القدس تعمید خواهید یافت."»
اعمال رسولان ۵-۱:۴

هدف پر شدن از روح‌القدس (خداوند روح‌القدس) در زندگی ما این است که به ما «قدرت» ببخشد تا شاهدان موثری برای عیسای مسیح باشیم (اعمال رسولان ۸:۱؛ افسسیان ۵:۱۸). قدرت حاصل شده از این اتفاق جدید، در موفقیت‌های حاصل شده توسط کلیساهای اولیه در برقراری ارتباط با افراد دیده می‌شود. دریافت تعمید در روح، شما را به شکلی ماورایی به توانایی‌هایی الهی مجهز می‌سازد. تعمید روح‌القدس مانند دریچه‌ای به روی خدمتی ماوراءالطبیعی است. بدون داشتن این توانایی‌ها در حین خدمت‌تان، شما به عنوان شاهدین ناکارآمد خواهید بود.

برای تجربه کردن چنین برکتی لازم است که ایمان‌داری باشید که تولد دوباره را دریافت کرده است (مراجعه شود به یوحنا ۱۴:۱۷). هر مسیحی‌ای که از تولد تازه برخوردار شده است، می‌تواند از روح‌القدس که به صورت رایگان از خدا دریافت می‌کند پر شود (اعمال رسولان ۸:۱۴-۲۰ را مطالعه کنید). دریافت روح، ربطی به بلوغ ایمانی و یا اعمال نیکوی شما ندارد.

دریافت تعمید روح با متولد شدن در روح، متفاوت است. ما در تولد تازه توسط عمل دگرگون‌کننده و متحول‌کننده روح‌القدس، از نو در روح متولد می‌شویم. این زمانی رخ می‌دهد که به مسیح ایمان آورده، در او متولد می‌شویم. کار روح‌القدس این است که روح تازه‌ای در ما بدمد (مراجعه شود به اول‌قرنیتیان ۱۲:۱۳؛ اول یوحنا ۵:۱؛ دوم‌قرنیتیان ۵:۱۷). در زمان دریافت تعمید روح، روح جدیدی از خدا دریافت می‌کنید، و روح شما توسط روح‌القدس پر می‌شود.

پس از تولد دوباره، تنها کاری که نیاز است از جانب ما صورت بگیرد این است که روح القدس را بطلبیم. لوقا ۱۱:۱۳ می‌فرماید: «حال اگر شما با همه‌ی بدسیرتی - تان می‌دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی شما روح القدس را به هر که از او بخواهد، عطا خواهد فرمود.» هر کسی که در روح القدس تعمید گرفته باشد از این توانایی برخوردار خواهد شد که به زبان جدیدی که هرگز قبلاً نیاموخته است، سخن بگوید. اعمال رسولان ۲:۴ می‌فرماید: «سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن‌گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبان‌های دیگر سخن گفتن آغاز کردند.»

با دانش محدودی که ذهن بشر از آن برخوردار است، ما هرگز نمی‌دانیم که چگونه باید به درستی دعا کنیم. هنگامی که ما از روح القدس پر می‌شویم، این توانایی را پیدا می‌کنیم که به زبان جدیدی صحبت کرده از روح القدس برای درست دعا کردن، مدد بگیریم (رومیان ۸:۲۶-۲۷). زمان دعا کردن به زبان‌ها، از زبان روح‌مان برای صحبت کردن با خدا استفاده می‌کنیم. با کمک هدایتی که از روح القدس دریافت می‌کنیم، می‌توانیم کاملاً مطابق با خواسته و اراده‌ی خدا، دعا کنیم. خود لزوماً نخواهیم فهمید که چه می‌گوییم اطرافیان‌مان نیز همین طور. اول‌قرن‌تین ۱۴:۱۴ می‌فرماید: «زیرا اگر من به زبان غیر (به زبانی ناشناخته) دعا کنم، روح [به مدد روح القدس درونم] دعا می‌کند، اما عاقلم بهره‌ای نمی‌برد.» نگاه ما به زبان روح باید به دید زبانی باشد که خدا بخشیده و فقط او قادر به درک و فهم آن است، مگر اینکه مترجمی در میان‌مان باشد تا آن را ترجمه کند. در این‌باره در اول‌قرن‌تین ۱۴:۲ می‌فرماید: «زیرا آنکه به زبان غیر سخن می‌گوید، نه با انسان‌ها بلکه با خدا سخن می‌گوید. زیرا هیچ‌کس سخنش را درک نمی‌کند؛ او به واسطه‌ی روح، رازها را بیان می‌کند...» نه‌تنها رازونیز به زبان‌ها، دعای کاملی است که خدا از ما می‌خواهد؛ بلکه زمانی که به زبان‌ها دعا می‌کنیم روح‌مان برگشته، تقویت می‌گردد. تأثیر آن را می‌توان با اثری که دستگاه شارژر بر باتری

می‌گذارد، مقایسه کرد. در اول‌قرن‌تیمان ۴:۱۴ آمده است: «آنکه به زبان غیر سخن می‌گوید خود را بنا می‌کند.» در رساله‌ی یهودا آمده است: «اما شما ای عزیزان، خویشتن را بر ایمان بس مقدس خود بنا کنید و در روح‌القدس دعا نمایید.» روح‌القدس از طریق پولس رسول در اول‌قرن‌تیمان ۵:۱۴ می‌فرماید: «آرزوی من این است که همه‌ی شما به زبان‌های غیر سخن بگویید...»

در کلیسای قرن‌تس عموم اعضا از سخن گفتن به زبان‌ها سوءاستفاده می‌کردند. اعضا با بلند صحبت کردن به زبان‌ها، جلسات تعلیم را مختل می‌کردند. پاسخی که به این عمل آنها داده شده را می‌توان در اول‌قرن‌تیمان ۲۸:۱۴ دید: «اما اگر مترجمی نباشد، او باید در کلیسا خاموش بماند و با خود و خدا سخن گوید.» توجه داشته باشید که او نگفت که به زبان‌ها صحبت نکنید، بلکه صرفاً یادآوری کرد که استفاده‌ی از عطایا را در کلیسا تحت کنترل داشته باشید. اول‌قرن‌تیمان ۳۹:۱۴ می‌فرماید: «...و سخن گفتن به زبان‌های غیر را منع مکنید.»

تصور داشتن یک زندگی پیروزمندانه‌ی مسیحی جدا از دعا به زبان‌ها، بسیار دشوار است. دعا به زبان‌ها نه‌تنها می‌تواند مفید باشد، بلکه برای یک ایماندار کاملاً ضروری است!

همچنان که در پی دریافت این بُعد جدید از ایمان در زندگی روحانی‌مان هستیم، باید به خاطر داشته باشیم که نباید تنها به دنبال دریافت عطایا باشیم، بلکه در عوض باید در پی دریافت خداوند روح‌القدس باشیم تا زندگی‌مان را از حیات، قدرت و حضور خویش پر سازد. توانایی صحبت به زبان‌ها تنها یکی از مزایای جانبی سبک زندگی تازه و پویا است. روح‌القدس جان ما را پر می‌سازد تا از وجود او لبریز شویم. انگیزه‌ی ما برای رسیدن به چنین تجربه‌ای، باید تمایل به داشتن رابطه‌ای صمیمی‌تر و نزدیک‌تر با پدر، فرزند یگانه‌اش عیسای مسیح از طریق روح‌القدس بوده، همچنین در دل مشتاق باشیم تا قدرت لایزال خدا ما را تبدیل به شاهدانی موثر و کارآمد بگرداند.

در اعمال رسولان ۴:۲؛ مشاهده می‌کنیم که کلمات از جانب روح‌القدس صادر گشت، اما افرادی که در آنجا حضور داشتند، بیان‌کنندگان آن بودند. همچنان که روح‌القدس کلمات جدید خود را در روح شما منقوش می‌سازد، شما نیز از تارهای صوتی خود استفاده می‌کنید، و در حالی که خود از اراده‌ی کامل برخوردار هستید، کلمات را بر زبان می‌رانید. روح‌القدس قرار نیست که بر دهان شما مسلط شود و شما را وادار به سخن گفتن کند. شما در سخن گفتن و سکوت کردن از کنترل کامل برخوردار هستید (اول‌قرن‌تیمان ۳۲:۱۴؛ اعمال‌رسولان ۴:۲).

پس از آنکه از درگاه خدا پر شدن از روح‌القدس را طلب می‌کنید، باید کلماتی را که روح در ایمان بر دهان شما قرار می‌دهد، بیان کنید. می‌توانید مطمئن باشید کلماتی که بیان می‌کنید از جانب خدا می‌آیند و شما فقط کلماتی نامعلوم و هجو ادا نکرده یا آنها را از شیطان دریافت نمی‌کنید. در انجیل لوقا ۱۱:۱۱ این‌گونه نوشته شده است که: «کدام‌یک از شما پدران، اگر پسرش از او ماهی بخواهد، ماری بدو می‌بخشد؟» در آیات بعدی این باب خداوند به ما می‌گوید که اگر پدری جسمانی به پسر خود در عوض چیزی که طلب کرده است پاسخی جعلی و غیرواقعی نمی‌دهد، با توجه به این آیات چقدر بیشتر زمانی که از خدا درخواست می‌کنیم تا روح قدوس خود را به ما ببخشد، می‌توانید به او اعتماد کنید که تقلب و نیرنگی در کار نیست. پر شدن از روح‌القدس اتفاقی نیست که در زندگی یک ایماندار "یک بار برای همیشه" اتفاق بیافتد. ما باید همواره از روح‌القدس پر باشیم و این کار تنها با گذراندن وقت در حضور خدا و پرستش او میسر می‌گردد. باید تا جایی که ممکن است به زبان‌ها و همین‌طور به زبان مادری‌مان دعا کرده، سرود بخوانیم (اول‌قرن‌تیمان ۱۴:۱۵؛ افسسیان ۵:۱۹؛ کولسیان ۳:۱۶). این کار ما را قادر می‌سازد تا از روح خدا پر بمانیم. پولس در رساله‌ی افسسیان ۱۶:۱۸ این‌گونه مرقوم می‌دارد که: «و در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا، در روح (به زبان‌ها) [به اول‌قرن‌تیمان ۱۴:۱۴ مراجعه شود] دعا کنید و برای همین بیدار و هوشیار باشید و پیوسته با

پایداری برای همه‌ی مقدسین دعا کنید.» هرچه بیشتر از عطیه‌ی زبان‌ها استفاده کنید، مشاهده خواهید کرد که بیشتر بسط یافته و شکوفا می‌شود.

شیطان تلاش خواهد کرد تا بر افکار شما تأثیر گذاشته، شما را از این تجربه منصرف سازد، زیرا چنین اسلحه‌ای در مقابل او و پادشاهی‌اش بسیار زورآور و قدرتمند است. به همین دلیل است که شما باید به کتاب مقدس و تعلیماتش در ارتباط با تعمیم روح القدس و صحبت به زبان‌ها چنگ بباندازید و به افکار و احساسات خود در ارتباط با این مقوله، وقعی ننهید. در کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم که عیسی همواره با استفاده از جمله‌ی «مکتوب است» با شیطان به مقابله پرداخته است. به مطالعه‌ی موارد مشابه در کتاب مقدس بپردازید تا این توانایی را پیدا کنید که با خیال راحت با نقشه‌های شیطان برای به سرقت بردن ایمان‌تان مواجه شوید. اگر هنوز از روح القدس پر نشده‌اید، آنچه که لازم است برای حصول این تجربه انجام دهید در زیر آمده است:

- ۱) برای پدر فرزندی باشید که تولد تازه را دریافت نموده است.
 - ۲) در نام عیسی از پدر بخواهید تا شما را از روح القدس پر سازد.
 - ۳) باور داشته باشید زمانی که طلب می‌کنید دریافت خواهید کرد، و این توانایی را می‌یابید تا به محض آن که خدا این عطیه را به شما می‌بخشد، با ایمان شروع به سخن گفتن به زبان‌ها کنید.
- اگر روح القدس را در گذشته دریافت کرده به زبان‌ها صحبت کرده‌اید، به شما تبریک می‌گوییم! مطمئن باشید که این عطیه از جانب خدا است و منتظر باشید تا خدمت و سبک زندگی‌ای فوق طبیعی را در پی خود داشته باشد!
- اگر هنوز از این عطیه بهره‌مند نشده‌اید، دعایی که در پایین آمده است را با ایمان تکرار کنید. از قدم‌زدن‌تان با خدا در حالی که از روح قدوس وی سرشار گشته با عیسی مسیح در خدمت بی‌مانندش شریک شده‌اید، لذت ببرید!

این دعا را با من تکرار کنید:

ای پدر، من در ایمان به عنوان فرزندت به نزدت می‌آیم. من باور دارم که عیسای مسیح به عوض گناهام به جای من مصلوب شده از مردگان قیام کرد. من او را به عنوان نجات‌دهنده و خداوند خویش پذیرفته، استدعا دارم مرا از روح‌القدس پر سازی. ایمان دارم که می‌توانم به عطای زبان‌ها که وعده‌اش را به من داده‌ای سخن گویم. برای روح‌القدس که با مهر سرشارت به من بخشیده‌ای شکر می‌گویم.

در نام عیسی، آمین

درک و شناخت شفای الهی

خدا شما را دوست دارد و می‌خواهد شما را در سلامت کامل ببیند. رساله‌ی سوم یوحنا می‌فرماید: «ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، همچنان که جانت نیز کامیاب است.» از این رساله و سایر کتب به راحتی می‌توان دریافت که پذیرفتن خدا، سلامت جسمانی و تندرستی را به عنوان بخشی از زندگی موفق و شکوفای مسیحی در خود به همراه دارد. سلامت جسمانی شما سایر جنبه‌های زندگی‌تان را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. مفید، مؤثر و کارآمد بودن از نظر روحانی و ذهنی بدون داشتن بدنی سالم، بسیار دشوار است. از آنجایی که خدا نگران و مراقب تمامی ابعاد زندگی شما است، رستگاری و بازخرید را برای روح، جان و جسم شما فراهم کرده است.

اشعیا ۵:۵۳ می‌فرماید: «حال آنکه به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد (برای روح‌مان)، و به جهت تقصیرهای ما له گشت (به جهت جان‌های مان)؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخم‌های او ما شفا می‌یابیم (برای جسمان).» عملی که خدا به انجام رساند، فرای تشخیص نیاز ما به سلامت جسمانی بود، اما او آن را برای ما فراهم نمود. زمانی که عیسی بر صلیب به جهت

گناهان ما مصلوب شد، تمامی دردها و بیماری‌های ما را نیز بر خود گرفت تا شفا یابیم. اول پطرس ۲:۲۴ می‌فرماید: «او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم، همان که به زخم‌هایش شفا یافته‌اید.»

عیسی همچنان که گناهان ما را بر خود گرفت، بیماری‌های ما را نیز از ما برداشت. از آنجایی که او بر صلیب به سبب دردهای ما رنج کشیده است، دیگر دلیلی برای رنج بردن ما وجود ندارد. متی ۸:۱۶-۱۷ می‌فرماید: «هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همه بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگویی اشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: "او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد."»

میسر شدن بخشش گناهان به اندازه‌ی شفای جسمانی برای خدا امری آسان است. عیسی‌مسیح به همان اندازه که نجات‌دهنده‌ی جان‌های‌مان است، شفادهنده نیز هست (مراجعه شود به لوقا ۵:۱۷-۲۶ و یعقوب ۵:۱۵).

خدا سهم خود را برای شفای ما از قبل انجام داده است. از دید او ما شفا را دریافت کرده‌ایم. به سادگی می‌توان فهمید که اراده‌ی او این است که ما در سلامت کامل زندگی کرده، قدم برداریم. اگر برای شفای شما دعا شده است، مطالعه‌ی کتاب‌مقدس به شما کمک می‌کند تا در ایمان‌تان راسخ مانده و تا زمان وقوع و آشکارسازی قدرت شفابخش خداوند، اطمینان خود را در خدا حفظ کنید. اگر هنوز برای‌تان دعا نشده است، این کار به شما کمک خواهد کرد تا قلب‌تان را آماده‌ی دریافت خداوند کنید.

راه‌های مختلف دریافت شفا در کتاب‌مقدس ثبت شده است. به چند مورد از آنها نگاهی اجمالی خواهیم انداخت، اما قبل از آن مهم است که برای خود "نقطه‌ی تماسی" داشته باشید. نقطه‌ی تماس آن اهرمی است که شما برای منتشر ساختن ایمان‌تان و دریافت شفا استفاده می‌کنید. آن زمان مشخصی است که شفا را دریافت

می‌کنید. در انجیل با داستان زنی روبه‌رو می‌شویم که می‌خواهد توسط عیسی شفا یابد. او اطمینان داشت که اگر تنها بتواند لبه‌ی ردای عیسی را لمس کند، شفا را دریافت می‌کند. او برای رهایی‌اش از بیماری زمانی را تعیین کرد؛ به محض لمس جامه‌ی عیسی.

در همان باب پنج از انجیل مرقس با نمونه‌ای مشابه اما نقطه‌ی تماسی متفاوت روبه‌رو می‌شویم. مردی دختر بیماری داشت که بر اثر بیماری فوت کرده بود. زمانی که او در حال حرف زدن با عیسی بود به او گفت: «دختر کوچکم در حال مرگه است. تمنا دارم آمده، دست خود را بر او بگذاری تا شفا یابد و زنده ماند.» او نیز زمان مشخصی را برای دریافت معجزه تعیین کرد؛ زمانی که دستان عیسی بر روی دخترک بیمارش قرار گیرد. نقطه‌ی تماس اصلی مهم برای دریافت پاسخ دعاها- مان از خدا است که لازم است یاد بگیریم تا از آن به درستی استفاده کنیم. برای اینکه نتیجه‌ی ایمان مان را مشاهده کنیم، باید در زندگی ایمانی مان زمانی باشد که "باور داشته‌ایم که به ایمان دریافت خواهیم کرد." می‌توانید یکی از روش‌های زیر را برای دریافت شفا، انتخاب کنید. تنها به یاد داشته باشید که اصول و روش از آخرین میزان اهمیت برخوردار است، این نتیجه است که مهم می‌باشد.

۱) دست‌گذاری

عیسی فرمود یکی از نشانه‌های ایمانداران واقعی این است که وقتی بر بیماران دست گذاشته دعا کنند، بیماران بهبود می‌یابند (مراجعه شود به مرقس ۱۶:۱۷-۱۸). این به معنای انتقال قدرت شفابخش خداوند از طریق یک ایماندار به فرد بیمار می‌باشد. این روشی برای انتشار مسح شفابخش خدا است. هر ایمانداری می‌تواند بر افراد بیمار دست بگذارد، تنها به شرطی که اطمینان داشته باشد زمانی که دست بر شخص دردمند می‌گذارد، مسح شفابخش جاری می‌شود. علائم شفابخش تنها از طریق ایمانداران انتقال می‌یابد.

۲) مسح با روغن

روغن نمادی از حضور روح القدس است. مسح با روغن می‌تواند نقطه‌ی تماسی برای آزاد ساختن ایمان شما به جهت دریافت شفا باشد. به یاد داشته باشید که این روغن نیست که شفا می‌دهد بلکه ایمان به خدا است که با مسح شدن به روغن، همراه گشته است (مراجعه کنید به یعقوب ۱۴:۱۴-۱۵).

۳) اتحاد و توافق در دعا

در کتاب مقدس مواردی را مشاهده می‌کنیم زمانی که ایمانداران برای هر چیزی که نیاز دارند، در کنار یکدیگر متحد می‌ایستند، فیض دو چندان شده و قدرت افزایش می‌یابد. زیرا: «یک تن هزار را تعقیب تواند کرد، یا دو، ده هزار را به گریز و تواند داشت.» متی ۱۹:۱۸ می‌فرماید: «باز به شما می‌گویم که هر گاه دو نفر از شما بر روی زمین درباره‌ی هر مسئله‌ای که در خصوص آن سؤال می‌کنند با هم موافق باشند، همانا از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان به انجام خواهد رسید.»

۴) باور و ایمان داشتن به کلام خدا

احتمالاً بهترین راه برای شفا یافتن، و مطمئن‌ترین راه برای حفظ شفای دریافت شده این است که مشاهده کنید چگونه خدا در کتاب مقدس کسی را شفا داده است، و سپس تنها اعلام کنید که شما نیز آن شفا را دریافت کرده‌اید (متی ۵:۸-۱۳).

می‌توانید از یکی از این روش‌ها استفاده کنید و یا حتی دو یا چند روش را با هم ادغام کنید و یا تنها با هدایت روح القدس از روشی که در کتاب مقدس ذکر شده است که توسط فردی به کار گرفته شده است، استفاده کنید. خدا تمایل دارد که در جهت نیازهای تان در زندگی شما عمل کند. به یاد داشته باشیم که خدمت عیسی بر زمین برای از بین بردن اعمال شیطان بود. به همین جهت او به انجام اعمال نیک پرداخت و "تمامی" کسانی که مورد ستم و ظلم شیطان قرار گرفته بودند را رها کنید. هر بیماری به منزله‌ی تعدی و جوری از سمت شریر ارزیابی می‌-

شود، اما مشیت خدا برای شما شفا می‌باشد. در کلام خدا در ارتباط با شفا به ویژه محبتی که به شما دارد، تعمق کنید. عیسی دیروز، عیسی امروز و فردا همان است، او هرگز تغییر نکرده است؛ اگر شما نیز بیاموزید که با او گام بردارید، آنچه را که در حق سایرین کرده است، برای شما نیز انجام خواهد داد. «در او از هر حیث غنی شده‌اید.»

آیاتی برای تفکر و تعمق

انجیل متی ۸: ۱۶-۱۷

پطرس ۲: ۲۴

اشعیا ۵۳

دوم یوحنا ۲

خروج ۱۵: ۲۶

خروج ۲۳: ۲۵-۲۶

مزامیر ۱۰۳: ۱-۳

امثال ۳: ۸

